قوانین الهی اسلام کافیست

حقیقت نفاق از دیدگاه قرآن کریم

۱- دروغ‌پردازی و تقلب صفحه ۴

استقبال عمومی جهان اسلام از دعوت امام خمینی

نقل از ژون آفریک چاپ فرانسه "امام خمینی" رهبر شیعیان، اسرائیل را دشمن انسانیت نامیده وی دریک نطق رادیوئی بخاطر روز همبستگی با خلق فلسطین که در روز جمعه در ایران برگزار شد به این امر اشاره کرد که اسرائیل باید بداند که ارباباش هیچ قدرتی در این دنیا ندارند و بنابراین مجبور است که تنها بماند. طبق اظهارات سخنگوی وزارت امور خارجه دعوت به همبستگی از سوی "خمینی" در پاکستان بحرین و کویت و لبنان واردن و سوریه با استقبال روبرو شد. در عین حال رهبر شیعیان از فساد و ضعف کشورهای اسلامی

در صفحه ۸

توقیف نبرد ملت از طرف دولت انگلستان

صفحه ۸

ایجاد قوّه مقنّنه یعنی چه؟!

ملت فقط یک مجمع اسلامی می خواهد و بس

"امروز حجت تمام است، بنام" "خدا، بنام حفظ اساس" "واساسی‌ترین اهداف مقدس" "انقلاب اسلامی ایران و بنام" "خلق مسلمان و انقلابی که" "در راه (برقراری حکومت" "عدل اسلامی) از همه چیز" "خود گذشت باید ملاحظات" "سیاسی، ملاحظاتی را که" "ثمره‌ای جز انحطاط و بدبختی" "و شقاق و نفاق ندارد زیرا" "گذاشت و مانند تمام مراحل" "حساس انقلاب، انقلابی" "عمل کرد و بخاطر رضای خدا" "با اعلام اجرای قانون مقدس" "اساسی اسلام که چیزی جز" "احکام قرآن نیست یکپاره" "مردم را به آرزوی قلبی" "دیرینه خود رساند برهرچه" "انتظار و دسته بندی و" "جنجال و فتنه‌انگیزی است" "خط بطلان کشید."

نقل از قسمت آخر سرمقاله شماره ۲۱ دوره انقلاب مورخ ۲۲ خرداد ۵۸ درست هشتاد روز قبل

در صفحه ۲

الاسلام یعلو ولا یعلی علیه — اسلام برتر است و چیزی برتر از آن

نبرد ملت

نخستین نشریه انقلابی اسلامی ایران وابسته بجبهه واحد اسلامی مستضعفین

(سال سی‌ام) شماره مسلسل ۱۵۸ دوره انقلاب شماره ۳۳ شنبه ۹ شوال ۱۳۹۹ برابر ۱۳۵۸/۶/۱۰ ۲۰ ریال

بایستید ای غرب زدگان به کجا میروید؟

در صفحه ۲

ارتش در راه کسب افتخار

اکنون که قلم میخواهد افتخارات و سرفرازیهای ارتش ظفرمند جمهوری اسلامی ایرانرا بروی کاغذ آرد، آچنان آکنده و پر افروخته از احساسات و افکار متضاد هستم و از بلاهت و فریب خوردگی و کوردلی آن دسته از مستضعفین و غارت شدگانی که نداسته و ناآگاه‌کور کورانه بدنبال دژخیمان تبارو جیاولگران نسل خویش راه می‌سپارند، و آلت بی‌اراده و فرمان پذیر دست کاخ نشینان و جهانخواران امپریالیسم وضد انقلاب اسلامی ایران گردیده‌اند اشک خونینم مرکب و مایه قلم میشود تا این عبرت نامهٔ خونین رنگ پذیرد ونقش و نگار

بقیه در صفحه ۲

آقای وزیر کار! ادامهٔ این روش اقتصاد مملکت را بنابودی میکشد

وزیر کار یا وزیرکارگران

یکی دو تن از محترمین ومطلعین باعتبار سوابق دیرین و ممتدی که میان برخاش وآقای داریوش فروهر وزیر کار وجود داشته است خواستفاند که این مطلب از طریق ما بایشان در میان گذاشته شود. حرف بر سراین است که اضافه کردن ناگهانی حداقل دستمزد باقتصاد، تولیدوکشاورزی و خدمات کشور لطماتی زده است که خواستفاند چندنمونه از آنرا به ایشان در میان بگذاریم. نقل از برخاش شمارهٔ ۱۹ مورخ ۵۸/۵/۳۰

بقیه در صفحه ۷

برنده باد تیغ خونریز انقلاب

مرسوم است که دزدان قهار و کارکشته و ارقه، وقتی صاحب خانه متوجه حضورشان میشود و دادو فریاد بلند میکند که: آی دزد، بگیرید بگیرید... دزد ناقلا و رند هم همینطور که فرار میکند و ازدید صاحب خانه پنهان میشود برای آنکه مردم از خانه بیرون ریخته و رهگذران باو سوءظن نبرند فریاد میکشد آی دزد آی...

بقیه در صفحه ۷

بمناسبت تجدید نظر در مقررات بیمه ودر رابطه با هزاران گرفتاری دیگر:

کارگران وکارفرمایان متحد شوید!

در یک جامعه توحیدی که باید از تعالیم انسانی، رهائی بخش و سراسر مساوات و برادری مکتب مقدس اسلام الهام بگیرد و ارکان جامعه‌کلا" براصول یگانگی، وحدت‌واخوت استوار باشد اجراء این اصل اشعارمقدس نه تنها (عجیب) نیست بلکه خیلی هم طبیعی بلکه ضروری است. چرا که اگر کارگرنباشد دستگاه اعم ازکوچک وبزرگ نمی‌چرخد واگرباصطلاح (کارفرما) نباشد خیلی بصراحت میگوئیم کاری وجود نخواهد داشت وایشهم هیچ فرق‌نمیکند که کارفرما دولت باشد یاکفاش و بقال و قصاب محله وسرگذر.

در دوران سیاه طاغوت سیاست شیطانی دستگاه ستمگر بر مکر و خدعه و نفاق افکنی و ایجاد ضد دستگی قرار داشت تا حدی که برای حفظ خود، نیروهای حافظ خود را با هم دشمن نموده در برابر هم‌قرار میداد نیروهای مسلح اعم از

بقیه در صفحه ۲

ندای یک برادر مسلمان بمجلس خبرگان تشیع سرخ علوی همان تسنن راستین محمدی است؟

اکنون که در مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی بحث بر سر قانون اساسی جمهوری اسلامی ادامه دارد قلمهای زهرآگین بکارافتاده به‌ضدیت علیه تشیع سرخ علوی می‌پردازند حتی برخی تاآنجا پیش رفته‌اند که صراحتا" وبا تیترهای درشت درروزنامه اعلام میدارند که رئیس جمهور باید مسلمان

بقیه در صفحه ۸

امام خمینی: بکشید ما را - بریزید خون ما را

این جنایات نابکارانه حقانیت ما را اثبات میکند

اما انقلاب ما با این خونها بارورتر میشود

آقایان مسئولین امور چه میگوئید؟

درود آتشین وسلام سوزان ما بروان پاک برادر شهید حاج مهدی عراقی و فرزند مظلومش

نبرد ملت — ضمیمه شماره ۱۰ — تکشماره ۱۰ ریال

هوالعزیز

ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

گمان مدار کسانیکه در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در رحمت خدای خود خوشوقت‌اند.

خداوندا! این قربانی عزیز و شریف، این قدیمی فدائی اسلام قهرمان و پاکباز و فرزند مظلوم، رشید و ناکامش را از امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بپذیر.

جانشینان خونخوار پسر خائن رضاخان سفاک جنایات بیداد گاههای نظامی را نسبت بفدائیان اسلام ادامه میدهند.

فدائیان اسلام بخون پاک شهداء خود سوگند میخورند تا انتقام خون این مظلومین را از مسببین جنایتکارش نگیرند از پای نخواهند نشست.

ما مرگ و شهادت از خدا خواسته‌ایم
آنهم به سه چیز کم بها خواسته‌ایم
گر یار کند هر آنچه ما خواسته‌ایم
با آتش وسرب و بورپا خواسته‌ایم

آقای بازرگان! آقای وزیر دادگستری، آقای وزیر کشور و آقای رئیس کل تهرانی

در این لحظات حاسکه، در این دقایق سرشار مصیبت و درد و رنج و در این روز سیاهی که یکی از فجیع‌ترین، خطارناک‌ترین، مصیبت‌بارترین لحظه‌ای را که می‌خال تمام دوران تسلطون هولناک طاغوت، عمال آمریکا، دزدی و فساد و خیانت و بدبختی نصیبان اسلام و ایران هنگامیکه، شبهای زندان و روزهای مبارزه

بقیه در صفحه ۲

در صفحه ۸

رخنه

به مطبوعات

۱۷ شهریور - اطلاعیه جمعیت انقلابی زنان افغان

نبرد ملت - در اطلاعیه ایشان آمده است که: ما هم انقلاب کرداهه - شوهرانمان را ضد انقلاب مرتجا" کشتاهه به اندازه بعضی از زنان ۱۷ شهریوری قمبوز در بکرداهه

۱۷ شهریور - نامه سرگشاده جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

نبرد ملت - نویسم نامه‌ای پر سوز دل روز جدائی ناظر الشعرا !؟

نبردملت - نظر باینکه این روزها نویسندگان وشعرای غیرمتعهد و مسئول نسبت به سیر جریان انقلاب ما خیلی جفتک پرانی میکنند و بواقع جموش شده‌اند خوب بود فکری هم درباره تدوین قاطر الشعرا میکردید

تشریه ۱۷ شهریور - به کمک مالی شما نیازمندیم

نبردملت - خدابدهد - گدائی کن محتاج خلق نشوی خواهر

۱۷ شهریور - پیش نویس قانون اساسی و سایل مبرم زنان

نبرد ملت - سایل مبرم زنان ۱۷ شهریوری: ریمل، ستوار کرست اسکاندال... آرایشگاه مجید

کیهان - ۲۵۰۰ دستگاه اتوبوس نمیتواند با سخگوی نیاز میلیونها تهرانی برای انتقال به مرکز باشد.

نبرد ملت - به توصیه نخست‌وزیر مردم باید در صف اتوبوس صبر انقلابی را از دست ندهند.

عدالت - شاهد از همین دور و برها رسید.

نبرد ملت - شاهد رویاه کیست؟

آرمان - چه کسانی مسئول اغتشاشات اخیرند؟

نبرد ملت - عده‌ای بی دردی میدویدند فریاد میکردند بگیرید - آی درد - خود درد هم از جلو میدوید و فریاد میکرد آی درد.

کیهان - سخنرانی دکتر صادق طباطبائی علیک خیابان دولت.

نبرد ملت - بعمل کار برآید به سخنرانی نیست.

رنجبر - با پورتوشیم چپ نمیتوان جنگ روبرو نویسم رفت.

نبرد ملت - آنها به جنگ انقلاب اسلامی آمده‌اند... با هم جنگ زرگری دارند.

در صفحه ۳

سخنی با پیشتازان و پیشگامان انقلاب!!

کمله به صحنه می‌آید، میدان از این خلقی‌ها از هرزرنگ) خالی است. چرا؟!!

روزهای گذشته روزهای جوشش خلق علیه ضد انقلاب و علیه توطئه‌های چپ و راست بود. حتی کسانی که بفنون نظامی آشنائی نداشتند حتی خواهران غیرتمند ما با

بقیه در صفحه ۲

در حاشیه

سفسطه و مغلطه کاری دشمن را چگونه باید خنثی کرد؟ این اهانت بانقلاب و شهدای انقلابست

توی ماشین دو جوان با هم بحث داشتند از حرفهایشان اینطور استنباط می‌شد که اولی مسلمان و دومی به مرام کمونیست گرایش دارد مسئله‌ای که باعث نوشتن این مطلب شد این بود که جوان مسلمان سعی می‌کرد با فریاد و بیان احساسات خود حرفش را به کرسی بنشاند و با کمال تاسف متوجه شدم که آن جوان با خواندن یکی دو کتاب مذهبی در سطح بالا (البته بدون درک صحیح مفاهیم کتاب) به میدان مبارزه آمده است و میدان حرف را قانع کند طرف هم که زرنگ و تا اندازه‌ای بیشتر اهل مطالعه بود با زرنگی خاصی بحث را به مسائل دیگر می‌کشاند تا جوان مسلمان را کج کند اتفاقا" در این راه موفق

در صفحه ۸

نبرد ملت
صفحه ۲ ـ دوره انقلاب شماره ۳۴ ـ شنبه ۱ شهریور ۱۳۵۸

بقیه از صفحه اول

قوانین الهی ...

طی یک سرمقاله مفصل که ذکر همه آن در اینجا نه مقدور است و نه لازم عقاید خود را درباره قانون اساسی که حقایقی عقلانی و الهی بود اعلام و گفتیم و نوشتیم آنچه مصلحت ملت اسلام میدانستیم ولی از آنجا که نه دولت خود را مسئول دریافت این پیام میدانست و نه شاید عدم تشکیل مجلسی برای تدوین قانون خلاف مصلحت بود این حرفحق بجائی نرسید.

اما امروز که مجلس بررسی و تدوین قانون اساسی تشکیل و موجقی برای رسیدگی به مسائل مربوط به این موضوع بوجود آمده و از تمام طبقات دعوت باظهار نظر گردیده برحسب وظیفه دینی و ملی خلاصه نظرات خود را اعلام و رسالت خود را به پایان میرسانیم.

اقایان نمایندگان مجلس خبرگان که با رای قاطع ملت با تصمیم خطیر تعیین سرنوشت مملکت و آینده آن گرد هم جمع شده اند میدانند که کلیه تصمیماتشان تنها وقتی از نظر ملت ارزش قانونی دارد که نه تنها مغایر با اصول متین دین مقدس اسلام و احکام لاینفیر این دین نباشد بلکه باید بدون بلاواو کم و بیش از سرچشمه لایزال و حیات‌بخش آن سیراب شود. در اینصورت وجود وگنجاندن اصل (قوه مقننه) در قانون اساسی یعنی چه؟

شما حقوق ملت، وظایف قوه مجریه، روش قوه قضائیه و وظایف ارگانهای رژیم را با استفاده از نصوص و احکام اسلامی معین و تصویب میکنید دیگر اصولا وجود (قوه مقننه) چه مفهومی دارد؟

مفهوم مخالف وجود قوه مقننه اینست که انسانهائی با تمام ضعفها، امراض و ناراستیهای بشری بیایند در برابر (قانون خدا) قانون وضع کنند که در ایران ۷۲ سال گردند و طمعش را چشمپوشی و دنیائی هم پرستان قانونگذاران قلنذره خود میباشد.

باستثناء ادوار اولیه مجلس، وقتی سراسر تاریخ رژیم منفور مشروطه سلطنتی را ورق بزنیم میبینیم که همیشه پست‌ترین عناصر چاپلوس و دزد و مظلوم کش و بیگانه پرست بضرب سرنیزه و به زور پول و هزار دوز و کلک وحقه و تیزتک بنام (نماینده ملت!) به سوی مجلس مرازیر و محکم‌ترین پشتوانه قانونی همه فجایع، دزدیها، انحرافات و دشمنی با ملت همین قوه (قانونگذاری) بوده است.

این خانهای گردنفند و رعیتکش و چاپلوسان دربادی و نور ـ چشمی‌ها و غلام‌زادگان سفارت‌بودند که باراده یافتن به (مجلس شورای ملی) در مدت حدود ۶۰ سال بزرگترین ضربات‌رابرپیکر دین و آزادی و استقلال این ملت وارد آورده بنام (قوه مقننه) مهلک‌ترین لطمات را باسامی حیثیت و موجودیت ملی زدند و کیست که نداند این قوه مقننه یکی ازارکان تمام فجایع و زشتیها و جنایات گذشته بوده است و جای حرف هیچتجاست که چه تضمین وجود دارد که در آینده چنین نباشد و چه احتیاجی بچنین قوه‌ایست؟

من از نمایندگان محترم مجلس خبرگان و حتی اقایان علماء اعلام سئوال میکنم و حتی به این سئوال خود جنبه شرعی میدهم که آیا با وجود (قانون خدا)، قوانین سرشار و غنی و همه جانبه اسلام وجود قوه مقننه شرعا جایز است؟ و اگر نیست که قطعا نیست گنجاندن این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یعنی چه؟

وقتی مردمی با شعار استقرار حکومت عدل اسلامی جان بر کف باستقبال رگبار گلوله‌های جاسوز مسلسل و تانک رفته و با اتکاء بخدای اسلام و ایمان اسلامی خود بزرگترین دژخیم عصر را از تخت فرعونی بزیر انداخته مجبور بفرارش کردند، وقتی ملتی با شعار واحد (استقلال، آزادی، حکومت اسلامی) اراده قاطع خود را بر قدرتمندترین نیروهای شیطانی جهانی تحمیل و ۹۸ درصد بجمهوری اسلامی رای میدهد مفهوم بیچون و چرایش اجرای احکام آسمانی دین مقدس اسلام است و هر کس غیر از این فکر کند، بگوید و یا قدمی بردارد یا مغرض است و یا جاهل و این دو طبقه را در جامعه انقلابی ما جائی نیست.

* * *

وجود قوه مقننه در نظام اسلامی ایران توهینی آشکار و بی تفکر به حیثیت قوانین و احکام آسمانی دین مقدس اسلام است، اقایان نمایندگان مجلس خبرگان بنا بوظیفه شرعی، الهی و انقلابی خود فقط میتوانند بمنظور تقریر و تطبیق احکام اسلام با احتیاجات زمان وجود یک (مجمع اسلامی ملی) را جانشین قوه مقننه کنند وبس. و هر عملی غیر از این، خروج از خط مستقیم انقلاب و انحراف از مسیر الهی آن میباشد که مورد خشم خدای توانا، نارضائی رهبر عالیقدر انقلاب و خلاف خواست ملت مسلمان ماست.

کاری کنید که بیاری‌خدای توانا دکان (قانون سازی) دربرابر قوانین الهی تخته شده و بدین ترتیب راه هر سوء استفاده و انحراف و خیانتی باساس انقلاب اسلامی ایران مسدود گردد.

امروز اتخاذ تصمیم در این‌امر خطیر بسته به رای شماست خدا را ناظر و شاهد اعمال خود بدانید و کاری نکنید که خدای نکرده امروز در برابر انقلاب و ملت مسلمان و گردا در پیشگاه خداوند قهار سر افکنده باشید.

عبداله کرباسچیان

بایستید ای غرب‌زدگان به کجا میروید؟

به‌خود آئید واز خاک نمناک مزار شهیدان که در کنارش کودکانی محتاج بکمک شما هستند پای از پی تفریح و تفرج بکشید ومُد طاغوتی سفر بخارج را ترک نمائید

خواهر، برادر، هموطن به کجا میروی؟ سهمین تمام صدایت میکنم که بارگردی‌حتی از نیمه راه... میخواهم که شرم کریبانت را گرفته و سر خاک عزیزانت و خانه ویرانت بازگردانند.

هنگامیکه مردم، جوانمردان، زن و مرد متعهد در جهاد پیگیر سازندگی به روستاهی شتابند، تا برای مردمی که هموطن ما هستند، برادر ما هستند... و سالها و بلکه قرنها پکاشتند و ما بخوردیم وبار بکارند وبازهم ما بخوریم و خود هرگز نه نان سیری در سفره و نه سقف استواری بالای سر داشته‌اند ـ خانه بسازند برای شادمانی روح شهیدانیکه بجاس این آرمان مردند پکیار، برای بکبار هم که شده دست هایشان را این دستهای بی شائبه انقلابی را در دست پینه بسته دستهائی بگمارند که قرن ها در خدمت ما مصر و مستمر است.

و هنگامیکه این انسانها این خواهران و برادران سفر بعروسیا میکنند تا اشک بینوائی از گونه کودک روسیا بزدایند و بار غم قرنهای جهانخوارگی از دوش‌ناتوان وغریبان‌روسیائی سبک‌نمایند، تو دامن برمیکنی و بار برمی‌بندی که بخارج سفر میکنم؟ ای بارگران بسر دوش ملت و ای سربار اجتماع ننگت باد. شرم بادت. از خودت از انسانیت از خدا.

ندانستی که مردگان به از زندگان بی‌تفاوتند، درد ملت درد تو نیست؟ اما درد تو از آن ملت است وقتیکه آرمندی، وقتیکه دردمندی، وقتیکه ناتوانی و لاعلاجی به دامن همین مردم در محنت و مصیبت گرفتار بازمیگردی و صحبه میکنی و جویای یاری هموطنان میگردی، چون‌بهبود یافتی ـ چون توانت دادند راه کج کردم، وبارگرفته باپولی که از آن این مردم است ـ با ارزیکه برهردرد بیدرمان این ملک دوا است به تفریح‌وتفرج میروی! تفرج. گردش‌باغذیته آن ملتی که بر مزارشهیدانش بسی زنان بی شوهر و کودکان یتیم بی یاور بجای مانده‌اند ای خانه‌خراب ـ از خانه‌خود که امروز بخدمت محتاج‌است به کجامیگریزی؟ از این‌ویرانی های پس از انقلاب و یادگار شوم آثر بنی امیه صفتان بر قوم ـ امروز که به دست های مرمت گر و سازنده تو نیازمند است کدام منش اهریمنی رویگردانت میسازد که خانه ویران بماند و تو در تفرج و ترقص شمع بزم و محفل آرای بیگانه‌ای گردی که خانه‌ات را خراب کرده؟ به که میپاری دردها و خرابیها را که باید آبادان گردانید؟ دیگران؟ ای سربار دیگران! که بارهم بکارند و خوری و بسازند و بری؟ کاش همسایه بودی ولی‌انسان‌بودی ای هم‌خانه بیخبر از خانه‌ـ همسایگان پاکستانی با همه بی‌برگ ونوائی خود ـ برادران فلسطینی با همه مصیبت و تنهائی همراه همه مردم‌آزاده دنیابه‌مردم خانه تو ـ کشورت درود میفرستند. واین‌محتاجان مغرور و مستغنی دیار تو را میستایند. همان کسانیکه تواز کنارشان گریخته و بخارج سفر میکنی. ای مسافرمشئوم ـ سفیر دردهای ملت خود باش. خود را بهمه عرضه کن تو دیدنی‌تر از دیار فرنگی. تو تماشائی‌تر از موزه لور یا باغ وحش‌لندن یا آسمانخراش نیویورکی.

تو از کنار ماتم مزار ۸۰ هزار شهید سفر کرده‌ای، تو از سوگ عظیم. بیشمار کودک یتیم که پدرانشان بخاطروجود بی‌ثمری‌چون تو شهیدگشته‌اند به مجلس شادمانی دشمنان ما وغارتگران واستثمارگران‌دیروز ما شتافته‌ای... ای شهرزاد قصه‌گوی سرزمینهای هزارو یکشب. داستان اشکهای‌حرمان برادرانت را و هزارو یک درد دوران اسارت امپریالیسم رابه بخوان... داستان شکیبه ها را و زجرهارا و حماسه ها را ـ بعسادت شهادت نائل میشوند دیگران بدون اندک درنگی و بدون‌کوچکترین‌برائی عاشقانه و شیدا جایش را میگیرند و پرچمش را بدوش میکشند وبراه او که راه ملت و انقلاب‌ایران است ادامه میدهند، و بنگرید افسران ودرجه‌داران‌و سربازان سربرکف و جان بر طبق‌اخلاص نهاده را که بی‌پروا و بیم از شهادت همرزمان و همقطاران پر افتخار خویش، بدون آنکه مژه بر هم زنند ودراراده‌های توانایشان خللی وارد شود پر عزم‌تر از لحظه قبل سنگر سربار شهید را اشغال کرده و بعشق شهادت خرمن عمر دشمنان اسلام‌را آتش می‌کشند ارتشی که قرقیها، فراناهی‌ها ستوان‌دودانگه، فرنیدمحسنی آبدار، پرنیانی، حسن‌مهدوی حسن سلم‌توری، عبدالحسین حیمدی، مهدی‌حسن‌زاد، علی رضاحسون، و دهها شهید که در کسوت امیری و افسری و درجه‌داری‌و سربازی وخلبانان عقابهای آسمان پیما و بلند پرواز را فدای مکتب ساخته‌ـ و اینک پر خروش‌تر و پرتوان وعاشقانه‌ترهر کدام خون‌کوهی استوار برمواضع خویش ایستاده و بپاس دین و وطن متعهدوند از آن دست ارتش وارتشیانی است که با توطئه‌ها وتحریکات گلوله‌های درنده‌ای که از خفا بسویشان رها میکنند دچار سستی و فنورگردد؟ بروید و: (این دام بر مرغ دگرنه که عنقار ا ارتش ظفر نمودن و پولادیـن اراده جمهوری اسلامی ایران آنچنان پای همت و مردانگی در جاده‌های شهادت و کسب افتخار استوار ساخته‌کافر در این کره خاکی.

هر یک از دانه‌های ریگ و تن سنگری که در آن موضع گرفته جنگنده‌ای شود وبرویش بایستد، بازهم همتش سست نخواهدشد و ایمانش رابدست تزلزل نخواهد سپرد ـ زیرا او رمزو راز سیاهگیری و مقام پرارج و شکوهمند شرا بخوبی دریافته و آئین چگونه زیستن و چگونه مردن‌را از شهوارا سلام وفرزند مجاهدش سالارشهیدان فرا گرفته و آئین چون خود مردرا درآن مکتب نورانی آموخته‌اند و آنچنان با هراه آموخته‌اند کبمرای‌نیل‌بمقام شاخ‌شهادت باتدرجه عجول و حریص میباشند، که کودک میگیدن پستان‌مادرشوق و تعجیل‌دارد. ضدانقلاب وضد اسلام دربرابر یکچنین طرز تفکر و چنین ارتشی براستی جز سرانداختن وراه هزیمت پیش گرفتن چه چاره و گریزی دارد؟ اینک که دانستید ارتش مباهی و مفتخر ایران در چه موضعی ایستاده و از کدام مکتب الهام میگیرد و چه آهنگی در سرداره، فریب خوردهها و آلت شدهها توبه کنند و عبرت گیرند و بدامان مردم و ارتش باز گردند. وضد انقلابها وجیره‌خوارها و سر ـ سپردگان هم تا فرصت هست و قدرت دارند قرار را بر قرار ترجیح دهند و تا آنجاها که میتوانند از تهـرس چنین ارتشی بگریزند، شاید بخت یار زندگی پر ادبارشان شود و قبل از اینکه در مشت توانای ارتش فشرده شوند و شیری‌که از پستان خیانت نوشیده‌دربن دندانشان آید. بمرگ طبیعی از این کابوس رهائی یابند. آری این بود اتمام حجت ما با فریب خوردگان و حتی دشمنان. پیروز باد ارتش ـ جمهوری اسلامی ایران که با حرکت‌اسلامی و فداکارانه خویش مهر مردی و مردانگی را برسند سیاهیگری فرو کوبید و در راه کسب افتخارات وآزاد سازیهای افتخار آفرین در این جهاد اکبر خداوند نگهبان و ملت پشتیبان شماست مطمئن باشند.

م ـ ق

ارتش در...

دنیا باین وسعت و عظمت‌رابر ایشان‌چون‌سوراخ‌سوزن خواهد کرد، که مانند ارباب و بت‌در هم‌فرو ریخته و آواره شده‌شان "جهان با این بزرگی تنگ‌شکن آید" و بزودی زود و آینده‌ای که بزودی فرا خواهد رسیداگر چون شب در سیاهی فرو رونـد و هرگونه بند و پیوند را باین جهان بگسلند سرانجـام در جنگال توانا و نیرومند ارتش‌و مردم‌انقلابی‌ایران‌اسیروگرفتار شده بکیفر اعمال جنایت‌بار و روسیهی‌صفتانه خواهند رسید، و در پی آمد این‌سرنوشت‌شوم و عذاب آور که فرمان محتوم و لایتغیر قرآن است دیوانه وار و آسیمه سر بمصداق "الغریق و یتشبث بکل حشیش" بهر بوته و خار و خسی دست میزنند و بهر دامن‌آلوده و ننگ‌گرفته‌ای پناه‌میبرند‌تا‌بدکه قضارا تغییر دهند و جان و سالم بدر برند و بدنبال این سودای خام و افکار چون آمیزکه از ترس بی‌حساب سرخاسته است دیوانه‌وارب‌توطئه‌هاوسنرنگهای کهنه و نو متوسل میشوند، تـا شاید معجزه اتفـاق افتـد (معجزه‌ای) که تادیروزبرمست از باده کفر آن هم‌خندیدند یاناممکن ممکن‌شودوبتوانندتا مردمی‌ها و جنایات و دزدیها و هزاران‌فجایع خود را بارتش عزیز و پر افراح جمهوری‌اسلامی نسبت داده‌از این طریق‌موفق شوند درپرتوی ایجاد شکاف‌در بین ارتش و مردم، علاوه بر آنکه از مرگ دردناک وبی‌امان و زندگی کولی‌وار رهائی یابند شاید هم بتوانند بساط متعفن و گندیده گذشته را تجدید کنند!! که باید گفت: آرزوبه جوانان عیب نیست و داستان آن‌کبوتر را کهبا فروش کوزه‌روغن آرزوهای طلائی را برشته‌خیال میکشید باید بخاطرشان آورد که دنیا باین وسعت و عظمت‌رابر ایشان‌چون‌سوراخ‌سوزن خواهد کرد، که مانند ارباب و بت‌در هم‌فرو ریخته و آواره شده‌شان در این روزهای مقدس وحماسه آفرین و افتخار آمیز که در پرتوی انقلاب اسلامی و به یمن‌انقلاب‌قدسی و همت‌اولیای مکتب‌اسلام ـ برای‌رهائی‌سلمین اسیر که در زنجیرهای بوشئه‌ٔ و سیرنگ‌نفاق‌انگیز جهانخواران بین‌المللی دست و پا میزنند، دیوارهای بوشئه‌ٔ و جدائی‌فرو ریخته و بازوان توانای ملت بازوان‌ارتشیان‌رزمنده‌وسیاهی کره خورده و مجروح، این‌گروه و این صف کـه بـدون شک قربانیان‌ارباب‌های‌کثیوی‌خویش هستند، بدون آنکه چشم دل بگشایند و حقیقت‌درخشان‌راکه همانند خورشید جهان تـاب میدرخشد بنگرند، بخاطرچند قطعه‌اکسکاس‌رنگین و ننگین‌با هوسهای‌زودگذرو امیال‌حیوانی میخواهند بزعم خویش چشمه خورشید را با گل‌اندوده ومانع شعاع عالم افروزش شوند و نمیدانند که اربابان فراری و بسوراخ خزیده‌شان بخـوبی میدانند از سرنوشت شوم‌ودرد باک خود آگاهند، که: "چـو رستم پدرباشد و من‌پسر نماند بگیتی یکی نامـور"... آری دژخیمان‌امپریالیزم‌وصهیونیزم و جیره‌خوران و غلامان حلقه بگوش و کمیسران داخلی‌آنها که مـسارزانتشان بـا افتخارات انقلابیون غیور و پر خـروش ایران بمثابه آسـتگه شبکورها چشم از چشمه خـورشیـد فرو بندند، میدانید و بخلتی دریافته‌اند که همستگی‌وپیوند فنا‌ناپذیربومقدس(ارتش‌ومردم) جیان دماری از روزگارشان بر ماورد و تسمه از گرده‌هایشان میکشد که آفتاب فروز اتراپیش چشمشان تیره و تار ساخته و بسعادت شهادت نائل میشوند دیگران بدون اندک درنگی و بدون‌کوچکترین‌برائی عاشقانه و شیدا جایش را میگیرند و پرچمش را بدوش میکشند وبراه او که راه ملت و انقلاب‌ایران است ادامه میدهند، و بنگرید افسران ودرجه‌داران‌و سربازان سربرکف و جان بر طبق‌اخلاص نهاده را که بی‌پروا و بیـم از شهادت همرزمان و همقطاران پر افتخار خویش، بدون آنکه مژه بر هم زنند ودراراده‌های توانایشان خللی وارد شود پر عزم‌تر از لحظه قبـل سنگـر سربار شهید را اشغال کرده و بعشق شهادت خرمن عمـر دشمنان اسلام‌را آتش می‌کشند ارتشی که قرقیها، فراناهی‌ها ستوان‌دودانگه، فرنیدمحسنی آبدار، پرنیانی، حسن‌مهدوی حسن سلم‌توری، عبدالحسین حیمدی، مهدی‌حسن‌زاد، علی رضاحسون، و دهها شهیـد که در کسوت امیری و افسری و درجه‌داری‌و سربازی وخلبانان عقابهای آسمان پیما و بلنـد پرواز را فدای مکتب ساخته‌ـ و اینک پر خروش‌تر و پرتـوان وعاشقانه‌ترهر کدام خون‌کوهی استوار برمواضع خویش ایستاده و بپاس دین و وطن متعهدونـد از آن دست ارتش وارتشیانـی است که با توطئه‌ها وتحریکات گلوله‌های درنده‌ای که از خفا بسویشان رها میکنند دچـار سستی و فنورگردد؟ بروید و: (این دام بر مرغ دگرنه که عنقار ا ارتش ظفر نمودن و پولادیـن اراده جمهوری اسلامی ایران آنچنان پای همت و مردانگـی در جاده‌های شهادت و کسب افتخار استوار ساخته‌کافر در این کره خاکی.

هر یک از دانه‌های ریگ و تن سنگری که در آن موضع گرفته جنگنده‌ای شود وبرویش بایستد، بازهم همتش سست نخواهدشد و ایمانش رابدست تزلزل نخواهد سپرد ـ زیرا او رمزو راز سیاهگیری و مقام پرارج و شکوهمند شرا بخوبی دریافته و آئین چگونه زیستن و چگونه مردن‌را از شهوارا سلام وفرزند مجاهدش سالارشهیدان فرا گرفته و آئین چون خود مردرا درآن مکتب نورانی آموخته‌اند و آنچنان با هراه آموخته‌اند کبمرای‌نیل‌بمقام شاخ‌شهادت باتدرجه عجول و حریص میباشند، که کودک میگیدن پستان‌مادرشوق و تعجیل‌دارد. ضدانقلاب وضد اسلام دربرابر یکچنین طرز تفکر و چنین ارتشی براستی جز سرانداختن وراه هزیمت پیش گرفتن چه چاره و گریزی دارد؟ اینک که دانستید ارتش مباهی و مفتخر ایران در چه موضعی ایستاده و از کدام مکتب الهام میگیرد و چه آهنگی در سرداره، فریب خوردهها و آلت شدهها توبه کنند و عبرت گیرند و بدامان مردم و ارتش باز گردند. وضد انقلابها وجیره‌خوارها و سر ـ سپردگان هم تا فرصت هست و قدرت دارند قرار را بر قرار ترجیح دهند و تا آنجاها که میتوانند از تهـرس چنین ارتشی بگریزند، شاید بخت یار زندگی پر ادبارشان شود و قبل از اینکه در مشت توانای ارتش فشرده شوند و شیری‌که از پستان خیانت نوشیده‌دربن دندانشان آید. بمرگ طبیعی از این کابوس رهائی یابند. آری این بود اتمام حجت ما با فریب خوردگان و حتی دشمنان. پیروز باد ارتش ـ جمهوری اسلامی ایران که با حرکت‌اسلامی و فداکارانـه خویش مهر مردی و مردانگی را برسند سیاهیگری فرو کوبید و در راه کسب افتخارات وآزاد سازیهای افتخار آفرین در این جهاد اکبر خداوند نگهبان و ملت پشتیبان شماست مطمئن باشند.

م ـ ق

بمناسبت تجدیدنظر در مقررات بیمه ودر رابطه با هزاران گرفتاری دیگره

کارگران وکارفرمایان متحدشوید!

ارتش، ژاندارمری، پلیـس، نیروی هوائی و نیروی دریائی همچیک چشم دیدن یکدیگر را نداشتند همه با هم دشمـن و تشنه بخون هم بودند درچنین رژیم شیطانی و فاسدی آیجاد نفاق ودشمنی بین‌کارگروکارفرما خیلی‌طبیعی وآسان و برای‌بقاء رژیم حیاتی و حساس بود.

اما امروز چه؟ امروز کـه به برکت‌اسلام وانقلاب‌اسلامی ملت مسلمان ایران حتـی‌دو دشمن خونی گذشته برای هـم نمیدهند (ارتش فدای‌ملت ملت فدای ارتش) ناگـوارتر و احمقانه تر از این چیزی‌نیست که کارگر وکارفرما که دیگر نـه (فرمایشی) دارد و نه‌تحکمی واصولا " (کارفرمای‌طاغوتی) در بین نیست که (فرمایشی) داشته، حق ضعفا را پایـمال نموده وبتواندازحاصل دسترنج کارگرزحمتکش کاخهای فرعونی برپا و بساط عیش و عشرتهای آنچنانی بگستراند ادامه‌حالت جدائی ،دوگانگی ونفاق چیزی جزکمک‌بدشمن‌داخلی وخارجی نیست.

ما در این باره گفتنـی زیاد داریم و بمرور و بنابرویه خود حقایق و دردها را بـا صراحت و روشنی و قاطعیت‌هر چه تمامتر انتشار خواهیم داد و صفحات نبرد ملت درانحتیار تولید و اقتصاد ملی ایـران خواهد بود اما امروز میخواهیم گوشه‌ای از زخم جرکیتی را که سالهاست این دیوازوی‌متحرک وکارساز را رنج میدهد بازکرده همه برادران کارگر و کارفرما را برای خشکاندن آن بسـاری طلبیده و کاری کنیم که بیاری خدا در آندام ناتوان اقتصاد ملک که براثر چنین زخمهائی چنین روزی افتاده است اثری از این جراحات باقی نماند.

گرفتاری کارگروکارفرما در ارتباط باصندوق تامین اجتماعی

ماه‌گذشته‌اعلانی ازطرف صندوق تامین اجتماعی منتشر گردید که در آن از کارگران و کارفرمایان دعوت شده بـود نظرات اصلاحی خود را بـرای استفاده در تنظیم قانون‌جدید بیمه‌بمرکزصندوق‌تامین‌اجتماعی ارسال‌دارند ، پیشنهاد پیشنهاد انسانی‌وسازنده بودوامیدواریم درعمل این‌دستگاه‌که درگذشته مظهر ظلم و شقاوت وتبعیض و اجحاف بکارفرما و نمونه کامل بیرحمی، تحقیر و بی‌اعتنائی بحقوق همه کارگران متشکل ما بوده است با ترک رفتار غیر انسانی و ظالمانه گذشته و کنار گذاردن عناصر مزاحم وپرونده ساز ووظیفه نشناس و دروغزن این سازمان از یک دستگاه مدرن مردمی به سازمانی سالـم ، خدمتگذار و مفید تبدیل شود که در غیر اینصورت همچنان مانند گذشته بمبارزه بی‌امان علیه آن تا تصفیه و اصلاحش ادامه خواهیم داد.

از آنجا که نبرد ملت از ابتدای انتشار دوره جـدید اصلاح انقلابی (صندوق تامین اجتماعی) را که با موجودیت و حیثیت میلیونها کارگر وکارفرما سروکار دارد یکی از اهـداف خودقرارداده وازعموم برادران کارگر و کارفرما درخواست کردکه شکایات و نظرات خود را کمدر خطوط ظلم وتبعیض واجحاف و زورگوئی باشد بر ایمان‌ارسال دارند درایـنموقع که (صندوق تامین اجتماعی) بفکر تنظیم مقرراتی عادلانـه میباشدمـا چکیده نظرات اکثریت برادران کارگر وکارفرما را که هریک‌مکمل دیگری هستند درج و در ادامه آن چنانچه نظرات جدید بمـا برسد منتشر خواهیم نمود.

۱ ـ چون‌صندوق‌تامین‌اجتماعی یکدستگاه خدماتی دولتی است نه دستگاه انتفاعی بازرگانـی وصول رقم ۲۷ درصدکل‌دریافتی کارگر بعنوان حق بیمه امـری کاملا" ظالمانه و تحمیلی کمر ـ شکن هم بر کارگر و هم بـر کار فرماست با توجه باینکه درهیچ یک از ممالک دنیا وصول چنین رقمی سابقـه نـدارد (حتی دستگاههای خصوصی بیمه‌برای هیچ نوع بیمه اعم از شخص یا کالا بامکان بااحتمال هر اندازه خطرحق‌بیمه بیش‌از درصد دریافت‌نمیدارند) واین‌دستگاه متعکر ومظلوم کنرطاغوت‌بوده است که حق بیمه ۱۲ درصد را در ۲۷ درصد رسانده است کمیا توجه بافرایش دستمزدها ورقم کلانی کـه بصندوق تـامین اجتماعی سیل‌آسا روانه میشود معلوم میگردد این بیمه نیست بنفع (بیمه‌گر) بلکه بیمه است صدردصد بنفع (بیمه‌گذار) کـه حتما" و قطعنا" با توجه‌افزایش ۱۶۵ درصد دستمزدهاکه طبعا" ۱۶۵ درصدهم به‌درآمدصندوق افزوده‌میشود این حق بیمه‌باید حداقل ۲۰ درصد کاهش یابـد تا حدودی رعایت عدالت شده باشد.

۲ ـ در تمام قوانین و مقررات در تمام نقاط دنیا اصـل بـر (برائت) است در حالیکـه در قانون ظالمانه و طاغوتی بیمه‌ٔ کارگران اصل‌بر (مجرمیت) است و در مورد ادعای بیمـه نسبت بطرف (حکم) همان (ادعای) بیمه است و هیچ دفاع و دلیلی کفایت برائت‌کند مسموع‌نیست و آنوقت بر ایـن مبنا یعنـی تحقیق ناقص و احیانا" مغرضانه" بارزسان که مجری دستوراوامر دستگاه هستند و اغلب اوقـات هم برخلاف‌حقیقت‌است یک‌مارک نگین (متقلب بر پیشانی کار ـ فرمای سیگاه کوبیده شده حکم (لازم)برای (وصول مطالبات) بیمه که (لزوم الاجراء!) نیـز میباشدصادر میگردد. برای‌رفع این‌ظلم خلاف عجیب و بیروبه اولا" باید (اصل برائت)رعایت گردد ثانیا" باید طرف دعوای بیمه‌یعنی کارفرما یا نماینده‌ٔاو اعم از اینکه یک کارگریا (حقوق بگیر) داشته باشد یا ۱۰۰۰نفر هنگام بازرسی وبازپرسی‌ازکارگر حضورداشته باشد که غرضوری و خلافگوئی باعث ایجاد اتهام (تقلب) برای کارفـرما نشود دنباله‌ٔاین بحث حساس که‌ما سرنوشت توام و دوام اقتصاد ملی ما سروکار دارد بعلت‌تراکم مطالب بشماره آینده موکول میگردد.

سخنی باپیشتازان و پیشگامان انقلاب!!

حان ودل برای کمک‌به‌هموطنان مسلمان‌کردبه خیابانهاریختند و خواستار اعزام به محل برای کسب‌سرکوب ضد انقلاب‌شدند و ارتش‌هم به ندای‌رهبرانقلاب و خواست ملت مسلمان‌ایـران به سرکوبی ضد انقلاب وتوطئه غرب‌کشورمان گوش فرامیدهند و نه به ندای رهبر انقلاب‌کـه میگویند او را به رهبری قبول داریم ولی ثابت کردند که نه بهرهبری‌معتقدند و نه‌ازخلقی کاذاوصحبت میکنند‌پشتیبانی میکنند و این واقعیت را دیگر مردم‌ایران‌فهمیده‌اند ودیدیم که مردم روزهای گذشته بارها فریاد زدند.

"پس این‌چریکیاکجاهستند؟"

آیا زمان آن نرسیده که‌امیرات خواری را کنار گذاشته دست‌از تیمومیت خلق بکشید و اگـر نمیخواهید که به صفوف متحد خلق بپیوندید لااقل او رابـه حال خودش رها کنید.

نقل از: نشریه اسلامی مالک‌اشتر

هستیم و داشتن اسلحه غارت شده‌ازملت‌را حق خودمیدانند اکنون در مقر خود سر میبرند و مثل خفاشان که در خـواب زمستانی‌فرو می‌روند ،اینهانیز در خواب مصلحتی بسرمیبرند و دم فرو بستند و نه به ندای ملت چیاول شده و تحت ستم غرب‌کشورمان گوش فرامیدهند و نه به ندای رهبر انقلاب‌کـه میگویند او را به رهبری قبول داریم ولی ثابت کردند که نه بهرهبری‌معتقدند و نه‌ازخلقی کاذاوصحبت میکنند‌پشتیبانی میکنند و این واقعیت را دیگر مردم‌ایران‌فهمیده‌اند ودیدیم که مردم روزهای گذشته بارها فریاد زدند.

"پس این‌چریکیاکجاهستند؟"

آیا زمان آن نرسیده که‌امیرات خواری را کنار گذاشته دست‌از تیمومیت خلق بکشید و اگـر نمیخواهید که به صفوف متحد خلق بپیوندید لااقل او رابـه حال خودش رها کنید.

نقل از: نشریه اسلامی مالک‌اشتر

انعکاس افکار و عقاید و خواسته‌های عمومی

رخنه

کیهان ـ دستور توقیف اموال متین دفتری صادر شد.
نبرد ملت ـ خیانت درامانت از گناهان کبیره در دین‌مبین است. باید اموال را به صاحبان اصلیش بازگرداند.
کیهان ـ ارسال کارنامه کنکور امشب پایان میگیرد.
نبرد ملت ـ ارسال کارنامه کنکور امشب پایان میگیرد.
ترکیه کی ؟
آرمان ـ ما پراکنده‌ایم . دشمن در کمین.
نبرد ملت ـ بیا سوته دلان گرد هم آئیم ـ کلکولاته‌کریم ـ عارت‌نمائیم ـ ترازوآرخیانت‌ها بسنجیم ـ هرآن تنگین‌ترنیم ... مسکو درآئیم.
فریاد حق ـ تلاق در استودیوم.
نبرد ملت ـ و فوتبال در خیابان.
کیهان ـ ۵ خبرنگار خارجی از کشور اخراج شدند.
نبرد ملت ـ قابل توجه وزیر امور خارجه.
کیهان ـ فانتوم‌های ارزش‌تانکه‌های‌مهاجمان رادرهم‌کوبید.
نبرد ملت ـ برای اینکه‌درترافیک معطل نشوند با تانک‌جهت ابراز ارادت به دولت میآمدند و الا مگر نشنیدید هیئت دولت فرودودند وضع کاملاً آرام است.
آرمان ـ کمک‌های‌کشورهای سرمایه‌داری دردرجه اول بخاطر سودجوئی است.
نبرد ملت ـ و کمکهای کشورهای کمونیستی بخاطر خدا!
مجاهد ـ رژیم شاه تصویر نادرستی از ما ارائه داده بود.
نبرد ملت ـ خود آقایان که درستش را ارائه دادند و سوء تفاهم رفع شد!
جوشن ـ جوشن به هیچ حزب ودسته و گروهی بستگی ندارد.
نبرد ملت ـ این بهتر است.
کیهان ـ همه گروهها بطور یکسان خلع سلاح میشوند.
نبرد ملت ـ این عمل را از برکت وجود دولت . صدانقلاب مرتباً انجام میدهد.
مالک اشتر ـ سخنی با خودمان
نبرد ملت ـ جانا سخن از زبان ما میگوئی ـ شما سربازان اسلام موید به ذوالفقار علی باشید.
کیهان ـ حوادث کردستان عکس العمل شکست امپریالیسم صهیونیسم است.
نبرد ملت ـ عکس عدم عمل دولت هم هست.
فریاد حق ـ افزایش حداقل دستمزدها.
نبرد ملت ـ دستمزد نبرد ملت دریافت روزانه چندین‌تلفن تهدید وناسزا ازضدانقلاب است و ازافزایش آنهم خوشحال میشویم.
کیهان ـ زمین بازان در دادگاه انقلاب محاکمه میشوند.
نبرد ملت ـ پس حقه بازان چی؟
کیهان ـ مردم‌آبادان : چراغاطلان فاجعه سینمارکس مجازات نمیشوند.
نبرد ملت ـ مگر فراموش فرمودید آقای نخست وزیر گفتند پیامبر اسلام پس از فتح مکه هنده را هم بخشید؟!
پیام مستضعفین ـ مسئولیت؟
نبرد ملت ـ اگرمیگفتید ضعف میگفتم در دولت موجوداست و یکی هم نمیدهد ـ پول در شرکت نفت که آنرا هم مثل اینکه بکسی نمیدهند ـ اما مسئولیت نمیدانم ... در این دو که ندیدم ... این یکی مثل اینکه فقط در مستضعفین است و کسی هم از او نمیگیرد.
کیهان ـ تصادف منجر به فوت : ترافیک خیابان فردوسی را مختل کرد.
نبرد ملت ـ ترافیک منجر به اختلال اعصاب هم درخیابان فردوسی خیلی ها را دق مرگ کرد.
آرمان ـ انقلاب به زنها چه میدهد؟
نبرد ملت ـ همانی را که دوست دارند.
فریاد حق ـ آیا امسال میتوان به حج رفت؟
نبرد ملت ـ به خیل محتاجان و مستمندان پس از انقلاب که نظر کنیم می‌بینیم چقدرحاجی کج رفت.
مجاهد ـ هدف ازحمله وتهاجم به نیروهای انقلابی چیست؟
نبردملت ـ نیروهای انقلابی‌دمکراتیک‌مربوان علیه‌جمهوری اسلامی سر میبریدند وبعضی گروهها هم به نفع شوروی در انقلاب ما جاسوسی میکردند.
پیام مستضعفین ـ طاغوت و مستضعف
نبردملت ـ نه دیگرگونه ریش‌پهن نداریم‌همه تزیه‌شده‌اند.
کیهان ـ با گرانفروش انقلابی عمل کنید.
نبرد ملت ـ اگر روی سخن با دولت است که با ضد انقلاب هم تنقلاتی رفتار میکند.
عدالت ـ هرگاه که خیانت هدف باشد.
نبرد ملت ـ جنایت. توطئه و تحریک نیز وسیله رسیدن به هدف میشود.
مجاهد ـ ما برای پاسداری ارزشهای مکتبی و انقلابی باینجا آمده‌ایم.
نبرد ملت ـ مکتب ما حسینی است ـ رهبرما خمینی است.
پیام مستضعفین ـ دانشگاه گرگان چه شد؟
نبرد ملت ـ وعده‌اش را داده بودند ـ عملش را میخواهید که در دولت فعلی عملی نیست.
کیهان ـ تا آنجا که قادر باشیم در دادگستری انقلابی عمل میکنیم : وزیر دادگستری
نبرد ملت ـ مهم این است که قادر نیستید.
مجاهد ـ هیچ قانونی صلاحیت حفظ اسلحه توسط مجاهدین را سلب نکرده.
نبرد ملت ـ هیچ قانونی هم صلاحیت حمل اسلحه را عطا نکرده.
رنجبر ـ مصاحبه‌ای با جلال طالبانی.
نبرد ملت ـ و مصاحبه‌ای با عزالدین حسینی ـ معانقه‌ای با صهیونیسم امپریالیسم و معانقه‌ای هم با کمونیسم.
آرمان ـ دوتاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک
نبردملت ـ هردوتاکتیک راوقفای حزب‌دمکرات درکردستان پیاده کردند.
کیهان ـ روغن نباتی . پودر رختشوئی و دستمال کاغذی کیمیا شده.
نبرد ملت ـ آقای بازرگان دعا کرده اینها کیمیا شدند ـ خدا حفظش کند. چقدر مرحوم ذکرائی رازی کارکرد وکیمیا را بدست نیاورد ـ بازرگان از دولت کار نکردن بدست‌آورد
آرمان ـ معرفی کتاب : نویسنده کاس هال دبیر اول حزب کمونیست امریکا . از انتشارات حزب توده ایران : سندی معتبر برای جنبش کارگری.
نبرد ملت ـ به حزب توده امریکا نسخه نوشته . مریض حزب توده ایران است . تزریق آمپول و تنقیه هم ازوظایف حزب توده شوروی . سند جنبش جنبی هم نقده... پاوه
کیهان ـ وزیر صنایع و معادن : ما انقلابی عمل کردیم و کارخانه‌ها را ملی کردیم.
نبرد ملت ـ روغن ریخته وقف امامزاده... انقلابی وقتی عمل کرده‌اید که کار را از سطح خودتان قدری ملی‌ترکنید.
آرمان ـ در سازمانهای صنعی و توده‌ای تکیه بیشتر روی دمکراسی است.
نبرد ملت ـ ولی واقعیت نشان میدهد تکیه بیشتر روی شوروی است.

آیا دانشجویان ما مرغ‌های حواصیل اند؟! دانشکده‌ها را تعطیل کنید نه انسانیت را

افسانه‌ها میگویند مرغ حواصیل فقط از هوا ارتزاق میکند و احتیاج به آب و دانه ندارد. اما این افسانه بصورت واقعیتی دردناک درزندگی دانشجویان این مرزوبوم رنگ حقیقت بخود گرفته و اگرقدیم لازمه تحصیل دود چراغ بود، امروز اجباراً" برای‌دانشجویان فقط دودگازوفیل و بنزین در خیابان‌ها موجود است،دوران طاغوت که تحصیل هم چون همه مواهب از آن خانواده هزارفامیل وابستگان بود.

البته اسماً" رایگان بود. اجباری ومبارزه‌بابیسوادی... اما تحصیلات عالیه دربست استطاعت کسانی بود که خانواده‌ای مرفه داشته تا خانواده بتواند هزینه‌سنگین مخارج یک دانشجو را در این دوران وانفسای گرانیها وتورم بدوش کشند. و یا متقاضیان تحصیل و علاقمندان علم ناگزیر بودند کاریکه معمولاً" شاق و مردم عادی از تقبلش شانه خالی میکردند برای خوددست و یا نموده روزی سیر و روزی گرسنه در انتظار لحظه فارغ‌التحصیلی‌خودباشند (الحمدـ الله اکنون دولت برای‌فارغ‌التحصیلان بیکار هم دوران میزند) البته از دوران‌طاغوت یک توخی و ریختند نیز در لای زندگی دانشجوئی بنام کمک هزینه گنجانده اند که مقدارش‌توخی‌ونحوه‌پرداختش ریختنداست. یعنی ۳۰۰ تومان درماه که آنهم به دارندگان معدل‌های رده بالا تعلق‌دارد و عملاً" روال طاغوتی‌صاحبان معدلهای پائین را محکوم وار ادامه تحصیل محروم کرده‌بود ولیکن رویش نمیشدصریحاً" اظهار نماید ولی آیا امروز میشود با ۳۰۰ تومان در ماه زندگی کرد؟ باحکمی دراحکام داریم‌که دانشجو بایستی حتماً والدین و خانواده متمکن یا قیمی توانمند داشته باشد؟ و اگر حائز این شرایط نبود در عوض استعدادی سرشار وفراـ کیر داشت خود داند و ۳۰۰ تومانش و کار... خوب اینها از عوارض دوران طاغوت‌بوده اما امروز ـ امروزکه دوران شکوفائی انقلاب و جمهوری اسلامی و اجرای فرامین‌الهی است و (ظلم‌العلم فریضه‌علی کل مسلم والمسلمه) بسرکت اقدامات متعهدانه دولت انقلاب‌کارکه‌جن است وجویای کارهم بسم‌الله‌ـ جدای از آن بخشنامه‌ایم قبلاً" شرف‌صدور یافته که موسسات از دادن‌کار به‌دانشجویان‌خودداری‌نمایند چه آنها ۳۰۰ تومان از سرتان هم زیاد است و چشمتان کور تحصیل‌نکنند (هرکه راطاوس باید‌جورهندوستان‌کشد) البته این حقایق اجباری عامل‌طلبه های مدرسه‌های اسلامی نیست و آنها از این جهات خیالی فارغ دارند.

حال بگذریم که گرانی و تورم نیز به حد چیاول‌رسیده است دانشجویان پس از ۲ ماه و نیم قرض و قوله و خوردن یا نخوردن و انتظار کشیدن فقط کمک هزینه ۳ ماه را از خوان بیدریغ دولت‌دریافت کرده‌اند آنهم با هزارامنت... تازه از این مقدار هم چون خود دانشجویان‌ازرندگی‌هدمرسانی که معدلی زیر میزورماست شرطی کمک هزینه دارند یا خبر بوده و از ۳۰۰ تومان‌یک هزینه ده درصد را به این‌عده تخصیص داده که اقلاً" آنهاهم اکثر نانی ندارند (همه میدانند با ۳۰۰ تومان درماه تهیه‌نان خالی هم‌مقدورنیست واحتیاج به‌حجت وبرهان‌ندارد). اقلاً پول آب خ تابستان را داشته باشند. و راستی که بایدآنها که از تمام مواهب بهره‌ورند همت و حس همدردی را از همین جوانهای تهی‌دست دانش پژوه بیاموزند شاید هم مصلحین امورشعر، گفت کاین چشم تنگ‌دنیادوست را ـ یا قناعت پرکند یا خاک گور. به نسبت تقدم و تاخر بین خود و دانشجو به مساوات! تقسیم کرده‌اند ایهم یکی از انواع تکنیکهای رایج... کسب‌علم توام با تحصیل مستم گرسنگی اگر به زندانیان این مبلغ را به عنوان جیره خشکه میدادند صدبار زندان را برسرمسئولین خراب کرده ودنیارا ازگرسنگی استعماری خود آگاه میکردند و حتی طلیب سرخ و دیگرطلیب های رنگارنگ برایشان بعنوان قحطی زدگان غذا و دارو میفرستادند تمیکوئیم بعنوان ارجح‌ترین جوانهای یک‌ملت و چشم امید مملکت بلکه بعنوان یک انسان از انسانیت‌درقبال این عده محق‌کوتاهی‌نمیشود؟ حال اگردانشگاهیاومدرسه‌های تخصصی را تعطیل کنیم به از خواندن فاتحه بر انسانیت نیست؟ چه آدم بودن مقدم بر عالم بودن است.

آقایان وزیر آموزش‌عالی ریاست دانشگاهها... بادر در غبغب نیاندازید که مردان متخصص فردا را میپروراییم. شما بیائید و تماشا کنید این وضع نابسامان فرزندان ملت‌را

دکتر الف فرح نیا

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً" باستحضار میرساند ـ شرکت (بی ـ اند ـ ام) سالها است که طی ضوابط و مقررات بسیار محدود مقدار معینی سیگار (مارلبرو ـ مریت ـ لارک) را در ایران عرضه میداشت . تا قبل ازانقلاب چون سیگار ونیستون وابسته به اشرف بود ، دخانیات انواع مشکلات و مضایق برای این شرکت وشرکتهای مشابه فراهم میساخت . مع الوصف کارمندان و کارگران این شرکت از بیم بیکاری و قطع شدن یگانه راه ادامه زندگی خود و عائله‌شان تن بایـن بیداد و تبعیض میدادند و بانتظار (فرج) و سقوط دستگاه ظلم و ستم بـا حقوق بخور و نمیر میساختند . ولی از لحظه‌ای که انقلاب اسلامی پیروز شد و عدالت جانشین جور و جنایت گردید . موسسه دخانیات مطلقاً" اوروپا دسیگارهای این شرکت جلوگیری میکند در حالیکه سیگار ونیستون علاوه بر آنچه که در ایران تهیه میشود بصورت نامحدود رسماً" وارد کشورمیشود . چون از ابتدای انقلاب تا این ساعت تمامی کارمندان و کارگران این شرکت بیکار و بلاتکلیف هستند و شرکت هم با ادامه این وضع قادر بپرداخت حقوقها نمیباشد ، لذا این گروه که با خانواده هایشان بیش از صدنفر میشود شدیداً" با فلاس و بیکاری تهدید شده ناگزیر سربار بودجه دولت خواهنـد شد . بنابراین استدعا داریم مقرر فرمائید مقامات دخانیات با توجه به کمبود تولید داخلی و تامین اجباری آن ازکشور های خارج ، تدابیری اتخاذ نمایند که کماکان این شرکـت تحت هرگونه ضوابط ومقرراتی که دولت صلاح بداند مبادرت بورود کالای خویش بنماید و بکار مشغول شود . باشد که در پرتو آن تصمیمات خردمندانه جمعی از بیکاری و فقر رهائی یافته دعاگوی دولت اسلامی و محبوب باشند و فارغ از غم نان بتکالیف شرعی و ملی اشتغال ورزند .

با تقدیم احترامات فائقه وامیدبعنایت ومکرمت آنجناب

ازطرف عموم کارمندان و کارگران شرکت بی ـ اند ـ ام
مجید قائم مقامی و علی‌اکبرقازانچائی

رونوشت وزارت محترم کار
رونوشت شرکت دخانیات ایران
رونوشت روزنامه محترم نبرد ملت

نبرد ملت ـ بیکاری کارمندان و کارگران شرکتها و کارخانـه ها ازمسائل بسیار حساس است که ما ضمن تاثر خویش ، توجه اولیای اموررا بآن جلب ساخته ضمناً" ازدخانیات میخواهیم که پاسخ دهند اگر مقرراست که هیچ نوع سیگار خارجی وارد ایران نشود ، پس به کدام دلیل (ونیستون) که دارای‌سوابق و وابستگی باشرف میباشد باینصورت وارد میشود؟ و اگـر ورود سیگار منعی ندارد باز به کدام علت جلوی ورودکالای شرکت فوق را گرفته‌اید و آنها را با بیکاری و فقر دست بـه گریبان ساخته‌اید؟ آیا هنوز هم در خفا ، دستهای پنهانی برای خدمت باجانب و بر گردن جیب ما در کار میباشد؟

بسمه تعالی

یک تذکر مهم و انتقاد ، زنده به جناب آقای دکتر سامی وزیر پهداری و بهزیستی جمهوری اسلامی ایران .

بخوانید آقای وزیر و بخود آئید

اینجانب بنا بوظیفهٔ انسانی و انقلابی خود توجه شما را به این تذکرات مهم معطوف میدارم . طبق‌آماری‌که در کمیته امداد امام خمینی موجود است تعداد شهدا و مجروحین انقلاب اسلامی به قدری زیاداست که با بی‌گیری وتلاش شبانه روزی و خستگی ناپذیر برادران امداد هنوز نتوانسته‌ایم به خانواده شهدا و مجروحین‌که‌در منازل بستری هستند رسیدگی کامل بنمائیم ولی تا آنجائیکه امکان‌داشته بخانواده‌های مذبور مخصوصاً" شهدا در حد خود رسیدگی و دلجوئی نموده‌ایم هر چنـد متاسفانه در این مدت از کمک وزارت بهداری چندان بهـره‌مند نبوده‌ایم و بخشی هـم نیست لکن‌بنظر میرسدازجهت اینکه حلوی بعضی شایعات و سمپاتیها گرفته شودلازم‌است تمام مسئولین‌بهداری توجهی هم به این مسئله بفرمایند ـ و اینطور نباشد که جناحهائی از وضع بیمارستانها و مخصوصاً" عدم توجهی که به مجروحین انقلاب میشود بی‌خبرنمائید . آقای وزیر ـ شما تا کنون چـه کاری برای این عزیزان‌کـه سینه‌های خود را مردانه آماج گلوله‌های دژخیمان پهلـوی قرار داده‌انـد و بخاطـر فداکاریهای آنان است که شما امروز بر مسند وزارت تکیـه زده‌اید و بر گردن شما آنقدر حق ندارند که لااقل بـدیدن آنها بروید ؟

آیا وقت آن نرسیده است کـه نسبت بمسئولین انقلاب اسلامی که بخاطرخدا و امام زمان انقلاب اسلامی ایران فلج و تبدیل به پوست و استخوانی شده‌انـد لطف بیشتری مبذول گردد و همگی‌آنها رادر یک بیمارستان وسیع و یا یک باغ بـرسربزرگ با امکانات گردهم آوردوضمن دادن کارهای مناسبی ترتیب برستاری آنها را بدهید و یا از ملت استمداد جوئیـد شما بیمیدملت شریف‌و حق‌شناس ایران چگونه از عزیـزانشان پذیرائی خواهند کرد .

آیا وقت آن نرسیده است کـه یک بیمارستان‌مجهز دراختیار کمیته امداد امام‌خمینی‌قـرار دهید؟

آقای‌دکتر سامی وقت آن نشده که یک گروه پزشک متعهد برای معالجات‌اولیه‌مجروحین‌انقلاب اسلامی در اختیار کمیته امداد امام خمینی قرار دهید؟ کـه مجروحین بیش از این سردرگم و نگران نشوند .

وقت آن نرسیده که یک گروه‌از پزشکان متخصص جهت درمان این عزیزان از ممالک خارج‌فرا خوانید .

آقای وزیر هنگامیکه تعدادی‌از مجروحین و معلولین به خدمت رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رسیدند امام بـا پذیرائی و دلجوئی گرمی کار آنها فرمود میدانید چه گفت؟ با یک دنیا اخلاص با آن کلام خدائی خود گفت عزیزان من ـ من سالم باشم شماها علیـل و مجروح؟

که همه حضار گریه‌کردند . بهتر است انقلابی فکر کنید سری به بیمارستان‌ها بزنید از معلولین و مجروحین انقلاب اسلامـی دیدن نمائید البته مجروحین انقلاب‌اسلامی پول‌نمی‌خواهند چشم‌داشت‌مادی‌ندارند‌آیاهدف‌کارانه فداکاری کرده‌اند و تا آخـر خواهند کرد و اجری حزاخدا نخواهند ولی بروید و ببینید که در مقابل با افراد مجروح و مصدوم انقلاب اسلامی غیر از بعضی دکترها و پرستارهـای متعهد و پاکدل چه می‌کنیـد و بلاخره شما که مسئولیـت در مقابل‌ملت‌مارادارید چگونـه وظائفی که ملت انقلابـی‌ما بعهده‌شماگذاشته است درمورد این برادران و خواهـران مـا انجام خواهید داد؟

به امید آنکه این تذکر کـاراز احساسات بی شائبه من ناشی گشته مفید واقع گردد .

والسلام‌احمد قدیریـان

ضمن لازم است برای چندمین بار تذکر دهیم از پاسخ بـه نامه‌ها ومطالبی که فاقد نام ونشانی و امضاء و آدرس‌شخص باشد معذوریم ولی چون سئوال حضرتعالی مورد توجه بود لذا باید بگویم کارمندان ، نویسندگان ، کارگران و یاران با وفای نبردملت باقوت تمام و صمیم قلب فریاد میزنند خدا، اسلام و دوش به دوش هموطنان واقعی و حقیقی خود تکبیر گویان به رهبری انقلاب اسلامی ایران امام خمینی بیداری پروردگار بزرگ بکار خود ادامه داده و پیش میرود درنتیجه (مسیر نبرد ملت مسیر اسلام و مسیر ملت است) این است جواب شما و هدف و روش و موضع نبرد ملت .

آیا دانشجویان ما مرغ‌های حواصیل اند؟! دانشکده‌ها را تعطیل کنید نه انسانیت را

درماه که آنهم به دارندگان معدل‌های رده بالا تعلق‌دارد و عملاً" روال طاغوتی‌صاحبان معدلهای پائین را محکوم وار ادامه تحصیل محروم کرده‌بود ولیکن رویش نمیشدصریحاً" اظهار نماید ولی آیا امـروز میشود با ۳۰۰ تومان در ماه زندگی کرد؟ باحکمی دراحکام داریم‌که دانشجو بایستی‌حتماً والدین و خانواده متمکن یـا قیمی توانمند داشته باشد؟ و اگر حائز این شرایط نبود در عوض استعدادی سرشار وفرا ـ کیر داشت خود داند و ۳۰۰ تومانش و کار... خوب اینها از عوارض دوران طاغوت‌بوده اما امروز ـ امروزکـه دوران شکوفائی انقلاب و جمهـوری اسلامی و اجرای فرامین‌الهی است و (ظلم‌العلم فریضه‌علی کل مسلم والمسلمه) بسرکت اقدامات متعهدانه دولـت انقلاب‌کارکه‌جن است وجویای کارهم بسم‌الله‌ـ جدای از آن بخشنامه‌ایم قبلاً" شرف‌صدور یافته که موسسات از دادن‌کار به‌دانشجویان‌خودداری‌نمایند چه آنهاهم ۳۰۰ تومان از سرتان هم زیاد است و چشمتان کور تحصیل‌نکنند (هرکه راطاوس باید‌جورهندوستان‌کشد) البته این حقایق اجباری عامل‌طلبه های مدرسه‌های اسلامی نیست و آنها از این جهات خیالی فارغ دارند.

حال بگذریم که گرانی و تورم نیز به حد چیاول‌رسیده است دانشجویان پس از ۲ ماه و نیم قرض و قوله و خوردن یا نخوردن و انتظار کشیدن فقط کمک هزینه ۳ ماه را از خـوان بیدریغ دولت‌دریافت کرده‌اند آنهم با هزارامنت... تازه از این مقدار هم چون خـود دانشجویان‌ازرندگی‌هدمرسانی که معدلی زیر میزورمـاست شرطی کمک هزینه دارند یـا خبر بوده و از ۳۰۰ تومان‌یک هزینه ده درصد را به این‌عده تخصیص داده که اقلاً" آنهاهم اکثر نانی ندارند (همه میدانند با ۳۰۰ تومان درماه تهیه‌نان خالی هم‌مقدورنیست واحتیاج به‌حجت وبرهان‌ندارد). اقلاً پول آب خ تابستان را داشته باشند. و راستی که بایدآنها که از تمام مواهب بهره‌ورنـد همت و حس همدردی را از همین جوانهای تهی‌دسـت دانش پژوه بیاموزند شاید هم مصلحین امورشعر، گفت کاین چشم تنگ‌دنیادوست را یـا ـ قناعت پرکند یا خاک گور. به نسبت تقدم و تاخر بین خود و دانشجو به مساوات! تقسیم کرده‌اند ایهم یکی از انواع تکنیکهای رایج... کسب‌علم توام با تحصیل مستم گرسنگی اگر به زندانیان این مبلـغ را به عنوان جیره خشکه میدادند صدبار زندان را برسرمسئولین خراب کرده ودنیارا ازگرسنگی استعماری خود آگاه میکردند و حتی طلیب سرخ و دیگرطلیب های رنگارنگ برایشان بعنوان قحطی زدگان غـذا و دارو میفرستادند تمیکوئیم بعنوان ارجح‌ترین جوانهای یک‌ملت و چشم امید مملکت بلکه بعنوان یک انسان از انسانیت‌درقبال این عده محق‌کوتاهی‌نمیشود؟ حال‌اگردانشگاهیاومدرسه‌های تخصصی را تعطیل کنیم به از خواندن فاتحه بر انسانیـت نیست؟ چه آدم بودن مقـدم بر عالم بودن است.

آقایان وزیر آموزش‌عالی ریاست دانشگاهها... بادر در غبغب نیاندازید که مـردان متخصص فردا را میپروراییم . شما بیائید و تماشا کنید ایـن وضع نابسامان فرزندان ملت‌را

دکتر الف فرح نیا

بنام خداوند متعال

با عرض سلام و درود فراوان به هیئت‌تحریریه‌نبردملت دردم‌نهفته به‌ظبیعان مدعی باشدکه ازخزانه غیبم داوکنند

در این روزهـا قلبهـا قدمهاوسازهای‌ارتجاع‌آماده‌تر از هر وقتی برای ایجاد نفاق و ناسامانی درامرانقلاب‌اسلامی بکار افتاده و عناصر معلوم‌ـ الحالی که هیچوقت درد ملت را نفهمیده و حس نکرده‌اندبه بهانه‌های گوناگـون درامـر زندگی مملکت ایجادرخوت مینمایند . در طول سالیـان متمادی در حکومت طاغـوت تمام جنبه‌های‌اجتماعی ،سیاسی فرهنگی ، اقتصادی ، آموزشی و پـزوهشی کشور در خـدمت طاغوت و برای طاغوت بـکار گرفته‌شده است . خـدمـات تندرستی و بزشکی مردم نیـز از این قاعده مستثنی نبوده‌و عملاً وضعیتی در طب بوجود آمدکه میتوان با کمال‌اطمینان و جسارت گفت که هیچکدام از طبیبان (بجزعده معدودی) نه تنها نه قسم خود پـای بند نبوده‌بلکه از کوچکترین مظاهر این نیت نیز نتوانسته‌انـد یـا نخواستند بوئی ببرند و علم طب از جنبهٔ معنوی ، روحانی ، غیر مادی بدر آمده و عملاً" بصورت کانون‌های تجاری‌یـا دلال و رهن و غیره تبـدیل گردید . موضوعی که میتوان با کمال جسارت بیان نمودایـن است که طبیبان این مملکت جزو پردرآمدترین‌مردم هستند و هرکدام برای خودستگاهی و سازمانی ، سازی و تشیلی، شیشی و زیر و بمی دارنـد . وقتی طبیبی‌قسم یاد میکندکه حافظ منافع بیمار بوده و منافع و مصلحت بیمار را بر مصلحت خود ترجیح دهد ، یعنی‌ایـن وضعی‌که‌میبینیم ؟شایدنتوانیم طبیبان را زیاد متهـم کنیـم خون میکوبند وضـع مملکـت خراب بوده همه میچاپیدند ما هم میچاپیدیم و یا وقتـی انسان عمیقاً" به این موضوع فکرمیکندایـن سئوال‌پیش‌میاید که آیا در طبابت توجه تنهابه امور مادی کافی است ؟

طبابت بدون توجه به اصـول عالیهٔ‌اخلاق‌ومعنویت‌مفهومی نداشته و نتیجه‌ای هم‌نخواهد داشت . طبیبان بایداشخاصی برگزیده با اخلاق با تقوی ، با علم بوده و این موضوع هیـچ بحثی ندارد و هیچ فرقی هم از نظر اجتماعـی ، سیاسی ، اقتصادی بین طبیب و سایـر مردم نباید باشد .

گزینش بحرز در کـوزه‌ای چند گنجد قسمت یک روزهای کوزه‌ٔ چشم حریصان پـر نشد تا صدف قانع نشد پر در نشد بررسی وضع طبیبان و سایـر شاغلیـن امـور تندرسـتی و بهداشتی یکی ازجنبه‌های طب ملی‌است و بقیه‌جهـات آن یعنی‌تغییروضع اساس‌تندرستی و بهداشت ، آستفاده همگان‌از تسهیلات‌تندرستی‌و بهداشتی موجود بصورت عادلانه ، قطع تمام‌ضوابط مادی در امـور داروئی و برچیدن‌دست‌عناصر دلال و واسطه در ایـن قبیل امور ، برچیده شدن مطب‌ها و بیمارستانهای خصوصی ،ازبین بردن روابط مادی بین پزشک و بیمار جنبه‌های‌دیگر طب‌ملی را تشکیل میدهند .

ماناباید‌باتوجه به‌ضوابط ظالمانه و چپاولگرانه غربی یا شرقی معیارهای متمایزی برای ملکتی که مدد از مالیان‌دراز توانسته است‌با انقلابی انسان ساز روبرو گردد درست نمائیم تمام ضوابط و روابط بایـد بـا توجه به اصول عالیـهٔ اسلام باشدو طبابت‌هم‌از این‌موضوع مستثنی نیست .اگر در نظـام طاغوتی ، روضه‌خوان صفوی با فروختن آیات خدا امرارمعاش میکرد در مقابلش هم طبیب‌با خالی کردن جیب مریض امرار معاش میبود که با توجـه بـه اصول اسلامی هر دوحرام‌است و هر دو مردود و در قـانـون شرع هم آمده است که معلم و طبیب نمیتوانند مستقیماً" از شاگرد و مریض پول بگیرنـد و زندگی آنهابایـد از بیت‌المال تامین گردد .

لذا با توجـه بـه نکات فوق طبیبانی که در خـود احساس مسئولیت میکنند باید از طرح طب ملی و مردمی پشتیبانـی نمایند و طبیبانی که چشم طمع و کاسهٔ آز باری دارند و هنوز هم بعد از انقلابی که قـریب ۷۵۰۰۰۰کشته و ۱۰۰۰۰۰زخمی بجای گذاشته و منحصراً" برای درهم کوفتن تمام‌مظاهر استثماری‌واستعماری‌واستحطاط‌بوده است نمیتوانندازمطامع وهوی و هوس‌گذشته ، دست بردارند مطمئن‌باشند که فرصت سوـ جوئی به هیچ طبقه‌ای اعم از روحانی‌نما ، طبیب بـازاری و کارخانـه‌دار و غیـره داده نخواهد شد .

در مورد ایرادائی که به برگزار کنندگان سمینار طـب ملی و مردمی وارد نموده‌ایـد باید به‌نکات زیر توجه نمایـید و این حقایق را بـرای‌روشن شدن‌اذهان‌عمومی در خریده‌ٔ خود درج نمائید .

۱ ـ سمینار از طرف‌دکترسامی (و برای بلند بروازی) و بطور فرمایشی‌تشکیل‌نشده‌ومنحصراً" از طرف‌جامعهٔ‌اسلامی پزشکان دانشگاه‌شیراز که اساسنامه‌آن جهت‌اطلاع ارسال میشـود ، بیشنهاد گشته و تمام مخارج آن نیز ازامکانـات محـدود اعضای جامعه تامین شده‌است.

۲ ـ از ایـن جهت اجازه‌ات صاحب‌نظر دررشته‌های‌مختلف دعوت بعمل آمد که علـم‌طب رابطهٔ‌مستقیم با روابط سیاسی اقتصادی ، فرهنگی وآموزشی دارد و طب مردمی بایدازتمام این ابعاد مورد بررسی قـرار گیرد .

۳ ـ افراد شرکت‌کننده غالبـاً" از اساتیـد ، دستیـاران، دانشجویان پزشکی ، پزشکان شیراز و مردم عادی بودنـد و اصولاً" مطرح کردن طب‌ملی و مردمی بدون در نظر گرفتن عقاید مردم مردود و غیـر منطقی است .

۴ ـ این مطلب که طب ملی و مردمی موضوعی ناشناخته‌است شبیه ناشناخته بـودن علت بعضی از بیماریها ، از نظرعلم ما است یعنی ما نسبت به‌علت حاهلیم والاّ اگر تفکـری در روابط و ضوابط موجود گذشته بنمائیم ، این موضوع خیلـی روشن‌تر از آنست که ما فکـر میکنیم .

۵ ـ اینکه سخنرانیها ومطالب ایراد شده و همچنین قطع‌نامه با آگاهی عموم نرسیده‌بدلیل این‌است که چون جامعهٔ‌اسلامی پزشکان دانشگاه شیرازهماهنطور که ذکر شد سهیچ مقام رسمی و یا دستهٔای وابستگی نداشتـه و قائم بذات میباشد درنتیجه مطبوعات و شبکه‌سراسری‌رادیو و تلویزیون نیز آنطور که باید در امر تبلیغات و نشر اخبار با ما همکاری ننمودند . مادراین مورد از مسئولین روزنامه ها و رادیو تلویزیون سراسری کمال شکوه را داریم .

والسلام‌علی من التبع الهـدی
جامعه اسلامی پزشکان دانشگاه شیراز.
۱۳۸۵/۴/۱۴

مجمع علمی و دینی پاسخگو بـه سؤالات

برادر معظم جناب آقای کرباسچیان دامت توفیقاته

خبر مندرج در روزنامه شریف و وزین و انقلابی‌نبرد ملت درمورد آقای حسن نزیه ومبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال آگهی به روزنامه آیندگان مایه تاسف است.

این آقایانی که دم از حقوق ملت ، از حقوق انسانها میزنند نباید این چنین وجوهو درآمدهای ملی را به جیب برادران و دوستان داریوش همایون خائن و مزدور بریزند!

اگر این‌چنین باشد که اعلام فرموده‌اید ، آقای نزیه! به اصطلاح روشنفکر مآب که از دوستان ضد مردمی‌خودچون متین‌دفتری و... که دارپیش ملت‌مسلمان ایران باندازه جوی آبرو و ارزش ندارند باید در دادگاه انقلاب بخاطر اقدام‌خودسرانه و بدون دلیل برخلاف دستورامام ومجتهد به مخالفین اسلام کمک کرده‌است محاکمه و برای دیگـر روشنفکر مآب‌های حقوقدان درسی باشد! که همه در برابر قوانین اسلام یکسانند.

همه باید در برابر کارهای خود پاسخگو باشند و باید هرچه زودتر ایشان جهت رفع این آتهام از خود دفاع کنند وگرنه دولت که ایشان را بسمت مدیریت عامل شرکت ملی نفـت انتخاب کرده باید جوابگوی این مسئله باشد!

ملت مسلمان ایران خون و شهید داد که این روزنامه های کثیف که توسط صهیونیسم اسرائیل در ایران پیدا شده درشان را تخته کنند که متاسفانه دولت هم هنوز اقدامی نکرده است.

از زحمات آنجناب برای روشنگری مردم مبارز ایـران باید تشکر کرد و امید است که کلیه متحرکین به صراط اسلام و مسیر ملت ایران هدایت گردند (انشاءالله..)

مدیر روابط عمومی مجمع علمی و دینی مشهد ـ سید جوادرضائی
۱۳۵۸/۵/۹

از فدائیان اسلام غفلت نخواهیم کرد

تهران آقای سعید دیانتی

شما هم سلام ما را بپذیرید نبرد ملت پیوسته درمورد مجاهدات عظیم‌شهداء به فدائیان اسلام و مبارزات‌مبادی آنها ودستگیری وشکنجه‌های فرون وسطائی و سرانجام‌شهید شدنشان مکرر مطلب داشته است تا روزی که هم منتشر میشود آن بزرگوارها را فراموش نخواهیم‌کرد درنتیجه آرزوی شما عملی خواهد شد.

تهران ـ آقای سیداکبر میرهاشمی

بله برادر همه آنها آمرزیده و چنانچه گناهی هـم داشته اند مورد عفو و بخشش خداوند کریم و مهربان قرار خواهند گرفت ، ولی برادر کاش شهدای ما زنده بودنـد و میدیدند که بفرمان قائد عظیم‌الشان رهبر محبوب امـام خمینی روز قدس میلیونها زن و مرد و پیر و جوان درآفتاب سوزان و گرمای طاقت فرسا بازبانی روزه فریاد میزننـد ای اسرائیل روزت سیه شد خاکت به سر شد و خون پاک و سرخ آنهاانقلاب‌ماراخوب‌آبیاری‌کردوتزوردی‌پرچم‌جمهوری‌اسلامی ایران در تمام‌اقصی نقاط‌جهان به اهتزاز درخواهد آمد. انشاءالله بزودی و به امید آن روز

خدا نگهدار

... برادر و یا خواهر گرامی...

بسیار سعی نمودم تا بتوانم خط شما را بخوانم ، در بسیار سعی نمودم تا بتوانم خط شما را بخوانم ، در

کجاست سرزمین اسلام؟ کیست فدائی اسلام؟ چیست جهاد در راه اسلام؟

سوچهر قائم مقامی

این ایام و این روزهاکه عرش توپهای سوداگران جنگ آرامش و سکون بشریت را بهم ریخته و از فراز آسمان تیره و تاریک دنیا که مولود صنایع جهانخوار است آزهواپیماهای غول آسا که چون دیوان ازبند رسته میغرد و تیره میکنند ، و از ابرهای فتنه ، باران بلا بر سر اولاد آدم میریزند ، وهیچ خسینده‌ای ، در هیچ نقطه عالم قادر نیست که مرگ غیر طبیعی و پیش هنگام را که از ناحیه این آلات وابزار غارتگران تهدید میشود لحظه‌ای به عقب اندازد و از آن جلوگیری شود و هرآروبیک بلا و بلیه‌ای که در طول قرون ازطرف اربابان عالم بر بشریت خصوصا" ملل شرق وعلی‌الخصوص مسلمانان مشرق زمین وارد شده و میشود ، یک حرکت ، یک جنبش و یک بیدار باش جهانی مسلمانان گیتی را از خواب (أصحاب کهف) و سحرآموزی که برایش تدارک دیده بودند و باو تحمیل کرده بودند ، بیدار کرد و هشیار ساخت و بر سرپا نگاه داشت ، که بایستد وبا چشمهائیکه خمار خوابهای گران درآن موا جود بزمین و آسمان و زمان و مکان نظر افکند ، تا ببیند و بفهمد که چه بیدادوستمی برمردمان و تبار گذشتگانش روا داشته‌اند و چگونه کشتی غرور قدرت و آزمندیرا بر دریای خون او و عزیزان مسلمانش تند میرانند و از لوله و دهانه سلاحهای مخوفشان بذر ، نفاق ، کینه ، فقر ، جهالت و مرگ بر سر و پیکر فرزندان اسلام میریزند و از دریای خون ایمان ، حیات و نیروی اهریمنی و جهنمی خویش را طولانی و پر توان ساخته ، سفره‌هایشانرا رنگین‌تر میکنند و ترشیات کاخ های افسانه‌ای را خیره کننده‌تر و افسانه تر میسازند . از دیدن اینهمه ظلم و ننگ که از خون پدران و برادران و خویشان و هم‌دینانش بر زندگی و سامان دژخیمان و چپاولگران رنگ طغیان و گردنکشی و سرمستی زده‌است ، قطره‌های باقیمانده خون بی رمق و کم رنگش که هنوزنیالوده وناب است بجوش میآید ، خروش میکندوبه‌غلیان میرسد که ، چرا؟ برای چه؟چه بودچه شد؟ این غصه‌هاقرون واعصاردرکدام زمان ومکان‌سر فصل اولیه‌اش رقم خورد؟ و چرا تا بانجا کشید؟ من کجا بودم ، شماها کجا بودید ، و آنان . . . ؟ آنانکه گوشه فرش زربفت‌کسری خسروکیتی‌ستانرا بیک سو زده بر زمین مینشستند و فرمان (الله) و اسلام را بر او میخواندند ، آنانکه بـرق شمشیرشان از"ولکا" تا "رامبر و از "آندلس" با شکـوه تا "پواتیه" در قلب اروپـا درخشیدن‌داشت وشهپـاسبان تیزتک و لاغرمیانشان لرزه بر دلهای دلیران ورعشه برگرده گردان روزگار میانداخت چـه شدند ، چه میکردند و به کجا رفتند؟ سرزمین‌های اسلامی‌که قرارگاه و مکمن و مامن یکتـا پرستان راستین و شهـادت پیشگان صاحب مکتب وتشگنی آفرین بود و چنان با عفریت جبر وظلم وبیداد وخودکامگی و استبداد بپیکار مرگ وزندگی را مداوم و بی امان ساختند ، که حتی تاب آنرا نداشتند که در سرزمین چنین پاکیـزه و الهی‌جاهل ناآگاهـی ازراه غفلت بعنف خلخال از پـای دختری بیهودی که تامین‌مالی وجانش‌بردهه‌اسلامست بکشاید . و چنین ناروائی و خلاف‌کاری را در قلمرو بیکران و گسترده اسلام نمی‌پذیرفتند و تحمل نمیکردند . چه شد و چه پیش آمد که رد پائی از آن اسطوره های تقوی ، عدالت و قدرت بچشم نمیرسد و سوادی از آن سرزمین‌های مردپرور و آزادی گستر دیده نمیشود؟ سرزمین هائی که‌بامنطق قرآن وصلابت شمشیرابرمردان‌قرآن‌خوان‌وقرآن دان رنگهای تیره شرک و کفر را در چشمه‌های زلال و پاکیزه توحید ومعارف قرآن شستندو از پیکره خویش سترودند و در آسمانهای‌تیلگون وپرفروغشان هربامدادان وشامگاهان ترانه توحید و سرود پارسایان‌طنین انداز بود . . . ودرچنان‌هاله ای ازعظمت وسطوت وعدالت فرو رفته و غوطه میخورد که قوی پنجه‌گان شیر صولـت و پلان غیورو شمشیرزنرا باهزاران هزار سیاهی و سازو برگ‌جنگی یارای آن نبود که از سایـه باروبشان بگذرد و دست‌تعدی درازکند وپای توقع پیش‌نهد ، چون نیک میدانستند سرزمینی است که ایمان حافظ آنست و مردان ورزانش‌تاسرحدشهادت و گذر از مرزهای زندگـانـی ، ایمان و عقیدتی را که از قرآن آموخته وباخونشان درآمیخته ، پاس میدارند وآنچنان‌حراست میکنندکه بلندپروازترین‌شهباز آرزوها و تخیلاترا ، اندیشه و پروای رسیدن بآن‌جایگاه‌میست جائیکه عقاب پرمیریخت وشیر زهره می‌باخت ، چه شد؟ چه گذشت ؟ و چگونه بی آنکه‌مرین بلرزد و آسمان بشگفد و رخنه درارکان کائنات بیفتد وبدون آنکه چیزی در ظاهر تغییرکند و تبدیل یابد . . . درست‌مثل اینکه جنگاوری‌مومن وپرخروش که ایمان و قدرت و شهامت در تمام تاریوبود وجودش جاری و ساریست در اوج هنرنمائـی و رجزگوئی و سوار کاری بی آنکه ضربه‌ای‌خوش‌را بریزد یاعلتی قابل رویت و لمس کـردن در بین‌باشد ، یکباره‌می‌هیچ‌دلیل بی هیچ سبب آنهمه جـوش و خروش ونیرووسرزندگی ناگهان وبغتتا" تبدیل‌بسکون و سکوت شده روح بی آرام و بزرگ از قالب وپیکرشدیش پرواز کرده بدون آنکه در ظاهرآن اندام پرشکوه و سترک دگرگونی پدید آیدخواب‌ابدی وسکون وسکوت سردی‌چنان‌براوسستولی‌شود ، کمقدرت راندن‌پشه‌ای‌ازخویش نداشته باشد .

بدیهی است که چنیـن پیکری هرقدر پرصلابت‌وصولت نمیتواند جز عرصه‌گاه کرکسان و زاغان کریه و حشرات موذی چیز دیگری بوده و موضع دگر داشته باشد .

سرزمینهای‌اسلام‌وساکنان آنچنانکه بکباره و ناگهان بـه چنان سرنوشت و ماجراگرفتار شدند و سکون و سکوت جـای همه چیز راگرفت و خواب‌گران و جادوئی چندین قرنی آغاز شد . . . ظاهرا" همه چیزهای خود بود . . . لیکن کرکسان ، زاغان و حشرات خوش سفره‌ای رنگین و میدانی بی معارض به چنگ آوردند . . . ایران . . . سرزمین ومهد پیروان مکتب محمد و فدائیان کهکشـان همیشه روشن ولایت . . . بـه برکات وجود محمد رسول الله و فرزندان پرافتخار و مکرمش برخاست ، بیدارشد. و از خمار چنین خوابی شوم بدرآمـد و همچون اسطوره‌های اسـلام آغازین برپا ایستاده و به دور دستها و بلندیها نظر دوخته تا سرزمینهائی را که ترانـه توحید با زمزمه ملائـکـه فضاپیمان طنین جاوید داشت باز بیند و ابرمردان جان بـر کف وفدائی اهداف وآرمانهای مکتب اسلام را بازشناسد . . . تا شیهور بیدارباش و قیام امت رابنوازند و روح رفته را بگالبد ها باز گردانند . . .

ادامه دارد .

آگهی حصر وراثت

آقای محمد رضا هشترودی بشناسنامه ۵۷۲ بشرح‌دادـ خواست کلاسه ۱۱۵۳/۵۸ این شعبه توضیح داده ناداوران علی اکبرهشترودی بشناسنامه ۱۰۳۷۳ در تاریخ ۵۸/۴/۱۳ درگذشته ورثه وی عبارتنداز‌درخواست کننده و محمدسعود هشترودی بشناسنامه ۴۶۸۹ پسران و منصوره هشترودی بـه شناسنامه ۲۹۸ و مرضیه هشترودی بشناسنامه۷۲۳ دختران و فاطمه غلامی بشناسنامه ۲۷۱ همسر دائمی .

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یـا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم‌دارد والاگواهی صادرخواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعـد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است .

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری م‌الف/۸۷۳۶ م‌الف

برنامه حکومت اسلامی فدائیان اسلام ۱۳۲۹

بمناسبت تشکیل مجلس خبرگان

پس از اعدام انقلابی هژیر نخست وزیر خائن رژیم منفور پهلوی و شهادت شهید دلاور سید حسین امامی پورش وحشیانه عمال پلیس دربار بخانه‌های سران و افراد موثر (فدائیان اسلام) آغاز شد .

شهید نواب صفوی و اینجانب بسختی توانستیم از چنگال سیاه دژخیمان جان بدر برده در خانه استیجاری برادری واقع فر یکی از کوچه های خیابان شهبازاد سابق مخفی شویم در مدت این اختفاء بود که رهبر شهید فدائیان اسلام برنامه حکومت اسلامی فدائیان اسلام) را بر مبنای احکام اسلام طرحریزی وبرشته تحریر درآورد .

این برنامه که در همان اختفا بصورت کتابی تدوین و بیاری برادران چـاپ گردید در دوره اول نبرد ملت منتشر شد .

اینک که برای دومین باربنا بدرخواستهای مکرر برادران و خوانندگان‌وفادار بتدریج بچاپ آن مبادرت میشود دو نکته را لازم میدانند یادآور شود . یکی توجه کامل خوانده بزمان تحریر این برنامه یعنی ۲۹ سال قبل و دیگری توجه بایـنکه سن رهبر فدائیان بهنگام تدوین این برنامه فقط ۲۶ سال بوده است .

آتش شهوت از بدنهای عریان شعله‌کشیده خانمان بشر را میسوزاند

هر حس و خاصیتی که در یکی از نمونه‌های افراد بشر هست در همه افراد موجود است و اگر کسی منکر شود دروغ گفته و خلاف محسوسات سخن گفته است و دلائل بـزرگ و گواه های صادق مخصوص او را تکذیب میکنند . حس شهـرت و زیاشوئـی مثل حس شامه و بویائی همیـه مشغول کار و آماده است (بخلاف شکم و گرسنگی که پس ازخوردن وسیر شدن تا مدتی بی اشتها است) و تمام مواضع بدنهای زنان تحریک کننده حس شهوت است . این حس مقدس طبیعـی (مقدس است آنگاهی‌براه پاک‌صرف‌شده مسیرش پاک‌باشد) خود بیدار و مهیا و بدنهای عریان‌زنان (عفیف) هم‌از راه چشم مشغول تحریک میباشد . . . شب و روز زنان و مـردان در کوچه و بازار و اداره و مدرسه و کارخانه و سایر اماکـن عمومی با هم روبرو شده و شب و روز حس شهوت عمومـی بدون حساب مشغول فعالیت و هیجان است .

این فعالیت دائم‌حس‌شهوت‌فعالیت اعصاب اجتماعی را رفته رفته میکشد یعنی سایر قوای مردان کار را ضعیـف مینماید (طبعا هر قوه‌ایکه زیاد مصرف شود بخصوص شهوت از قوای دیگر میکاهد) این حس زنده بدنبال زنها و دلهـا بدنبال این حس حرکت میکند دست و پا و اعضاء جامعـه کم‌کم از کارهای ضروری اجتماعی باز میماند) کمیسیونهای خصوصی که همیشه در تمام وزارتخانه‌ها و ادارات تشکیـل میشود ومردم بیچاره سرگردان پشت درب اطاق های‌روسای کوچک و بزرگ معطل میمانند و چرخهای کار اجتماع لنـگ میشود نمونه‌های کوچکی از نتایج همکاری زن و مرد وعریان شدن زنها است) افکار عمومی همیشه با هر برخوردی بیک موضوع حساسی از بدنهای عریان زنان (عفیف) ازخط‌سیر وظیفه خود منحرف شده نظام فکری بکلی مختل گردیـده . نظام جوارح و اعضاء انسان بشر هم تابع نظام فکری است و با اختلال نظام فکری تظاهرهای فردی مختل شده نتیجتا" نظام اجتماع مختل میگردد و با اختلال نظام اجتماع هـم حال معلوم است .

تحریک و هیجان حس شهوت از راه پاک و طبیعی‌خود که بیرون رفت فضائل انسانی را چون کوره ذوب کننـده ای نابود میکند عاطفه ، رحم ، دوستی ، حیاء ، پاکی ، راستی ، حس دفاع و هیچ فضیلتی را باقی نمیگذارد . . . بهتـرین موردشدت عاطفه ورحم ومحبت مهر میان مادران ودختران است و داستانهای دخترکشی های مادران یا مادرکشـی دختران برای یک پسر جوان منبع شهوتی که مورد اختلاف مادر و دختر قرار گرفته و شدیدترین مورد عاطفه ودوستی و رحم (رحم و دوستی میان دختر و مادر) را نابود نموده است از شهرهای شهوت بار اروپا همیشه بگوش ما رسیده و میرسد و اینک کم کم از برکت تولید کوره‌های ذوب رحـم و عاطفه (آتش شهوات عمومی و عریان‌بودن بدنهای محرک شهوت زنان) در میان ایرانیان مسلمان نیز نمونه‌های آن (دخترکشی مادران و مادرکشی دختران) یافت میشود و روزبروز باترقی شهوات پلیدعمومی این جنایات‌ترقی‌نموده و توسعه می‌یابد و نظائر آن را همه روزه پیش از پیش نظاره میکنیم .

آری ، آری ، فضائل انسانی را میکشد و یا نابود شدن این فضائل حال جامعه بدبخت معلوم است . حس شهـوت مردان وقتی نسبت به همه زنان تحریک شده علاقه بست و خو گرفت وحتی وهمه جائی میشود وکم‌کم نسبت بخانواده شخصی خویش علاقه‌ای ضعیف شده طلاق و جدائی میان‌زن و مرد رو بازدیاد رفته روزافزون میشود (به دفاتر رسمـی طلاق رجوع شود شماره طلاق های پیش از بی حجابی و پس از بی حجابی شاهد خوبی برای اثبات این حقیقت خواهد بود پس از بی حجابی امر خانمانسوز طلاق بی اندازه خطرناک و وحشت انگیز شده روبکثرت رفته و میرود) وهمان نیروئی که علاقه خانه داران را بعیال و خانه خود کم کرده ایجاد جدائی میکند در مردان بی خانه و عیال هم آثـر کرده از ابتداء دنبال تهیه عیال و خانواده نمیروند و به همین نسبت که شهوات پلید ، علاقه مردان را از خانـواده کم میکند علاقه زنان را نیز از خانه و شوهر خود کم کـرده نیروی جدائی و ولگردی زن و مرد را قوی میکند .

آیا شب و روز و آن لاعبی بخطر نیستی و قطع نسل و سرگردانی و بی سرپرستی کودکان موجودی که پـدر و مادرشان بدنبال ولگردی و عیاشی رفته‌اند بشدت هرچه تمامتر تهدید میشود .

معنی آزادی زنان و همکاری آنان با مردان چیست؟ آیا زنان میخواهند از عمل زناشوئی پاک و مشروع با مردان خودداری کنند؟ و در هرماه طبق سازمان طبیعی‌خود قاعده نشوند حامله و بچه‌دار هم‌نگردند؟ تا بامردان‌جامعه در تحمل نکردن این زحمات شریک باشند و نسل جامعه را بکلی قطع و تا پنجاه سال دیگر که جامعه امروز همه مردند (نسل آینده هم که قطع و نابود شده است) دیگر جامعـه ومردم وزن و مردی اصلا" وجود نداشته باشد؟ یا خیرمعنی آزادی زنان وهمکاری آنان با مردان اینست که مردان‌بجای زنان در هر ماه قاعده و حیض شده و حامله و آبستن شوند؟ و از وجود مبارک خود تولید فرزند و تولید مثل کنند تادر این زحمت با زنها شریک باشند .

تفو بر این مغز و این شعور واین انسانی که پای بند ایـن اراجیف است خواه اهل اروپا یا امریکا یا آسیا یا آفریقـا باشد .

حقیقتا" اگر مجمع ملل متفق یا سازمان ملل متحـد مقصودشان این باشد یا مآل سخنشان در این باره بدینجـا رسدواقعا" سند حماقت و خریت و بی شعوری دانشمندان و رجال اروپا و آمریکا به پیشگاه معظم دانش و عقل و هـوش ارائه‌شده‌است‌ایت‌پا به ، پایه‌روح آنان وای بر شعور پیروان‌این سخنان .

خبر نه اینست آنان همه نادانند و اینان هـم‌مانند آنان .

بهترین کار برای زنان همان مدیریت خانواده‌واولین مدرسه تولید و تربیت نسل بشر است آیا کاری اساسی تر از این در دنیا هست ، زمانی هم که وظایف خانوادگی نداشته یا بنحوی از این وظیفه بزرگ محروم بوده وخواستند بکاری پرداخته بامردان همکاری‌کنند‌بایستی برای آنان‌کارخانجات و ادارات زنانه ترتیب داده شود که روساء و مدیران آنهـا نیز زن باشند و با کمال عفت و نجابت و آزادی بدون حقه بازی و هوسرانی غیر مشروع با مردان ، مشغول کار و خدمت بجامعه شوند و اداره و مدارس دختران بعهده اساتیذ زن بوده دخالت مرد در اداره و مدرسه زنانه و دخترانـه و دخالت زن در اداره و مدرسه مردانه و پیرانه بیجا و غلط است و درهای آموختن علوم بحدی که زنان خود را لایق و مستعد دیدند بایستی برویشان باز باشد .

(۵) مشروبات مسموم کننده و جنون انگیز

شگفتا ، عجبا ، جهان‌عقل وعلم ودانش و فلسفه وطب از هرگوشه سخن از زیانهای خانمانسوز مشروبات الکلی بـه حدی در میان است که نوبت بما نمیرسد .

جنون خمری در دروس طبی باب مخصوصی دارد این جنون که از مشروبات الکلی تولید میشود همیشگـی شدن جنون موقت (سستی و بی شعور) است که در اثر نوشیـدن این سم تلخ در عموم روشنفکران و تاریک فکران احـداث میشود . و در نسل بعد هم موثر میگردد .

زیانهای بدنی ومزاجی خانمانسوزآن در جامعه ونسل آینده بحدی است که میتواند عامل بزرگی برای فلج کردن چرخهای عقل و شعور و قوای بدنی جامعه باشد . چاتوکشهل و آدم‌کشیهای شبانه روزی اثر کوچکی از آثار بزرگ آنسـت تعداد دکانهای مشروب فروشی چندین برابر بیش ازدکان های نانوائی و اغذیه فروشی است تفو بر این حکومت و بر این جامعه وبرایـن عقل واین تمدن . . . و تفو برآن اروپائی و آمریکائی و غربی مترقی (بقول نادانان) که استعمـال شبانه روزی این سم خطرناک از آثار عقل و ترقی وتمـدن اوست .

بایستی مشروب سازیها و مشروب فروشیها و مشروبات الکلی بکلی نابود شده حتی یک قطره در سراسر ایران‌باقی نماند و خورنده و فروشنده و سازنده و حمل کننده و نگـه دارنده آن واعانت کننده آنان مطابق دستور اسلام مجازات شوندوبایستی دوای‌مناسبی برای‌معتادین این سم‌خانمانسوز مهیا و در دسترس عموم واقع گردد .

(۶) استعمال دود های خطرناك تریاك و شیره

از راهها و معابر عمومی میگذریم . . . در میان هرصد نفر شصت یا هفتاد نفر را زرد چهره و لاغر اندام و ضعیف ومندرس‌میبابیم‌بعضی‌از اینان بحدی وضع جسمی وبدنشان بهم کوفته و شکسته است که گویا سالها دچار امراض مزمـن خطرناک بوده و اینک پنج دقیقه تا مرگشان باقیست درحال احتضارند و یا مردماند و حرکتشان مصنوعی است .

این عده که تقریبا" شصت یا هفتاد در صد جامعه را تشکیل میدهند ، چرا مردماند یا چرا محتضرند .

به تریک و شیره و دخانیات زیان آور مبتلا هستنـد . آیا این مردگان متحرک بدخاطر حس دفاع و غیرت وحمیت و عاطفه و فضیلتی‌ندارند پس اکثریت جامعه مردگانی‌هستند که بخوراک و پوشاک و وسایل زندگی هم محتاجند .

خود بدبخت و بینوا بوده از تمام مزایای زندگی بی بهره اند و جامعه را نیز بدبخت کرده می‌میرانند . بیش از این مجال سخن نیست بدبختی جامعه و این مردم روشـن است ، اینها تذکراتی است تریاک ، شیره ، سیگار ، غلیان ، چپق ، و سایر‌دخانیات خطرناک بایستی جدا" نابودشده ، فروشنده و استعمال کننده وحمل کننده و نگهدارنده وکشت کننده بایستی مطابق دستورات مقدس اسلام مجازات شوند و نیز بایستی بیمارستانهائی برای معالجه مبتلایان مهیای پذیرائی و مداوا شوند .

ادامه دارد

قرآن کریم

این تفسیر مختصر که متن اصلی آن توسط برادر " گلبدیـن حکمت‌یار" نوشته شده و آنگاه نگارنده با تغییرات مختصری در جملات و مفاهیم آنرا بازنویسی کرده است .

(۱) : گلبدین حکمت‌یار ، از پیشتازان جنبش مسلحـانـه اسلامی افغانستان‌است ، مبارزات خویش را از دانشگاه کابل که دانشجو مهندسی آن بود آغاز کرد ، در سال ۱۳۵۱شمسی به زندان افتاد تا اینکه در کودتای ننگین ۲۶ خرداد ۱۳۵۲ از زندان آزاد شد که فورا" رژیم کودتا پی‌به اشتباه خود برده و تحت تعقیب قرار گرفت که به ناچار زندگی‌مخفی‌خود را شروع کرد او توانست هسته‌ء مرکزی یک حرکت مسلحانه را دربرابر رژیم کودتابوجود آورد تا اینکه‌باکودتای‌مارکسیستی خلقی ، تره‌کی در ۱۳۵۷ و گسترش جنبش مسلحانه مسلمانان فعالیت او گسترش یافت که اکنون بعنوان امیر حزب اسلامی افغانستان مشغول انجام وظیفه می‌باشد . (مراجعه شود بـه جزوه پیام امیر حزب اسلامی به ملت مسلمان افغانستـان ـ کابل‌حوت ۱۳۵۷ـ و نیز گزارشی کوتاه از تجربه‌ئی بزرت بقلم نگارنده) .

حقیقت نفاق از دیـدگاه قرآن کریم

۱ـ دروغ‌پردازی و تقلب

بسم‌الله الـرحمن‌الرحیم

اذا جاءك المنفقون قالواتشهدانك لرسول‌اللهواللهیعلم انك لرسوله والله یشهد ان المنافقین لکاذبون

"چون منافقان نزد تو آیند گویند ، گواهی میدهیم کـه تـو بتحقیق پیامبر خدائی ، خداوند میداند که توفرستاده‌ءاوئی و خدا شهادت میدهد که منافقان حتما دروغگویانند . "

در این آیه که به منافقان اشاره شده چند نقطه مطلبی را در خصوص معرفی نان‌به شرح ذیل تذکر میدهد .

۱ ـ منافقان بدون مقدمه و در حالیکه اصولا" مسئله اظهـار ایمان و گواهی آنان مطرح نیست ، به حقانیت‌پیامبررسالت وی‌گواهی میدهند ، ودر اظهار گواهی بدون ضرورت به‌تاکید متوسل میشوند ، در اینجا به نکته‌ء بی‌نهایت لطیفی اشـاره شده که در ضمن یکی از خصوصیات مهم عناصر منافق بشمار میآید ، بدین شرح :

طبیعت انسانی چنان است که هر گاه جرمی را مرتکب شود و یا اراده‌ء اقدام به گناهی در ضمیر او استقرار یـابد ، هر چند موضوع کاملا" مخفی و پنهان بوده واحدی از کنه و حقیقت آن واقف نباشد ، با وجود آن اشـان تصور میکند که دیگران بر حقیقت آنچه که وی در پنهانی انجام‌داده ویادر ضمیر خویش پنهان نموده اطلاع یافته‌اند .

از اینرو او بدون مقدمه برای تثبیت پاکدامنی‌اش به سوگـند متوسل میشود . .

عناصر منافق چه آنان که اساسا" از نعمت ایمان بی ـ بهره‌اند و چه کسانی که ضعف عقیده و فساد عمل ، آنان را درشمار عناصر مخلص و مومنان‌واقعی قرار نمیدهد ، بنابراین که‌در پنهان و دور از انظار مردم اعمالی انجام میدهند ، از این رو در قبال دیگران به سوگند متوسل می‌شوند تا ظاهـر فریبنده‌شانرا معصومانه جلوه دهند ، در آیات متعـددی از قرآن به این خصلت مشترک عناصر منافق اشاره شده :

"بخدا سوگند میخورند که "چیزی" نگفته‌اند ، محققا" سخن کفر را گفته‌اند و پس از اسلام آوردنشان کافر شده‌اند . . . "

"برای شما بخداوند سوگند یاد میکنند تا شما راراضی‌سازند خدا و پیامبرش سزاوارتر است که راضـی سازنـد وی را اگر مومن‌اند .

. . . ویحلفون بالله انهم لمنکمنو ما هم منکم و لکنهم قوم، یفرقون . . .

و بخدا سوگند یاد می‌کنند که آنان حتما" از شمایندولی‌آنها از شما نیستند ، بلکه ایشان گروهی هستند که (نسبت به کفر درونی‌شان) می‌ترسند . . .

آری آنچه که آنها را در صف مسلمانان قرارداده‌انـد درک و تشخیص است و نه ایمان و عقیده ، بلکه ترس وهراس از پیروزی مسلمانان است‌که آنها را اجبارا" به این سوگشانده است .

۲ ـ منظور منافقان از اظهار این مطلب که "گواهی " میدهیم بدون‌شک تو پیامبرخدائی‌ءاین است که ازیک‌طرف‌می‌خواهند بطور غیر مستقیم اطمینان افراد مقابل را نسبت بـه‌سخـنان حلب نمایند و به این ترتیب بقولی افراد مومن در اجتماع مسلمانان پذیرفته شود ولی از طرف دیگر شیوه‌ء بیان آنان چنان است که برای اظهار ایمان خویش کلمات تفسیروتوجیه پذیر بکار برده‌اند ، بجای اینکه بگویند "مابرسالت‌توصمیمانه ایمان داریم و یا در جهت پیروی و اطاعت از دستورات تو آماده‌ایم . . . " خدعه و فریب بکار برده ، شیوه بیان آن‌به گونه‌ئی است‌که برایشان قابل تفسیر باشد میگویند : ماگواهی میدهیم که یقینا" تو پیامبر خدا هستی ولی این‌مسئله ، که : "ما ایمان آورده‌ایم ، دستورات تو را انجام داده وپیمـان اطاعت می‌بندیم " مجهول گذاشته شده است .

قرآن طی کلمات موجز خویش موقف‌عناصرمومن‌را درمسئله اظهار ایمان چنین توضیح میدهد : "قالوا سمعنا واطعنا " گفتند : شنیدیم و اطاعت کردیم .

ولیکن متاسفانه آن زمان که ادعای ایمان می‌نمایـد چون توام با این ادعا ، سئوال ایمان و عمل آنان مطـرح میشود بنابراین از استعمال الفاظ‌روشن و موکـد احتـاب می‌ورزند . چنانچه قرآن می‌فرماید :

"و از مردمان کسانی (چنان)اند که می‌گویند ما بخدا و روز آخرت ایمان آورده‌ایم ولی ایمان ندارند ، (گویا) خـدا و مومنان را فریب میدهند اما فریب نمی‌دهند مگر خویشتن را ولی نمیفهمند . . . "

آگهی حصروراثت

خانم‌هاجرفوقانی بشناسنامه۸ بشرح دادخواست‌کلاسه ۵۹۴/۵۸ این شعبه توضیح داده ناداوران فرج فرجی‌الهی بشناسنامه۳۸۴ در تاریخ۲۵۳۵/۱۲/۲۲ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده همسر دائمی و نصرت‌اللـه فرج‌الهی بشناسنامه۱۳ و محمد فرج‌الهی بشناسنامه۳۳ واکبر فرج‌الهی بشناسنامه۱۳۵۵ و علی اصغر فرج‌الهی بشناسنامه ۲۲۶ و محمد علی فرج‌الهی بشناسنامه۱۳۹۲ پسران وفاطمه فرج‌الهی بشناسنامه ۱۲۸۵ و زهرا فرج‌الهی بشناسنامـه ۱۰ دختران .

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یـا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صـادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است .

رئیس‌شعبه۷۴ دادگاه شهرستان‌تهران ـ سازگاری م‌الف/۷۵۹۸ ۱ـ۳ ش۳۹

آگهی حصروراثت

آقای جواد رجب‌زاده طهماسبی بشناسنامه۷۳۶ بشرح دادخواست کلاسه۶۷۸/۵۸ این شعبه توضیح داده ناداوران محمد حسین رجب‌زاده طهماسبی بشناسنامه۱۳۴۵درتاریخ ۲۵۳۷/۱/۲۶ درگذشته ورثه وی عبارتند ازدرخواست‌کننده و امیرارسلان رجب‌زاده طهماسبی بشناسنامه۴۳۶ و هاشـم رجب‌زاده طهماسبی بشناسنامه۹۲۹ وعلی رجب‌زاده‌طهماسبی بشناسنامه۵۳۶۱ و هادی رجب زاده طهماسبی بشناسنامـه ۱۱۱۱ پسران وام‌البنین رجب‌زاده‌طهماسبی بشناسنامه۵۲۷ دختر و خاتون رجب‌زاده طهماسبی بشناسنامه ۲۰۹۲همسر دائمی .

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یـا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صـادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است .

رئیس شعبه۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری م‌الف ۷۶۰۰ ۱ـ۳ ش ۴۱

آگهی تاسیس شرکت سایتو با مسئولیت محدود

شرکت‌سایتو بامسئولیت محدود در تاریخ۱۳۵۸/۴/۲ تحت شماره۳۳۹۰۶ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود :

۱ـ موضوع شرکت : انجام‌کلیه امور مربوط به عملیات مقاطعه کاری ـ تاسیسات الکتریکی و مکانیکی و شریک شدن باشرکت های مقاطعه کاری داخلی و خارجی در سراسر ایران .

۲ـ مرکز اصلی شرکت : تهران خیابان دکتر حسین فاطمی ـ روبروی ساختمان جدید شهرداری طبقه ۳ پلاک ۶۸ .

۳ ـ سرمایه شرکت : مبلغ یک میلیون ریال .

۴ـ مدیران و دارندگان حق امضاء : آقای محمدتقی‌کیپورفر دلـجسب رئیس هیئت مدیره ـ ایرج سمار مدیرعامـل برای مدت نامحدود میباشد و حق امضاء کلیه اوراق واسناد از قبیل چک ـ سفته ـ بروات ـ قراردادهای تعهدآوروغیره متفقا" با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه بامهر شرکت معتبر میباشد .

مدیرکل ثبت‌شرکتها ومالکیت‌صنعتی یحیی‌مدنی

۸۷۴۹/ م‌الف

نبرد ملت
صفحه ۵ـ دور انقلاب شماره ۳۳ـ شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۸

گذر از مسیر شهر ستانهای ایران

علل سقوط رژیم ۲۵

بنیاد پهلوی ۲

بقلم: دکتر امیر ناصر معزی

دلال کثیف بین المللی

همان مملکت وارد شوند (زیرا اضافه پول باعث ایجاد قدرت خرید بیشتر در بین افراد و در نتیجه گرانی و تورم میگردد) لذا بهترین روش استفاده از آنها در بازارهای خارج و در ممالک دست نشانده عقب مانده میباشد ـ بهره کشی مستقیم و نزول خواری روش دیرینه برای استفاده از پول بوده است ـ چرا از ممالک در حال توسعه ای که احتیاج به پول دارند استفاده نشود منتها برای اینکه تامین کافی جهت حفظ پول خود داشته باشند ـ چند چیز لازم است ـ ثبات سیاسی در مملکت مورد نظر در مرحله اول اهمیت است ـ کشورهای استعماری همیشه در ممالکی سرمایه گزاری میکنندکه از ثبات سیاسی آن اطمینان کافی داشته باشند ـ بطوریکه هیئت حاکم کشورهای عقب مانده را خودشان تعیین میکنند و علاوه بر دست نشاندگان سیاسی اصولاً منی و روش وکارـ گردانی آن ممالک در دست مستشاران نظامی سیاسی و اقتصادی خود آنها است ـ مثلاً در مملکت ایران هم دولت آمریکا تا این اواخر اطمینان کافی از نظر ثبات سیاسی آن داشت که سرمایه گزاریهای فراوان در آن کرد منتها اخیراً یک ساده لوحی بخرج داد و آن اطمینان زیاد بشخص شاه بود ـ چون شاه زیاده از حد بآنها اطمینان میداد که اوضاع سیاسی ایران تغییرنخواهد کرد و خیال سرمایه داران راجمع کرده بود لذا سرمایه داران بقولهای شاه مطمئن شدند و در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتند ـ دستگاههای استعماری که در راس آنها آمریکا میباشد حق دارند دلخور باشند زیرا سرمایه های آنها که در این کار میکرد بطور مستقیم بین ۳۰ تا ۷۰ درصد سود سالیانه برمیگرداند و این رقم در تمام ممالک مشابه بی نظیر بود ـ پر واضح است چنین منبع درآمدی یکباره صفر شود دلسوزی فراوانی خواهد داشت در صورتیکه میزان سوددهی سالیانه سرمایه گذاری در افریقای جنوبی فقط ۱۰ درصد بود که قبلاً بدان اشاره رفت.

علاوه بر این بردگیهای اقتصادی ـ بانکی که استعمار را مستقیماً بر سر کشور ما سوار کرده بود میتوان اقلام دیگر را نیز اضافه نام برد:

دراین مدت که سایه کثافت بار و نکبت آفرین شاهنشاهی خاندان پهلوی برسرایران گسترده بود علاوه بر حیف ومیل های غیر قابل تصور مالی و غیر مالی قرض هائی که افرادایران سلسله منحوس از بانکهای مختلف گرفته اند و به ارز تبدیل نموده بخارج منتقل کرده اند برابر است با این رقم سرمام آور (۲۱ میلیارد و ۸۵۷ میلیون و ۸۹۱ هزار ریال) در حقیقت این قرض رامیتوان بدهی بلامحل خاندان پهلوی بهبانکهای مملکت دانست ـ زیرا دخل و تصرف های دیگری که انجام شده تقریباً خارج از رقم وحساب میباشد بطوریکه این ارقال بی همه چیز بعلت اینکه در حقیقت بی همه چیز بودند میخواستند تلافی کلمه بی همه چیزی را در چاپیدن و غارت بیت المال مردم فقیر و مسلمان ایران درکنندو حالا که بردند ورفتند ومردم را با خاک یکسان کردند بازهم می بینندهمان بی همه چیزی ادامه دارد بطوریکه هریک با وجود میلیاردها شوتی که اندوخته و بخارج منتقل کرده اند امنیت ندارند و مانند روباهان تحت تعقیب دم خود را لای دوپایشان کرده و بدنبال سوراخهای امن میگردند تا بقیه عمر راپنهان بسر برند آیا تصدیق نمیکنید که مفهوم بی همه چیزی در همین شرایط جمع است؟

شاه ایران درزمان قدرت مطلقه خود برای جلب حمایت سیاستهای بین المللی مرتباً دستور میداد از خزانه مریض و فقیر ایران وامهای کلان بدولتهای استعماری خارجی و یادو های آنها نظیر کشور اردن هاشمی و غیره وام هائی داده شود آسیم باسودهای خیلی پائین این وامها که اخیراً دولت ایران به حساب آنها رسیدگی کرده بالغ بر ۲۲ فقره است بطوریکه شایع است جمعاً "کشور ایران بین سالهای ۵۳ـ۵۶ یعنی ۳ سال مبلغ ۴۱۰ میلیارد ریال وام به کشورهای خارجی داده است ـ با بهره ای حدود ۲ ـ ۸ درصد.

مثلاً در سال ۵۳ یکمیلیارد دلار به کشور فرانسه وام داده شد ـ سازمان ملی آب انگلیس در دونوبت هر نوبت ۴۰۰ میلیون دلار وام گرفته ـ اردن هاشمی این سگ تولهٔ پادوی اربابان جهاخوار بین المللی ۵ نوبت بمبلغ ۱/۷۵۰ میلیارد دلار وام دریافت داشته و غیره.

بطوریکه ملاحظه فرمودید شبکه های آدم لخت کن بانکهای داخلی ازمردم ایران بخاطر وامهای پرداختی مسکن و غیره سودهای کلان دریافت میکردند که هیچگاه از ۱۴ـ ۱۵ درصد پائین تر نیامده در حالیکه بول همین مردم بنام دولت ایران به باج گیران و گردنه بندهای بین المللی نظیر انگلیس و فرانسه و بلژیک و هلند و غیره به ثمن بخس یعنی ۲ درصد داده میشد (عبارت دیگر مجانی) بقول شاعر:

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار!!

معنای مقام غیر مسئول داشتن همین است ـ بناه این مقام غیر مسئول وقتی اعلیٰ ترین روداد نتیجه آن شد که همه چیزش را چاپید و برد و ملت را بخاک فقر و تنگدستی نشاند و تازه این را موهبتی الهی میدانست!! زهی وقاهت و زهی بی شرمی و زهی بی همه چیزی!!

چنانچه یادتان باشد در کلمات پیشین گفتیم که سیاستهای استعماری که امروز بنام (استعمار نوین) معروف شده فقط در رباخواری مستقیم و شرکت در بانکها نیست ـ صنایع مونتاژ ـ مجتمع های کشت و صنعت ـ سرمایه گزاری در صنایع مواد خام ـ و سرمایه گزاری در ساختمان نیز نامبرده شدند اینک بهر یک از آنها به ترتیب می پردازیم.

۱ـ صنایع مونتاژ ـ درحقیقت تعریف صنعت درمورد مونتاژ صحیح نیست چون قصد از صنعت عبارتست از رشته ای از حرف و مشاغل که درآن ابتکار ـ تجدید نظر ـ تکامل و بدعت فکری بمیزان زیاد در کار آمده باشد ـ و چون مونتاژ یک کار تکراری بدون ابتکار و فکر است نمیتوان اسم صنعت را بدان اطلاق کرد ـ مثلاً عمل خشت زدن و آجر پزی را که بهیچوجه صنعت نیست میتوان بهمین تعبیر صنعت نامید ـ البته اگر مقصود از کلمه صنعت همان ساخت بمعنای اعم کلمه بوده باشد صورت دیگری دارد و مونتاژ را هم باعتبار اینکه نتیجه ساخت یک چیز است میتوان جزو آن دانست ـ ولی درعرف امروزی جهان صنعت در مقابل کشاورزی قرار دارد بطوریکه اگر یک مملکت را بخواهند بجانب تکنیک و ماشین های پیچیده حاصل از انقلاب صنعتی سوق دهند و از مرحله کشاورزی کهنه درآور ند میگویند مملکت صنعتی شده یا حد اقل کشاورزی مدرنیزه و صنعتی گردیده ـ خلاصه آنکه مونتاژ را چه صنعت بنامیم و چه نامیم تقریباً تعالیٰ است تـه مانده ازتمام کارهای فعال و ابتکارآمیز امروزی جهان صنعتی در ممالک پیشرو صنعتی همان هائی که ماشین و مخلفات آن را پس از انقلابات صنعتی اروپا آفریدند و خلق کردند ـ تمام ریزه کاریهای دقیق و قوت و فن های اصلی ساختمان این ماشین ها راخودشان میدانند و عاقلانه هم نیست که بدیگری بازگو کنند ـ مثلاً صنایع الکترونیکی خیلی دقیق از ماشین های حساب ابتدائی گرفته تا کامپیوتر یا دستگاههای پرتاب موشک و یا ساختمان هواپیماهای مافوق صوت و غیره هیچگاه مشمول صنایع مونتاژ نمیشود و بکشوری عقب مانده یـا در حال رشد صادر وواگذارنمیشود

ادامه دارد

نامه های وارده

شیراز ـ آقای حسین تبریزیان

برادر ـ نبردملت شکایت و گله دوستان و خوانندگان مسلمان خود را بروی چشم پذیرا میباشد و راجع به مرحوم شیخ احمدکافی که درتاریخ ۳۰ تیر ماه چرا از او یادی نکرده ایم چون اکثر نشریات چند روز پشت سرهم راجع به ایشان مطلب داشتند لذا نویسندگان نبرد ملت شرح وقایع رابرای آینده گذاشته اند.

درضمن مرقوم فرموده اید که ماباکارهای دولت مخالفت میکنیم در صورتیکه چنین چیزی نیست فقط دوستانه عیوب کارها را یادآوری مینمائیم.

خدا نگهدار برادر

شیراز ـ آقای عبدالله مهرابی

مگر آنانکه جاسوس حرفهای شده اند از آغاز پدران و اجدادشان جاسوس بوده اند (خیر) در هر حال در مورد شخصیتهای عظیم جهان انقلاب اسلام و مستضعفین، چه کارهای جنایت آمیز و خطرناکی را که جاسوسان روی پرده وپشت پرده انجام داده و میدهند یکه امروز دیگرهمه برآن آگاهند.

شما هم موفق و کامروا باشید برادر

نهاوند ـ آقایان اکبر و محمود و علی تقی زاده

باید از شما برادران که وقت خود را در اختیار نشریه مورد علاقه خود گذاشته و برای رساندن آن بدست دیگر مسلمانان نهاوندی فعالیت میکنید سپاسگزاری نموده و امید است که خداوند یکایک شما را حفظ کند و همه ما را روز بروز به راه خود استوارتر و مقرب تر سازد.

خداحافظ همه شما برادران گرامی

رباط کریم شهریار ـ خواهر گرامی صدیقه براتی

مسلمانان باید توجه کنند که مقابله با نیرنگهای اسرار آمیز استعمار جهان که کلیه سلاح های مادی و فکری را برای چپاول منابع فرهنگی و انسانی و اقتصادی مستضعفین جهان سوم و بویژه شرق اسلامی بسیج نموده اند و جز در پناه اسلام و قرآن ورهبری امام خمینی و یکپارچگی و همبستگی اخلاقی کل مسلمین میسر نخواهد بود و فعالیت شما را در راه ترویج نبرد ملت در دبیرستانیان ستایش میکنیم.

موفق باشید

بوشهر ـ برادرعزیز آقای علی جمالی تنگستانی

سلام گرم شما را به نویسندگان و کارکنان نبرد ملت رسانده وآنها هم متقابلاً سلام میرسانند و سعادت وسلامتی شما و آقای زمانی را از درگاه خداوند خواستارند.

واراجع به مطالب شما دردوره جدید نبردملت مقالاتی ذاتیه و بازهم به روی هم چشم هر مطلبی ارسال فرمائید منتشر خواهد شد و افکار روشن شما را ستایش میکنیم.

سلام و دعای ما را به همه برادران و خواهران مسلمان و مبارز شهر بوشهر برسانید.

سپاسگذاریم

هردو ایرادتان حق است

اصفهان ـ برادر آقای علیرضا فرخ پور اصفهانی

در مورد کاندیدای معلوم الحال حزبی که افراد صالح و محترم هیئت موسس آن همگی استعفاء داده و انحرافات و عدم صلاحیت کامل این کاندیدای مجلس خبرگان ازاصفهان باید گفته شود وجود چنین افراد نایاب و منحرف و حامیان ناصالح تر آنان در آن حزب بود که باعث کناره گیری دسته جمعی هیئت موسس مبارز و شریف و انحلال عملی حزب مذکور گردید.

بهرحال جنابعالی حساب این دندنه بندیهای مشئوم و مغرضانه را که فقط برای تامین هوی و هوسها و مطامع شخصی است بحساب اسلام و مسلمانی نگذارید که روح اسلام و مسلمانان از چنین افراد و دسته بندیهائی بیزار و متزجر است. درموردا عتراض جبهه ملی دموکراتیک، فدائی خلق، کمونیست هاوتوده ایها بتوفیق آیندگان بهترین سندگویای دروغ وریاکاری آنان همین اعتراضات تا سرحد یا غیگری بود که اگر برخی ساده لوحان هنوز شبهه نسبت به باطن خبیث آنان داشتند این شبهه رفع و قیافه واقعی آنان نمودار شد.

وظیفه خودمیدانیم ازتهیه لطف، توجه و اعتمادی که بروزنامه خودتان دارید تشکر کرده امیدواریم خداوند ما را در ادامه این خدمت یاری فرماید.

بنام خدا

بنام آن خدائی که ماراباآراده کامل و خودآگاه ومسئول متعهد آفرید، و بدینگونه آفریدتاخود راهبرباشیم و مجری اعمال نیک و مسئول رفتار خویش.

ـ و اما چرا چپ گرائی درشهر کرد رواج پیدا کرد... ! این سئوالیست که مقامات مسئول خود مسئول به طرح و جواش میباشند.

و براستی مگر تا زمان پیروزی انقلاب چند نفر چپ گرایا کمونیست در این استان وجود داشت...؟

مطمئناً وطبق تحقیق تعدادشان از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی کرد... اما حالا چی...؟

اکنون باید بررسی کرد که پیروان آن تعداد بیشتر شده است یا تعداد پیروان ایدئولوکهای وارداتی که متاسفانه فقط مسئولیتها را از جوانان این استان گرفته اند...؟

درست است که ما احتیاج مبرم معلم خوب و ایدئولوک مذهبی داشتیم، اما فقط در حد معلم و نه به این تعداد که کلاً پستهای انجام مسئولیتمان را پر کنند.

البته هر چند این کار با کمال حسن نیت همراه بوده اما به بیراهه کشیده شده است. امروز در این مقطع از زمان پاسداری از انقلاب اسلامی وظیفهٔ ملی وجدانی هر جوانی است اما چرا با وارد کردن گروههای متعدد پاسدار غیر بومی به ما تحمیل و تفهیم کرده اندکه لیاقت و غیرت پاسداری ازمرز و بوم خود و خانه و کاشانهٔ خود را نداریم...؟

مگرنه اینکه سپاه پاسداران باید در هر شهری پایگاه مردمی داشته باشد؟ مگر طرح جهاد سازندگی وبودجه آن مخصوص هراستانی جداگانه و برای مردم همان استان تعیین و مقرر نگردیده است...؟

پس چه چه دلیل دراین استان با وارد کردن افراد زیادی در جهت این امر به ما تحمیل و تفهیم کرده اند که بی عرضه و بی همت، بی مسئولیت و اصولاً بی صلاحیت می باشیم...؟

اما حقیقتاً باید دید کی و در چه وقت و در جهت کدام امر وتوسط چه اشخاصی ازما خواسته شد و دعوت به پذیرفتن مسئولیتمان کردند که سرباز زدیم...؟

و یا اصولاً کدام کاری را به ما رجوع کردند که در انجامش قصور کردیم...؟

مگر تعداد دیپلمه های بیکار که به دلیل ارجاع کردن مسئولیت به ایشان کنار گود ایستاده ورجزمی خوانند وغافل ازمشکلات ومصائب از برگزاری امتحانات چند پیشهٔ ی جلوـ گیری می کنند چند برابر افراد وارداتی و مصادر کنونی امور که همگی غیر بومی می باشند است.؟

آیا مخالف این حقیقت میباشید که باید جوانها را در مسئولیتها شرکت داد تامئول بارسایند و ازکار قضایا بدون آگاهی شعار نامعقول ندهند؟

این یک حقیقت رانباید فراموش کرد که ۹۹ درصد جوانان این شهر در کمال سادگی و داشتن حسن نیت آماده حسلب دردستگاهی و مسئولیتی بدون چشم داشت بودند، همانطور که اکثر بچه های خوب دوران انقلاب، پس از پیروزی انقلاب جذب جنبش ملی مجاهدین شدند و از مسئولیتها و شرکت فعال در بازسازی جامعه کنار گذاشته شدند.

جناب آقای کرباسچیان مدیر محترم روزنامه نبرد ملت خواهشمند است امر و مقرر فرمائید این مقاله که از احساس مسئولیت و اعماق قلب ما سر چشمه گرفته است درآن روزنامه درج شود

«چرا چپ گرائی در شهر کرد رواج پیدا کرد»

و بدینگونه بود که نداشتن سر پرست خوب و مرکزیت یک قدرت و ارشاد درجهت صحیح جوانان این خطه را پس از پیروزی انقلاب بدینگونه که مشاهده میشود بمارآورد... آیا تنهاراه جلوگیری از انحراف فعالیت و صرف بی جای انرژی این استان فقط اعزام تبلیغاتچی که آنها هم متاسفانه فقط سطح توقع را بالا میبرند و اعزام جوانان بیکار دیگر استانها به اینجاست...؟؟ حال اگر مسئولان امرمعتقدند که پیشبرد برنامه های عمرانی و طرحهای جهاد سازندگی دریک منطقهای بدون شرکت فعال جوانان آن منطقه و طبیعتاً مردم وابسته به آن جوانان میسر است بفرمائید این گوایی این همه میدان اما تا کی ما باید نظاره گر دخالت دیگران در کارهایمان باشیم در صورتی که خودبخودی از عهده این کارها برمی آییم...؟...؟

و این ناله نیزمتشی است نمونه از خوارها درد پنهان جوانان این استان که هشدارپست به تمام مسئولان امر و آگهایی که به نحوی خود را در سرنوشت این استان مسئول میدانند و دلشان درهوای بهبود بخشیدن اوضاع ناسامانش می تپد وکمال حسن نیت را دارند... واملام از طرف جمعی از جوانان مسلمان شهر کرد.

۵۸/۵/۱۱

بسمه تعالی و به استعین

حضرت آقای عبدالله کرباسچیان ایده الله تعالی

السلام علیک و علی عباد الله الصالحین و رحمه الله وبرکاته

جعلک الله تعالی من الصامین و القائمین والمستغفرین بالاسحار و یتقبل منک طاعاتک و عباداتک فی هذاالشهر المبارک و فی کل الشهور انشاء الله تعالی.

وقتی آب سرلالا میرود قورباغه نیز اوبغوطا میخواند!!

آقای ابوالفضل قاسمی آن مرد روسای علوم الحال رفیق و هم بزم شاپور بختیار خائن مجددا روداری و کشاخی نموده و در شماره ۱۵۹۱۸ اطلاعات مورخه ۵۸/۵/۹ بژاژ خاهی و یاوه سرائی پرداخته است (توجه آنحضرت را به روزنامه مزبورمعطوف میدارد) این آدمک الدنگ ازپیش نویس قانون اساسی انتقاد نموده و آنرا یک بعدی توصیف نموده و نافی حقوق زن در جامعه ایرانی پنداشته است.

ازنظرابن مردک نفهم فرهنگ اسلامی، فرهنگ ارتجاعی است و اگر اسلام زنان را بعفاف و پاکدامنی ترغیب نموده و سوق دهد هرآینه آنها را منزوی نموده و توهین بشخصیت زن شده است.

آنچه بیشترمایه تاسف است اینست که این شقی بدبخت با آن سوابق رسوا این میزان بصیرت و بینش اسلامی (صفر) خود را کاندیدای مجلس خبرگان برای بررسی نهائی قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی نموده است (ازظرف چرب منفور کارپانی ایران.!!) زهی وقاحت و بیشرمی و پرروئی!!

انتظار دارد که آنجناب با قلم شیوا و مستدل و بدیع خود جواب دندان شکنی باین جعلق بدهد هرچند که صفحات جریده شریفه نبرد ملت شریفتر و ارزنده تر از آن میباشدکه برای کوبیدن جعلقی چون ابوالفضل قاسمی اشغال شوند. مزید تاییدات آنحضرت و کلیه کارکنان نبرد ملت و کلیه مجاهدین فی سبیل الله و برافراشتگان پرچم توحید از خدای احد لاشریک له و لا وزیر استدعا مینماید.

با تقدیم احترامات فائقه ـ عبدالرضا رؤف
ماشین سازی ـ اراک

آگهی ثبت تغییرات در شرکت سهامی خاص فوجیران ثبت شده بشماره ۲۵۲۳۶

برابر صورتجلسات مورخ ۱۳۵۷/۸/۱۶ مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده و هیئت مدیره تصمیمات زیر درشرکت مزبور اتخاذ گردید:

۱ـ آقایان اصغر حدادزاده، مهندس عبدالرحیم داودی طالقانی، اححق حورش، رضامطلب زاده و خانم سوسن متقی ایورانی برای مدت دوسال بسمت اعضاء هیئت مدیره وآقایان حسین فنا و ابوالفضل پیکان برای مدت یکسال بترتیب به سمت بازرس اصلی وبازرس علی البدل شرکت انتخاب گردیدند

۲ـ آقای اصغر حدادزاده بسمت رئیس هیئت مدیره، خانم سوسن متقی ایورانی بسمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای مهندس عبدالرحیم داودی طالقانی بسمت مدیریت عامل شرکت تعیین گردیدند. کلیه اسناد ومدارک تعهدآور شرکت ازقبیل چکها، بروات، سفتهها و غیره باید بامضای رئیس هیئت مدیره یا مدیر عامل یا نمایندگان قانونی آنها بتنهائی و با مهر شرکت برسد.

مدیرکل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی. یحیی مدنی
۱ـ۱ ۸۷۵۰ /م الف ش ۹۱

آگهی حصرورثاث

آقای احمد حیدری فروزان بشناسنامه ۱۰۴۳ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۰۵/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان ابوالقاسم حیدری فروزان بشناسنامه ۹۳۲۵ در تاریخ ۵۸/۱/۹ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده و حسن حیدری فروزان بشناسنامه ۳۷۰ و حسین حیدری فروزان بشناسنامه ۲۴۶۶۹ پسران وسمی حیدری فروزان بشناسنامه ۷۵۲ وثریا حیدری فروزان بشناسنامه ۴۵۶۳۴ و زهرا حیدری فروزان به شناسنامه ۱۳۱۱ و خدیجه حیدری فروزان بشناسنامه ۴۶۶۷۰ وفاطمه حیدری فروزان بشناسنامه ۴۲۶۶۸ ـ دختران ومحترم سیدمهدی بشناسنامه ۴۴۲۵ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ رضاعدالت
۱ـ۳ /۷۶۰۴ م الف ش ۴۵

آگهی حصر وراثت

خانم رقیه کریم بشناسنامه ۱۴۱۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۴۵/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان یدالله محرابیان بشناسنامه ۳۹۷ در تاریخ ۵۷/۷/۱۶ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده همسر دائمی وغلامحسین محرابیان بشناسنامه ۲۴ ومرتضی محرابیان بشناسنامه ۳۴۳ وهوشنگ محرابیان بشناسنامه ۳۱۹۲۵ وعباس محرابیان بشناسنامه ۵۱۲ و احمد محرابیان بشناسنامه ۱۸۶۵ وبهرام محرابیان بشناسنامه ۵۶۹۷ پسران و صاحب جان محرابیان بشناسنامه ۲۶ و فاطمه محرابیان بشناسنامه ۲۴ ونسرین محرابیان بشناسنامه ۲۸۵۵ و لیلا محرابیان بشناسنامه ۵۶۹۸ دختران.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۳۸ م الف ش ۷۹

آگهی حصروراثت

خانم سیمین امین فرشید مهر بشناسنامه ۹۲۱۵۶ به شرح دادخواست کلاسه ۱۱۲۸/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان محمدآقا امینی فرشید مهر بشناسنامه ۶۸۰۷۹ درتاریخ ۵۷/۲/۱۳ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده و پروین امینی فرشید مهر بشناسنامه ۵۵۷ دختران و اصغرامینی فرشید مهر بشناسنامه ۲۷۰ و ناصر امینی فرشید مهر بشناسنامه ۱۸۰ پسران وضیاء امینی فرشید مهر بشناسنامه ۷۷۳۸۵ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۴۲ م الف ش ۸۲

آگهی حصروراثت

آقای خسرو وحیدی دستگردی بشناسنامه ۴۶۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۰۸/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان محمود وحیدزاده دستگردی بشناسنامه ۱۱۶۵۷ در تاریخ ۵۸/۲/۹ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده و پرویز وحیدی دستگردی بشناسنامه ۴۸۸ و داریوش وحیدی دستگردی بشناسنامه ۶۲۴ ومحمدوحیدی دستگردی بشناسنامه ۲۵ پسران و فرنگیس وحیدی دستگردی بشناسنامه ۱۲۷۱ و نادره وحیدی دستگردی بشناسنامه ۱۵۷۱۸ ـ دختران وعزت دهخدا بشناسنامه ۱۰۹۱ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۴۳ م الف ش ۸۴

آگهی حصروراثت

خانم منصور حشمتی فرزند منوچهر بشناسنامه ۲۶۸ به شرح دادخواست کلاسه ۳۳۰/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان مرحومه فسرالملوک حشمتی فرزند فتح الله بشناسنامه ۸۴۰۲ در تاریخ ۵۵/۱۲/۱ در تهران فوت نموده وارث حین الفوت آنمرحومه عبارتند از متفاضی و فیروز حشمتی بشناسنامه شماره ۶۴۷ محمد قلی حشمتی بشناسنامه شماره ۸۴۰۰ پسران متوفاه و افخم الملوک حشمتی بشناسنامه شماره ۷۶ مهناز حشمتی بشناسنامه شماره ۷۱۹ و بهجت الملوک حشمتی بشناسنامه شماره ۱۲۰۳۴ دختران متوفاه و آقای منوچهر حشمتی بشناسنامه شماره ۳۹۴ همسر وغیرازنامبردگان وارث دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۵ دادگاه شهرستان تهران ـ رضاعدالت
۱ـ۳ /۷۶۰۴ م الف ش ۴۵

آگهی حصروراثت

آقای موسی حیم هارونی بشناسنامه ۲۳۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۳۴/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان عبدالنبی هارونی بشناسنامه ۲۶۲ درتاریخ ۵۷/۶/۲ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده و سعید هارونی بشناسنامه ۱۴۸ پسران و ملوک خانم هارونی بشناسنامه ۱ و خانم خاص هارونی بشناسنامه ۱۳۹۶ دختران و شمسی هارونی بشناسنامه ۱۳۹۵ همسر.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۴۰ م الف ش ۸۱

آگهی حصروراثت

آقای مجید توسلی کجانی بشناسنامه ۵۰ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۳۰/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان عباس توسلی کجانی بشناسنامه ۸۴۵ در تاریخ ۲۵۳۳/۱۱/۳ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده و شیرعلی توسلی کجانی بشناسنامه ۱۳۰۸ و عبدالحسین توسلی کجانی بشناسنامه ۱۳۲۶ و حسن توسلی کجانی بشناسنامه ۱۵۱۳۴ پسران و زهرا توسلی کجانی بشناسنامه ۲۲ و معصومه توسلی کجانی بشناسنامه ۳۰ و فاطمه توسلی کجانی بشناسنامه ۵۹ دختران و ربابه باقری کجانی بشناسنامه ۴۷ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۴۱ م الف ش ۸۲

آگهی تاسیس شرکت بازرگانی حی با مسئولیت محدود

شرکت بازرگانی حی با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۲۸ تحت شماره ۳۴۷۸۹ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱ـ موضوع شرکت: واردات و صادرات خرید و فروش و اخذ نمایندگی کلیه کالاهای مجاز بازرگانی داخلی و خارجی.

۲ـ مرکزاصلی شرکت: تهران خیابان مطهری نبش امیراتابک شماره ۱۱۰ آدرس پستی صندوق پستی شماره یک تهران.

۳ـ سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال.

۴ـ مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای علیرضا ریسمانی بسمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و محمدعلی اعتماد سعید بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود تعیین وامضاء کلیه اوراق واسناد مربوط بشرکت از قبیل چک ـ سفته چک برات قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی و اوراق عادی و مکاتبات اداری با هر دونفر مدیران متفقاً و با مهر شرکت معتبر میباشد.

مدیریت شرکتها ومالکیت صنعتی یحیی مدنی
۱ـ۳ /۸۷۵۱ م الف ش ۹۲

آگهی ثبت وراثت

بشناسنامه ۱۴۱۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۴۵/۵۸ این شعبه توضیح داده نادروان یدالله محرابیان بشناسنامه ۳۹۷ در تاریخ ۵۷/۷/۱۶ درگذشته ورثه وی عبارتنداز درخواست کننده همسر دائمی وغلامحسین محرابیان بشناسنامه ۲۴ ومرتضی محرابیان بشناسنامه ۳۴۳ وهوشنگ محرابیان بشناسنامه ۳۱۹۲۵ وعباس محرابیان بشناسنامه ۵۱۲ و احمد محرابیان بشناسنامه ۱۸۶۵ وبهرام محرابیان بشناسنامه ۵۶۹۷ پسران و صاحب جان محرابیان بشناسنامه ۲۶ و فاطمه محرابیان بشناسنامه ۲۴ ونسرین محرابیان بشناسنامه ۲۸۵۵ و لیلا محرابیان بشناسنامه ۵۶۹۸ دختران.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۱ـ۳ /۸۷۳۸ م الف ش ۷۹

نبرد ملت
صفحه عید دوره انقلاب شماره ۳۲ - شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۸

اسلام از دیدگاه علم و

حماسه خونین

من العومنین رجال صدقوا ماعاهدوا الله علیه منهم من قضی من ستظر. ولاتحسبن الذین قتلوافی سبیل الله امواتا بل احیاء عندربهم یرزقون.

شهادت، نقطه اوج تکامل انسانهای آزاده و خدا پرست یکی ازپدیده های رایج مبارزات تهدیدآمیز اسلامی ملت مسلمان ایران در سالهای وحشت و اختناق بود. درآن روزگارسیاه چه بسیار فرزندان رشید اسلام و ایران که بدست دژخیم زمان بخاک و خون غلطیده و خط خونین شهادت این عظیم ترین و پربارترین مکتب توحید را تداوم بخشیدند.

آنان با خون گرم خویش نهال نوپای نهضت آزادی بخش امت اسلام را آبیاری کرده و فریاد رعدآسای سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام راکه هل من ناصر ینصرنی و.... را متناغما بلیک گفته و آئین پاک اسلام را که از هرسو در معرض تهاجم امپریالیسم غرب وشرق و تجاوز غارتگران بین المللی و کارتلها و سرمایه داران خیانتکار و دولتهای مزدور بود نجات دادند.

تبلور شهادت و دریافت عمیق فداکاری و ایثار این به خون خفتگان شهید راه خدا درشرایط ویژه دیکتاتوری حاکم برایران جاذبه ومفهوم بخصوص داشت، چه آنکه درروزم سفاک پهلوی هیچیک از ارزشهای اصیل انسانی ونهادهای مقدس اسلامی و حقوق و شرافت و استقلال مردم محروم ما را دستبرد و تجاوز مصون نماند و هر روز زیر پوشش قانون و مذهب، حقوق بشر و لیاقت، مستقل ملی و امنیت منطقه ای و... یکی از مراکز علم و حق و فضیلت مورد تاخت وتاراز قرار میگرفت و افتخار محروم کارگر وروستائی به محرومیتی فزاینده تر و نکبتی سیاه تر دچار میشدند و تمام این تهاجمات بدلیل حفظ و پاسداری تاج و تخت لعنتی فرعون زمان رضاشاه خائن تایید وتوجیه میگشت.

مطالعه و ارزیابی جنایات هولناک دودمان کثیف پهلوی مارابه این واقعیت تکان دهنده رهنمون است که:

هرچند در خلال شیوه های پلیسی سازمان امنیت وفعالیت های مزدور سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا "سیا" در ایران و قتل عام ها و اعدام ها و آسان سوزیها و طرح نقشه های خائنانه سوز اخلاقی واقتصادی و فرهنگی رژیم کلیه منابع زیر زمینی و دست آوردهای قشر زحمتکش ایران به جیب بغما گران و شرکت های چند ملیتی و ابرقدرتها سرازیر میشد و میلیاردها پول بیت المال مسلمین صرف خرید سلاحهای استراتژیک و خطرناک می گشت که جز بسود پیمانهای نظامی و ناتو، و ورشو، نبود و نفت این طلای سیاه وجه المصالحه پیشرفت های اقتصادی آمریکا واروپا میشد. و مراکز علمی و دینی مانند دانشگاهها و حوزه علمیه به گلوله بسته میشد و فرهنگ مردمی ما دنباله رو فرهنگ استعماری غرب گشته بود و مناطق روستائی و دور افتاده کشور بخصوص شهرهای مرزی در فقر مادی و معنوی میسوخت و بسیاری از رجال شرافتمند ملی و رهبران نستوه مذهبی روانه زندان و تبعیدگاهها و شهادت میشدند و فرزندان بینوای این مرزو بوم از فرط گرسنگی و فقر روانه صحراها شده ودرکنارگوسفندان ازعلف صحرا تغذیه میکردند و عفت و ناموس زن ایرانی ملعبه دستهای ناپاک جوانان هرزه وماجراجو میگشت و کاپیتولاسیون این ننگین ترین طرح استعمار بر مملکت تحمیل و ارتش دست آویز مستشاران خارجی میگشت و بر مبنای تز تفرقه "باختلافات و تضادها، ناسیونالیستی و مسلکی بین نژادها ومذاهب دامن زده میشد ولی یکی از هدفهای اصلی و اساسی رژیم مزدور شاه از پس تمام طرحها و نقشه ها وجنایات مربوراین بودکه مذهب راستین تشیع یعنی همان اسلام محمد وعلی و آئین مهذب رادمردان سلحشور و متقی همه، اعصاروقرون را از درون مسخ ومحو نماید.

" یرالاسلام یبرالفرد مقلوبا " علی بن ابیطالب، سپهرالبلاغه، رژیم خونخوارو سفاک پهلوی در ادامه سیاست اقتصادی تئوریسینها وطراحان ضد توحیدی تصمیم داشت محتواوحقیقت اسلام کههمچون سرزمین حاصلخیز در طول قرن های متمادی منشاء بروزتمدن واقعی و انسانیت راستین، انسانها ونبلوز ارزشهای اصیل مردمی بود دگرگونه ساخته و با تسلط بخشیدن به نظام مسلط شاهنشاهی بر روابط علمی و عقیدتی جامعه و تقویت روزافزون جناح ارتجاع و اشاعه روح، دیگری سیستماتیک اصالت اسلامیت و روح دمیده در کالبد مذهب اهل بیت علیهم السلام رامحو ونابود ساخته و هرگونه گرایش تقوا و ترکیه و جهاد وشهادت و جنگ با طاغوت و اهریمن را متلاشی سازد و بقول استاد شهید دکتر علی شریعتی سردمداران قبیله قابیلی در پناه زور و زر و تزویر و تیغ و طلا و تسبیح عصمت انسانی هابیل طبقه محروم ومستضعف و اسیر و قربانی شده را ازروی زمین مندهم نماید. سیاست غرب و شرق به خوبی از این حقیقت آگاه بودندکه تاحرمت و اصالت مکتب ایدئولوژی انقلابی و سازنده وازگون نشود نعمتوان بمنابع مادی ومعنوی ملتها دست یافت و اقتصاد و فرهنگ و کشاورزی و معادن و ارتش آنان را تصاحب نمود.

و به همین دلیل رژیم های دست نشانده درکشورهای آسیا و آفریقا نخستین هدف خویش را در جهت خنثی نمودن قداست و اصالت و... مذاهب توحیدی ساخته و به نحوی میکوشند تامجرای حرکت و طوفندگی و سازندگی آن را تحریف نموده و چهره معصوم انرا مخدوش سازند.

رژیم منحوس رضاخانی در سالهای اضطراب انگیز حقفان با اسلوب های مزموری این شیوه را دنبال میکردو تا آنجا که امکانات داخلی و خارجی بوی اجازه دادفلمهای اعتاکر و حلقوم های گویا و پر توان را کوبید و متقابلا" قلم های مزدور و حنجره های مسموم را در جناح چپ و راست و ارتجاع محافظه کار تقویت نمود تا بلکه در پوشش مذهب و دین واقعیات حقیقت دین پاک از اذهان نسل جوان ما پنهان مانده و در ورطه ای از خلاء فکری وفرهنگی وانحراف ایدئولوژیک و گرایش به عقاید التقاطی و تحریف شده و یا دورماندن از ایمان و طهارت نفس غرق شوند.

بدیهی است در پناه اجرای چنین طرح خطرناک، بسادگی بر کلیه نهادهای ارزنده فرهنگ انسانی کشور و منابع مادی و اقتصادی و تولیدی میتوان خط بطلان کشید تحمل چنین اوضاع اسف انگیزی بر هیچ مومن صادقی روا نخواهد بود و نمیتوان در کنار صحنه تماشاگر هجوم و تجاوز به حریم مذهب و فکر و عقیده و ناموس و اخلاق و فرهنگ واقتصاد جامعه اسلامی بود. حقیقتی که حسین بن علی اینگونه بیان فرموده است:

" الا ترون ان الحق لایعمل به وان الباطل لایتناهی عنه.. و فی ذلک فلیرغب المومن فی لقاءالله محقا".

آنگاه که حق در نظام حاکم بر امت جائی ندارد و باطل در عمق بنیادهای فکری و اجتماعی جامعه رخنه افکنده مومنین راستین و شیفته دیدار خداوند و بارشهادت خواهند شد و هرچند با خون خویش پکره نتوانند دشمن رانابود گردانند ولی خواهندتوانست عوامفریبی آنرا بسازسازند. بدینسان چنین ایدآلهای بلند گرای تشیع، شهادت شهدای انقلاب مدافع وخونین ایران بیانگر صداقت و امانت وپاکی نفس و قداست روح آنان میباشد.

علم قانون مشروعه اسلامی در رویاروئی قوانین موضوعه بشری

قدرتمندان هرملتی گرد هم می نشینند و ضوابطی برای تحکیم روابط ملت خود وضع میکنند. اما در هیچ نقطه جهان چنین اتفاقی پگمرتبه هم نیفتاد که ضعفای قوی برای تدوین قانون گرد هم بنشینند (مگر وقتیکه قدرت بدست آوردند).

قانون که مترادف کلمه یونانی (نموس) ناموس است. ناموس اجتماعی است که با حرمت بحریم آن، و تیمیز میفهمند یکی از این دو در بازپرسی گفته من مواد مخدر را برای مصرف خریده ام وطبق قانون خریدوفروش مواد مخدر در صلاحیت ارتش بوده (در رژیم قبل) و مجازاتی معادل حبس ابد و یا اعدام دارد و دیگریکه وکیلی زرنگ داشته و وکیلش در محکمه اظهارداشته که موکل من این ماده ممنوعه را برای مصرف تهیه کرده پس این پرونده مشمول رسیدگی دادسرائی است و مجازات

لله الامر... لاتبدیل لخلق الله ذالک الدین القیم

قانون تنها قانون ابدی وازلی وغیرقابل تبدیل الهی است.

ومنهم امیون لایعلمون الکتاب الاامانی وانهم الایظنون-فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذامن عندالله لیشتروا به ثمناً قلیلاً فویلٌ لهم ممّاکتبت ایدیهم وویلٌ ممّا یکسبون (۱)

هنگامیکه قابیل بدست هابیل کشته شد نخستین قانون انسانها تدوین یافت وهنگامیکه شیطان به اوحیله پنهان کردن آثار جرم را نمود اولین تبصره اش نیز نوشته شد...

حفاظت و حراست هر فرد از حدود و سهمی که آران متنفع است یک اجتماع بتواند. در شالوده های تنظیم روابط فردی اجتماعی مردم و حفظ صیانت های اخلاقی آنها (در معیار های سنجش مقنن) و استقرار و ثبات خط و مشی جامعه خود را تضمین نماید.

اما در اصل این قانون یعنی روابط متعهد ضوابط در معیارهای انسانی یا انسان متولد میشود یعنی هر کجا که بیش از یکنفر وجود داشته باشد- بدون هیچ گفتگو یک قانون ضمنی بین آنها حکمفرما است، آنکه قویتر است لاجرم اعمال و امیالش برای ضعیفتر بصورت قانون متجلی میگردد قوی حاکم است و ضعیف محکوم وحفظ این رابطه قانون قیمانیت رابطه حاکم و محکوم که در ضعیف از لاعلاجی بصورت رضا و درقوی بصورت عادت متجلی میگردد- و این ابعاد محدود انسانی هر چقدر گسترش یابد. ابعاد کیفی قانون نیز بموازات گسترش خواهد یافت مثل تاریخی سرخپوستان سکنه بومی آمریکا (که اتفاقا" در بطن خود دمکراسی ترین مردم حکومت را حفظ درهمان چادرهاوزندگی بومی مستتر داشتند) سفید یعنی آمریکائی مهاجر چون قوی تربود همه معیارها وضوابط آنان رابهم ریخت دیگرقانون آنچیزیکه آنان رعایت میکردند نبود بلکه رعایت آنچیزهائی بود که سفید برآنها تحمیل مینمود- سفید مهاجر اول زمین های آنان را گرفت و قوانین اولیه حاکم و محکوم بر این اجتماع حکومت کرد -وسرح- پوست لاعلاج بودکه قبول نماید هرچه سفید خواست واراده کرد قانون است. چه در تدوین قانون هابیلی حق با قوی است تبصره- تنازع بقا- اما تمدن سفید پوست سیاهان را نخورد بلکه تبصره ها را بپایشان بست و با قوانین برده داری یکمرتبه همه هستی آنها را متعلق بخود ساخت ولی همین قانون برده داری نیزکه در ابتدا بالندگی تمدن غربی و در نتیجه بدوی بودپس ازچندی منسوخ گردید چرا که قوای ضعیف محکوم رفته رفته درتاریکترت نفوس بقدرت هائی دست مبارز- برای محکوم نگهداشتن این قدرت دیگر قانون زور و قلدری تکافو نمینمود- حیله هائی لازم بود که بصورت تبصره های اضافی بکمک قانون بشتابد- از این مرحله توجش از تمدن تغذیه میکند- اما وقتی صحبت از توجش میشود نه آن توجش منظور است که با تداعی نام حیوانی چون شیر همراه است صفت این حیوانات تنازع است اصل قانون جنگل، تنازع برای بقا- نمونه توجش بارز روباه است که با ساختن لانه معزوف روباه در مقابل قدرت برتر فرار میکند و از سوراخی دیگر و بنوعی دیگر آنکار میشود و دقیقا" از جائی بدشمن حمله میکند که آسیب پذیر است و چنین توجشی در بطن قوانین بشری نهفته و مستتراست. در قوانین برده داری آمریکا یا تبعیضات نژادی وفرانسه قرون وسطی و اریستوکراسی یا فئودالیته قبل ازمشروطه ایران (البته بعدازمشروطه هم عملا" همان بود) با ازدیاد و تراکم نفوس طبقه محکوم خود بخود عدم تکافوی صمانت اجرائی قوای حاکم مطرح میشودتمدن برای این مهم حیله ای اندیشید و قانون را بصورت دیگر وگونه ای دیگر مطرح نمود آن را به صورت علمی درآورده و در انحصارخود گرفت و همان لانه روباه معروف را ساخت. اصولا" در تمام دنیا همیشه هیئت و گروه حاکم قوانین را وضع میکندوهیچگاه درتاریخ سابقه نداشته که از گروه محکوم یا مظلوم ومطرود دراجتماع دعوت شود که قوانینی وضع نمایندو گروه حاکم قهار نیز خود را ملزم به رعایت آن بداند و هیچ دلیل منطقی در دست نیست که شخص یا اشخاصی بدون استعانت از پشتوانه های معنوی معیارهائی برای رفاه اجتماعی مردم بریزند که سهم خود را در آن کمتر و سهم دیگران را بیشتر مرعی دارند اما چون پشتوانه عملکرد هر هیئت حاکم بر اساس اعتقادی هم گروه محکوم ولی در اکثریت توده ها است دیگرقوانین بصورت تباین و تبعیض فاحش ازاریستوکرات و بورژوازی مطرح نمیشود- بلکه چنان عمار سر رشته کارها را بدست همانها میسازد که فقط خود واعضین متوجه آنند و توده بینوا فقط پس از گذشت زمان میفهمد که کیود هم کم از کهر نیست در قوانین غرب بدون مطرح شدن و تظاهر اصل قلدری- نظام اجتماعی دست قدرتمندان است وقوانین چنان بدیع و لانه روباهی است که مثلا" یک سیلی زدن مجازات چشمگیر بدنبال دارد یا حتی ریاست جمهور باطرح شکایت یک پلیس ساده مجبور به عذر خواهی ازوی میگردد. اما در جای لازم مرتکب قتل میشود و طبق همان قوانین موضوعه تبرئه میگردد چرا که ارتبصره های مخصوص این امور استفاده میکند- مثلا" شهود به دلایل تهدید یا تطمیع احتمالا" جای او همان مکان قبلی است در رئیس تخصصی کجا میتواند او مکان گیرد؟ وزنه هائی بوزن ۱۰۰ تا ۱۰ کیلو چیندند و به طفلی ۱۰ ساله بگوئید همه آن او تو است در صورتیکه بتوانی تصاحب کنی. عنوان زیباست ولی کودک عملا" محکوم بقبول همان وزنه آخری است این وزنه هاهمان بندها وتبصره های قوانین موضوعه هستند. چرا مردم آنقدر از دادگستری و ادارات رژیم قبلی وحشت داشته وهنوزهم دارند؟ برای اینکه میدانستند هرنوع اجحاف خیانت وحتی جنایت درهمین مکانها بر علیه مردم صورت میگیرد و یک موضع قانونی هم دارد.

یک مهندس میگفت حاضرم در کمال میل ۳۰٪ حقوق سالانه ام را بدهم در عوض سر و کارم با ادارات دولتی و قوانین هرگز نیفتد گفتم تو که تحصیل کرده ای ۳۰٪ حاضری به قانون باج بدهی وای بحال ۷۰٪ جمعیت بیسوادوکم سواد کشور- توجیه حضور وکیل در محاکم از نظر میسر بود... اگر قدرتش را بازیچه می کردند... آنوقت عمل میکند و این است نفس توجش در قوانین مدنی یعنی هرچراکه قانون از کشش عاجز نمود عملا" اتفاق نیفتاده است. (البته از نظر قانون).

اماکشورهای سوسیالیست و کمونیست که پرولتر بینوا با تحمل انواع مصائب و شدائد و جانبازی قیام و قدرت را از آن خود ساخت که به او وعده داده بودند درحکومت کارگری قانون از کارگر و حق با کارگر و دیکتاتوری پرولتاریاست. اکنون وضع کارگر چگونه است دیکتاتوری پرولتاریا چنان بر خود او دیکتاتوری میکند که آرزوی بازگشت دوران تزار را دارد- هیئت حاکمه واضع قانون آنرا چنان تنظیم کرده کهواقعا" خود بتواند دیکتاتوری عمل کند نه پرولتر- آیا در این قانون وضع کارگر باکشور های غربی فرق کیفی دارد؟ کارگر تبدیل بماشینی شده که در مقابل دریافت سوخت تا- گریز کار است و حتی مهمانی رفتن او هم در ید قدرت و اجازه ارباب است حال این اجازه تغییر نام نموده خواه تزار یاسلطان یا حزب معنایش برای او یکیست- این بدیع ترین عمار قوانین بشری است. وقتی تبدیل حکومت کارگری میدهند- بینوا کارگر خرسند از اینکه پس از قرنها او هم حقی و حکومتی خواهدداشت همه هستی خود را ایثارمیکند جهاد و تلاش میکند وحکومت را هم بدست میآورد اما پس از تدوین قانون در میابد که در دنیای تخصص های گوناگون عملا" جای او همان مکان قبلی است در رئیس تخصصی کجا میتواند او مکان گیرد؟ وزنه هائی بوزن ۱۰۰ تا ۱۰ کیلو چیندند و به طفلی ۱۰ ساله بگوئید همه آن او تو است در صورتیکه بتوانی تصاحب کنی. عنوان زیباست ولی کودک عملا" محکوم بقبول همان وزنه آخری است این وزنه هاهمان بندها وتبصره های قوانین موضوعه هستند. چرا مردم آنقدر از دادگستری و ادارات رژیم قبلی وحشت داشته وهنوزهم دارند؟ برای اینکه میدانستند هرنوع اجحاف خیانت وحتی جنایت درهمین عوام چیست؟ چون مدعیند قانون علمی است که احتیاج به شارلاطان بازی دارد و از عهده برآمدن آن کار همه کس نیست - و همه متهمین بلا - استثناء از وکیل خود میپرسند که آیا تبرئه خواهند شد؟ وضع پرونده چگونه است در صورتیکه بر نحوه جرم خود بهتر از وکیل آگاه است حتی اکثر متهمین نمی فهمند در دادگاه چه میگذرد وجود نوعی رابطه و مکالمه رمزی را بین وکیل خود و مسئولین دادگاه حس میکنند.

- ریاست محترم دادگاه: ماده ۱ بند ۱؟ و ماده فلان ۱ ارتند بهمان! و رعایت ماده ۱؟ در مورد موکل خود یاد آور میگردم!

- آقای وکیل مدافع طبق بند! ماده الحاقی ۱؟ تبصره ۱؟ وارد نیست!!

فقط دلخوشی متهم نسبت به پولیکه پرداخت و شهرت وحرافی وکیلش را دیاد و نقصان دارد و انگای او به تنها چیزیکه نیست عدالت است. متهم درمیابد اوطبق قوانین و بندهائی محاکمه میشودکه اصلا" اطلاعی نداشته و اگر هم این قوانین را برایش بخوانند چنان پیچیده است که نخواهد فهمید. مثلی روشن از حقفهای قانون: دو نفر را با اتهام به جرمی، یکسان فرضا" داشتن مواد مخدر به دادگاه میبرند فرجام پرونده یکی از این دو مجازاتی معادل اعدام یا حبس ابد است ودیگری تبرئه و هر دو نیز گیج از این پشت و روی قانون و یک ماه و دو هوا بودنش... بعدها بسیارسبکی دربرخواهدداشت این است نمونه دورو کلک قانون و همین امر موجب گردیده که اسم قانون یا تبصره و غیره ناگهان مردم راعصبانی میکند برای همین است که امروز ادارات دولتی چوب لای چرخ اجتماعند.

و اما قوانین اسلامی جز اینهاست و امر برخیلی ها مشتبه گردیده. قوانین اسلامی فطری است ولایتغیروازهمان مبدأ تنزیل یافته که وجود فطری انسان پس هرگز تغییر نخواهد کرد فطرت الله التی فطرالناس- همانطور که فطرت انسان لایتغیر است. و انسان در برخورد با قوانین اسلامی پس همه آنچیزهائیکه مولود فطری اوست آنرا بخوبی درک و حس و لمس خواهد کرد... و خوب میفهمد احتیاج به شارلاطان بازی وحقه هم نیست خود کتاب قانون میفرماید. بل للانسان علی نفسه بصیر- انسان از نفس خود و فطرت خود آگاه است. پس اقوانین فطریش هم آگاه خواهد بود- ما در بحث آینده به تشریح این قوانین تکرف الهی خواهیم پرداخت انشاءالله

(۱)- آیه ۷۳ از سوره مبارکه بقره: بسیاری از مردم امیون (بیسوادان) هستند ودر شک (آنها بوسیله علماراهمائی و ارشاد میشود) پس وای بر کسیکه چیزی بنویسد و آنرا بخداوند و کلام خدا نسبت دهد برای قلیلی مال دنیا. پس وای بردستی که اینچنین نوشت. و وای بر کسیکه اروی متابعت نمود.

آگهی تاسیس شرکت شاهینساختمان با مسئولیت محدود

شرکت شاهینساختمان با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۶ تحت شماره ۳۴۶۷۵ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیرجهت اطلاع عموم آگهی میشود:
۱- موضوع شرکت: اجرای امورساختمانی و تاسیساتی و کلیه عملیات راهسازی امور بازرگانی.
۲- مرکزاصلی شرکت: تهران خیابان امیرآباد شمالی خیابان هیجدهم خیابان قرقاول پلاک ۲ طبقه ۲ تلفن ۶۳۶۶۳۹
۳- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال
۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: مدیرعامل برای مدت نامحدود آقای محمدحسین شکیبی حسامی میباشد و بطور کلی مدیرعامل برای اداره شرکت ازهرقبیل دارای اختیارات تام ونامحدود است و کلیه اوراق بهادار چک سفته برات اسناد رسمی و انعقاد قراردادها و بطور کلی هرگونه امضاء اوراق که ایجاد تعهد نماید فقط با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت معتبر میباشد.
مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی
م/۸۷۴۷ الف

آگهی حصروراثت

آقای غلامرضا رمضان بختیاری بشناسنامه ۷۱۵ بشرح دادخواست کلاسه ۹۴۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان حبیبالله رمضان بختیاری بشناسنامه ۱۲۵۰۹ در تاریخ ۵۸/۱/۳ درگذشته ورثه وی عبارتند از دخترانت کننده و علی اصغر رمضان بختیاری بشناسنامه ۳۴۰ پسران و فاطمه رمضان بختیاری بشناسنامه ۲۵۶۱۹ همسر دائمی و رقیه رمضان بختیاری بشناسنامه ۱۷۵۰۸ مادر.
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران - سازگاری
م الف/ ۷۶۰۱ ۱-۳ ش ۴۲

آگهی حصروراثت

خانم ربابه خانم کرمانشاه بشناسنامه ۶۳۶ بشرح دادخواست کلاسه ۸۲۰/۵۸ این دادگاه توضیح داده شادروان محمودهنرمند بشناسنامه ۲۵۹۵۱ درتاریخ ۵۸/۱/۱۵ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده همسر دائمی و فاطمه هنرمند بشناسنامه ۲۴۱ دختر و مسعود هنرمند بشناسنامه ۶۰۰ و مهدی هنرمند بشناسنامه ۳۰۴۲ و حمید رضا هنرمند بشناسنامه ۲۴۴ و سعید هنرمند بشناسنامه ۲۹۰۸ پسران.
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی و رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران - سازگاری
م الف ۷۵۹۶ ۱-۳ ش ۳۷

آگهی تاسیس

شرکت حفاری نهرین با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۲۹ تحت شماره ۳۴۸۰۱ در این اداره بثبت رسیده خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر آگهی میشود.
۱- موضوع شرکت: حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق و کلیه عملیات حفاری و آبیاری و آبرسانی، نصب پمپ و موتور، واردات ماشین آلات و لوازم حفاری و سایر کالاهای مجاز وارداتی مربوطه.
۲- مرکز اصلی شرکت، تهران خیابان دکتر علی شریعتی زیر ۴ راه قصر شماره ۸۰۰
۳- سرمایه شرکت، مبلغ یکمیلیون ریال است.
۴- مدیران و دارندگان حق امضاء، آقای جمشید کیخسرو کیانی بسمت مدیرعامل شرکت بمدت نامحدود انتخاب و به تنهائی و با مهر شرکت حق امضاء دارد.
مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی
م/۸۷۴۶ الف ش ۸۷ ۱-۳

آگهی تاسیس خانه نوربا مسئولیت محدود

شرکت خانه نوربا مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۲۹ تحت شماره ۳۳۸۹۲ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:
۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به تولیدوواردات و صادرات انواع مواد تزئینی و پوشاک پارچهای فلزی چوبی پلاستیکی.
۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان میرداماد نرسیده به میدان محسنی شماره ۸۲ طبقه همکف.
۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون و پانصد هزارریال.
۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای حسینعلی قاسمی مطلق مدیرعامل آقای سیدعباس شاهمرادی زوارده ای رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود میباشند حق امضاء کلیه اوراق اسناد بهادار از قبیل چک سفته برات قراردادهای تعهدآور وغیره متفقا" با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار میباشد.
مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی
م/۸۷۴۸ الف

نبرد ملت
صفحه ۷ـ دوره انقلاب شماره ۳۲ـ شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۸

امام خمینی: بکشید ما را ـ بریزید خون ما را

این جنایات نابکارانه حقانیت ما را اثبات میکند و انقلاب ما

با این خونها بارورتر میشود

آقایان مسئولین امور چه میگوئید؟

درود آتشین و سلام سوزان ما بر روان پاک برادر شهید حاج مهدی عراقی و فرزند مظلومش

آقای بازرگان! آقای وزیر دادگستری، آقای وزیر کشور و آقای رئیس شهربانی بنام ملت عزادار وبنام خانواده شهداء تروریهای رذیلانه چیره‌خواران اجنبی از شما می‌پرسم چه کردهاید در این چند ماه با این (یکی ازعاملین ترور ...) ها، شما مسلمانید و در موقع تظاهر بمسلمانی از مالك اشتر و سلمان فارسی هم ادعایتان بیشتر است، مگر در اسلام و حتی در این قانون های مسخره غربی (اصل اعتراف) برای اجراء مجازات کافی نیست؟

اول پنبه ها را ازگوش های لطیف و نازنین درآورید و چشم‌هایتان را باز کنیدبعد بشنوید و بخوانید وجواب دهید.

با این ارازل و اوباش، این قاتلین جرفه‌ای و این مزدوران بیگانه که درارتباط با فجیع‌ترین و بیشرمانه‌ترین آدمکشی‌ها دستگیر شده‌اند چه کرده‌اید؟ با قاتل سفاك علامه شهید استاد مطهری که تحت فشار روحی با پای‌خود به پیشگاه عدالت!! آمد و علنا و رسما اعتراف به قتل استاد شهید کرد چه کرده‌اید؟

جوان روشن و درستو بی‌غش اینست که از آنها در محل های امن‌پذیرائی کرده‌اید، آنها را از گزند خشم‌انقلابی مردم حفظ کرده‌اید و نتیجه آنکه همدستان بیشرمشان را آنقدر جری کرده‌اید که فدائی جانباز اسلام و فرزند مظلوم و بیدفاعش را هدف گلوله‌های اجنبی قرار داده یکبار دیگر ملت مسلمان ما را داغدار و یکی از صمیمی‌ترین و جانبازترین سربازان اسلام‌و فرزندش را با خاك و خون بکشد.

چه غم شما را که اسکورت دارید، محافظ مخصوص دارید، شب و روز از شش سو از شما محافظت میشود درحالی‌که سربازان بزرگوار و عزیزی مانند برادر عراقی نه اسکورت‌دارند، نه محافظت میشوند و نه شما ارزشی برای جان آنان قائل هستید.

چه باك کسانی را که نه رنج سی سال مبارزه را چشیده‌اند، نه پاتردم سالدر سیاهچال با شدیدترین‌مصائب دست به گریبان بوده‌اند و نه کسی میتواند علیه آنهاتوطئه کند و اصلا برای چه توطئه کند؟!.

کشتن هزاران تن از آدم های معمولی ولو صاحب‌مقام برای اجنبی و برای عمال اجنبی بقدر یك قطره خون فدائی جانباز، صدیق و دلیر اسلام برادر شهید مهدی عراقی ارزش ندارد.

انقلابیون مردان انقلابی انقلابیون و عاشقان حقیقی اسلام و اعتلاء اسلام است که اجنبی را به اهداف خود نزدیك می‌کند نه کشتن یك‌مشت لرزانك بهانه‌جو و عده‌ای انقلابی‌نمای فرصت‌طلب از خود راضی که هرچه عده و عددشان بیشتر باشد صفوف انقلابیون را ضعیف‌تر و درمانده‌تر می‌کنند.

یکبار دیگر ـ آقای بازرگان ـ آقای وزیر دادگستری ـ آقای وزیر کشور و آقای رئیس شهربانی فقط بنام یك مسلمان دراین (جمهوری اسلامی) حق‌دارم از شما به پرسم پرونده قتل شهداء عزیز محربان نقشه‌های شوم اجنبی و وضع کنایکه. به اتهام این جنایات دستگیرو حتی علنا اعتراف به قتل کردهاند کجاست؟ در چه مرحله‌ایست و تصمیم شما نسبت به‌آنان چیست؟

دیگر این بسته به تصمیم عالی امام است که درصورت سکوت و ادامه رویه‌ای که تاکنون نسبت به دشمنان‌اسلام و ایران داشته‌اید تکلیف شما را معین کنند.

* * *

حضرت آیت‌اله قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌اله آذری قمی دادستان انقلاب اسلامی تهران انقلاب مقدس اسلام‌ما تاکنون هر ضربه‌ای خورده و هر شکستی را متحمل شده بر اثر عدم قاطعیت، سهل‌انگاری و مماشات دولت و عوامل دولتی بوده است‌و این چیزیست که امروز همه آن‌را تصدیق می‌کنند.

آقایان به امر امام و بحق در مسند قضاوت شرعی و موضع عظیم انقلابی با الهام از تعالیم رهائی‌بخش و قاطع اسلام عزیز باید تمام توان و نیروی خویش را در راه جبران ضعفها و سستی های مشهود بکار برده و بدانیدکه در این راه پس از تاییدبه الهی از پشتیبانی بیدریغ‌و قدرت خشم‌آلود تمامی اقشار ملت انقلابی و مسلمان ما برخوردار بوده، همه با جان‌و دل در اختیار تصمیم و رای شما هستند.

بخاطر خدا بیائید ضعفها و کاستی‌های دولت و دادسرای انقلابی در گذشته را با قاطعیتی که همه از شما انتظار دارند جبران کنید.

این بار (برادر حاج مهدی عراقی) که نه عضو شورای انقلاب، نه امیر ارتش و نه رئیس کمیته بود یعنی یك (فدائی اسلام) و مخلص‌پاکباز و مرید از جان گذشته امام بزرگوارمان بود فقط بجرم اخلاص و شرف و ایمان وسابقه درخشان دست در دست‌فرزند جوان و بیگناهش بقتل رسیده است و این جنایت عظیم چیزی نیست که (فدائیان اسلام) بتوانند هیچگاه فراموش‌کنند.

خونهای پاك (فدائیان اسلام) این قدیمی‌ترین بنیان‌گذاران قیام مسلحانه علیه رژیم اجنبی‌خواه و جنایت‌پیشه پهلوی در انتقام از خون پاك برادر حاج مهدی عراقی و فرزندنوکامش میجوشد و بجوش پاك تمامی شهداء گلگون کفن خود سوگند میخورند تا انتقام خون این مظلومین و دیگر شهداء اسلام را از مسببین جنایتکارش نگیرند از پای نخواهند نشست

یاری خدای توانا

هوالعزیز

و لاتحسبن الذین قتلوا فی‌سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عندربهم یرزقون

گمان مدار کسانیکه درراه خداکشته شدند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در رحمت خدای خودغوطه‌وراند.

خداوندا! این قربانی عزیز وشریف، این قدیمی‌فدائی‌اسلام قهرمان‌وپاکبازوفرزند مظلوم، رشید و ناکامش را از امت محمد صلی‌الله علیه و آله وسلم بپذیر.

جانشینان‌خونخوارپسرخائن‌رضاخان‌سفاك جنایات بیدادگاههای نظامی را نسبت بفدائیان اسلام ادامه میدهند.

فدائیان‌اسلام‌بخون‌پاك شهداءِ خودسوگند میخورند تا انتقام خون این‌مظلومین رااز مسببین‌جنایتکارش نگیرند ازپای‌نخواهند نشست

صبح یکشنبه یکبار دیگر دست سیاه جنایتکاران ازآستین ظلم و شقاوت اجنبی بدر آمد و یکی از قدیمی‌ترین، فدا ـ کارترین، زجر دیده‌ترین و دلیرترین برادران شریف و متقی و جانباز ما و فرزند مظلوم و ناکامش را در حین انجام وظیفه مقدس اسلامی‌زیر رگبار گلوله قرار داده بخاك و خون کشید.

این بار هدف یك (فدائی اسلام) قدیمی وفرزند مظلومش بود این بار آدمکشان حرفه‌ای و راهزنانی که از خون و باکترین فرزندان اسلام تغذیه میکنند دست تطاول بحریم قدیمی‌ترین سازمان اسلامی ضد اجنبی دراز کردند.

این بار حیوانات درنده یکی از قدیمی‌ترین برادرانی را که از مدت ۳۹ سال جهاد فی‌سبیل‌الله ۱۵ سالش را در شکنجه گاهها و سیاه چالهای رژیم ضد بشری پهلوی گذرانده بود و فرزند شجاع و ناکامش را تکه پاره کردند.

این شرح مختصر را که درباره یکی از حساس‌ترین‌وحیاتی‌ترین مسائلی که با اقتصاد و ادامه حیات اقتصاد ملی سنگی‌تا و تمام دارد مطالعه فرمودیدولی همکار عزیزی که خواسته‌است حقیقتی را بیان کندوبایدبنام بقاء‌ملکت از ایشان ممنون‌بود با یعلت تراکم مطلب مخصوص ۲۶ سال قبل و یا ملاحظات دیگر که از نظر همکاری برای‌ما محترم است نخواسته‌اند عظمت موضوع و لطمات ناشی ازاین امر را آنطور که باید وشاید شکافته و خطای بنیادی این وزارت و خطرات ناشی از آنرا کماهو حقه بشکافند ولی بازهم باید از ایشان ممنون بود که انگشت را بر نقطه چرکین گذاشته‌اند که‌درخورد‌دقیق‌ترین رسیدگیهاست‌این‌ایرادی‌نیست که فقط از زبان (یکی‌دونفر) گرفته شده باشد بآمار مراجعه کنید و ببینید چند میلیون (حقوق‌بده) که از این چند میلیون هر طبقه بنحوی حقوق میبردارند داریم.

ازکسبه و پیشه‌وران سطح‌پائین بقال وعطار، خیاط وکفاش، میوه‌فروش و قناد، بزاز و رزاز و.... و صاحب هر حرفه و پیشه ولو هر چند کوچك و محدود اکثرا و اکثر قریب بالاتفاق برای‌گذراندن‌کارهر کدام احتیاج‌بکارگر و کمك‌حالی دارند که حتی کشاورزان هم از این قاعده مستثنی نیستند. حال بیائید ببینید وقتی یك باره این چند میلیون کسبه و پیشه‌وکشاورز و تولید کننده‌ء ضعیف‌محبور شوند۱۶۵ درصد بدستمزد (حقوق‌بگیران) خود اضافه کنند کارکسب و تولیدو چرخاندن‌امور بطورسالم یکجا میکشد.

باینجا میکشد که ملاحظه میفرمائید و موضوع از دوحال خارج نیست.

۱ ـ عین‌این‌افزایش‌سرسام‌آور و غیر منطقی بسر بهاء کالا و خدمات افزوده میشود که در اکثر موارد شده‌است‌ودرمرحله‌ء اول همان دریافت کننده‌ء (اجرت افزوده) جوش را میخورد که موضوع خیلی هم طبیعی است.

۲ ـ هر کاسب و تولید کننده اعم از صنعتی و کشاورزی‌وقتی می‌بیند نمیتواند یعنی قدرت ندارد ۱۶۵ درصد اضافه دستمزد ببردازد کار و حرفه خود را رها و به خیل بیکاران میپیوندد و این تنها یك‌ادعا نیست و نظائر آنرا زیادبچشم میبینیم.

۳ ـ بعوارت‌این‌اقدام متمشع وزارت کار عملا دیدیم که چگونه و یکباره با در سرخی موارد (کم‌کم!) همه چیز رو بترقی نهاد و این اولین‌اثر عملی و مستدهش افزایش دستمزدها بود.

* * *

از اینجا روی سخن با دوست رزمنده آقای داریوش فروهر است آقای فروهر: شما مردی تحصیل‌کرده، مبارز و قاطع هستید آنچنانکه وقتی دیدید ادامه همکاری با دوستان ۲۷ ماله خلاف مصلحت مملکت و ملت است بی‌معطلی ازآنها بریدید و راه خود را بسطرف طریق‌بی‌غل‌و غش ملت‌محرف ساختید شما با این شجاعت اخلاقی و گذشتن از کوره‌های مبارزات بخاطر بقاء این تنه ماندهء (اقتصاد ملی) سایه‌در برابرتحریکات‌و دسائس‌رنگارنگ مقاومت‌کرده‌وبامنطق‌و استدلال بیعرضانه ثابت میکردید که اضافه کردن دستمزد نه تنها دردی را دوا نمیکند بلکه‌اساس اقتصاد و تولید و نظم اقتصاد پریشان مملکت را برهم‌زده دردهای بیدرمانی بر دردهای موجود میافزاید.

آقای وزیر کار! ما میدانیم جنابعالی شخصاً حاضرید این امراعتقادی نداشته و این حقایق مورد تصدیق‌شماست‌ولی عوامل ضعیف‌النفس با معرض، معرضیی نظیر برخی عناصر (صندوق تامین اجتماعی) که هیچ نیت و کاری جز بالابردن (درآمدصندوق) ندارندشما را وکمیسیونی را که دست چنین کاری‌زبان بخش‌زده است‌تحت فشار موذیانه قرار داده‌اندزیرا با صدورآین دستورپیکجاولی‌بر دردسر ماهیانه ۱۶۵درصد بر درآمدچند میلیاردی این صندوق بی‌حاصیت و مزاحم افزوده میشود.

لطفا به منشی های‌خود دستور فرمائید دوره های روزنامه های معتبر پس از ترور استاد مطهری، سرلشکر قرنی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت‌اله خروشاهی و مرحوم حاج طرخانی را برایتان بیاورند، چه بوده است این اخباری که پس از ترور آنان در مورد دستگیری (یکی از عاملین ترور) منتشر شده است و آخرین خبر دائر به اعتراف قاتل استاد مطهری؟!

اگر خبر هریك از این روزنامه‌ها جعلی و دروغ‌بوده است چرا همان موقع‌وبلافاصله تکذیب نکردید که اگر خبر جعلی و دروغ بود حتما تکذیب میکردید چراکه‌اخباری بسیار بی‌اهمیت‌تر از آن رادر صورت غیر واقعی بودن تکذیب می‌کنید.

پس حال‌که چنین است آقای نخست‌وزیر، آقای‌وزیر کار و آقای وزیر کشور و آقای رئیس کل‌شهربانی

در این لحظات جانکاه، در این دقایق سراسرمصیبت‌و درد و رنج و در این روز سیاهی که یکی از عزیزترین، شجاع‌ترین، باوفاترین، صدیق‌ترین برادری را که سی سال تمام دوش به دوش هم علیه طاغوت، عمال اجنبی، دزدی و فساد و خیانت و بیدینی دشمنان اسلام و ایران‌جنگیدیم، شب‌های زندان و روز های مبارزه را در سنگر با هم گذراندیم به ضرب گلوله عمال روسیاه و رذل و بیشرف اجنبی از دست دادیم از من سند و مدرك نخواهید.

دستور فرمائید دوره های روزنامه های معتبر پس از ترور استاد مطهری، سرلشکر قرنی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت‌اله خروشاهی و مرحوم حاج طرخانی را برایتان بیاورند، چه بوده است این اخباری که پس از ترور آنان در مورد دستگیری (یکی از عاملین ترور) منتشر شده است و آخرین خبر دائر به اعتراف قاتل استاد مطهری؟!

اگر خبر هریك از این روزنامه‌ها جعلی و دروغ‌بوده است چرا همان موقع‌وبلافاصله تکذیب نکردید که اگر خبر جعلی و دروغ بود حتما تکذیب میکردید چراکه‌اخباری بسیار بی‌اهمیت‌تر از آن رادر صورت غیر واقعی بودن تکذیب می‌کنید.

پس حال‌که چنین است آقای نخست‌وزیر، آقای‌وزیر کار و آقای وزیر کشور و آقای رئیس کل‌شهربانی

در این لحظات جانکاه، در این دقایق سراسرمصیبت‌و درد و رنج و در این روز سیاهی که یکی از عزیزترین، شجاع‌ترین، باوفاترین، صدیق‌ترین برادری را که سی سال تمام دوش به دوش هم علیه طاغوت، عمال اجنبی، دزدی و فساد و خیانت و بیدینی دشمنان اسلام و ایران‌جنگیدیم، شب‌های زندان و روز های مبارزه را در سنگر با هم گذراندیم به ضرب گلوله عمال روسیاه و رذل و بیشرف اجنبی از دست دادیم از من سند و مدرك نخواهید.

لطفا به منشی های‌خود

اخبار و وقایع از مسیر نبرد ملت

نبرد ملت

نخستین نشریه انقلابی وابسته بجبهه واحد اسلامی مستضعفین

صاحب و مدیر مسئول عبدالله گرماسچیان

سی امین سال انتشار

شماره مسلسل ۱۵۸ دوره انقلاب شماره ۳۳
شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۸
برابر با ۹ شوال ۱۳۹۹

نشانی پستی : صندوق ۱۵۶۱– ۴۱
نشانی موقت خیابان ایران نزدیک دبستان شماره ۲ علوی کوچه اشراقی تلفن ۳۶۱۳۴۵

تکشماره ۲۰ ریال
اشتراک ۱۰۰ شماره ۲۰۰۰ ریال
خارج از کشور: ۲۰ پوند یا ۷۵ مارک یا ۴۵ دلار
حسابجاری ۲۰۰۰ شعبه ۷۹۳ بانک ملی جمهوری آلمان
صفحه اول هرسطر ۱۵۰۰ ریال
صفحه آخر هرسطر ۱۰۰۰ ریال
صفحات داخل هرسطر ۵۰۰ ریال

چاپ افست شرکت سهامی عام

مصاحبهٔ مهم سه ساعتهٔ برادر ابوعمار با خبرنگاران تایم و مودی گارت

هفته گذشته "یاسر عرفات" با "مودی گارت" رئیس سابق خبرنگاران تایم و ابوعمید ابوریش خبرنگار تایم در مقر سازمان آزادیبخش فلسطین در بیروت سه ساعت به گفتگو نشست اینست چکیده مصاحبه مذکور:

س – ملل عرب سازمان آزادیبخش فلسطین را تنها نمایندهٔ مردم فلسطین معرفی کرده‌اند شما برای فلسطینی‌ها در حال حاضر و در آینده چه می‌خواهید؟

ج – هدف، تشکیل یک دولت مستقل، بازگشت به سرزمین نیاکان خودمان است. ما در آن سرزمین زاده شده‌ایم و تحصیل خود مختاری است.

س – اگر آمریکا در قطعنامه‌ای حقوق حقه مردم فلسطین و لزوم تشکیل سرزمینی برای آنها را مورد تصدیق قرار دهد، آیا این قطعنامه‌ها را قبول دارید؟

ج – من خواستار قطعنامه‌ای صریح و روشن هستم و این حق من است. شما از من چه انتظاری دارید؟ شما امریکائیان بهنگام موافقت با تشکیل دولت اسرائیل چه کردید؟ شما یک روی سکه را می‌بینید و روی دیگر را نادیده می‌گیرید. شما یک دولت را که با تشکیل آن موافقت کرده‌اید قبول دارید و دولت دیگر را اگر با تشکیل آن موافقت کنید قبول ندارید؟ به عقیده من نمیدانم آمریکا در اجرای قطعنامه‌هایی که منجر به تشکیل دولت اسرائیل گردید و ضمناً ناظر بر تشکیل یک دولت فلسطینی نیز بود قاطعیت دارد.

س – قصد من بر آن است که اعراب از سلاح نفت برای رسیدن به آرمان‌های فلسطینی‌ها استفاده کنند؟

ج – البته نباید فراموش کرد که به گفته خود آمریکا، در سال ۱۹۸۲ ممالک سوسیالیستی نیز سازمند به نفت خواهند بود.

س – حتی شوروی؟

ج – بلی در – ۱۹۸۲ بحران انرژی مضاعف خواهد شد.

س – آیا شما صراحتاً می‌گوئید چنانچه یک دولت فلسطینی تشکیل نشود و نفت را از امریکا و شاید هم از کشورهای دیگر دریغ خواهند کرد؟

ج – نه اینطور نیست و چه اگر چنین مطلبی را عنوان کنیم باید بی‌عقل باشم. توجه داشته باشید که هرگونه سد و مانعی در راه رسیدن فلسطینی‌ها به هدفشان، بحران خاورمیانه را وخیم‌تر خواهد ساخت مضافاً بر اینکه مشکلات دیگری از جمله مشکلاتی که روسها به وجود خواهند آورد و پیش خواهند آمد که آمریکا قادر به پیشگوئی آنها نیست آیا حفظ و آزاد گذاردن اسرائیل وظفل تروریزم امریکا، به اینکه هر کار می‌خواهد بکند و به اینهمه خطر و زیان مبارزد؟

س – آیا شما وجود اسرائیل را قبول دارید و حق حیات برای این کشور قائلید؟

ج – چرا پیوسته باید این سئوال را از قربانی تجاوز کرد؟ چهار میلیون فلسطینی در جامعه خاورمیانه، از بالاترین سطح دانش برخوردارند و با این وجود از داشتن موطنی برای خود محرومند، این خلاف اخلاق است و این یک جنایت بین‌المللی است. ما مردم فلسطین چه کرده‌ایم که سی‌سال است در رنج بی‌خانمانی می‌سوزیم، ملیت ما را قبول ندارند و باید محروم از همه چیز مانند آوارگان روز را به شب آریم؟

س – آیا فکر می‌کنید می‌توانید وجود اسرائیل را پذیرا شوید؟

ج – از من این پرسش را نکنید من نمی‌خواهم در حست خود رارو کنم. دست من پر است هرچند تعداد بسیار کمی کارت دارم.

س – آیا شما زبانی می‌شناسید که گویای آرمانهای فلسطینی‌ها باشد و در عین حال به امریکا اجازه دهد با سازمان آزاد بخش فلسطین رابطه ایجاد کند؟

ج – بلی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد حق فلسطینی‌ها را به داشتن موطنی از خودوحق خود مختاری و استقلال مورد تصدیق قرار می‌دهند. این زیانی است بین‌المللی که ۱۲۶ کشور جهان آنرا قبول دارند.

س – آیا آنچه بر روی کاغذ است از اصل مطلب مهمتر می‌باشد؟

ج – ما فلسطینی‌ها از ابهام قطعنامه‌های سازمان ملل متحد بسیار رنج دیده‌ایم.

س – شما ادعا می‌کنید صلح هدف نهائی شما است. آیا به خاطر نیل به صلح حاضرید دستور دهید دست از تخریب شهرهای دشمن وهواپیما ربائی و عملیات تروریستی بردارند؟

ج – فلسطینی‌ها نقشی در هواپیماربائی ندارند، هواپیما ربائی مشکلی است بین‌المللی آیا شما مقاومت در مقابل اشغالگران را عملیات تروریستی میدانید؟ شما نمی‌توانید به مردم مناطق اشغالی بگوئید، بدون اینکه غاصب و اشغالگران سرزمین آنها بیرون رود و آنها را به حال خود گذارد دست از مبارزه در راه احقاق حقوق خود بردارند؟ تروز و تروریسم در نقش اشغال و غصب اراضی دیگران نهفته است من طالب صلح، صلحی عادلانه هستم که به یمن آن ملت فلسطین دیگر آواره نباشد و دیگر مورد ظالم و تعدی قرار نگیرد و سرزمین اجدادیش در اشغال دیگری نباشد. چنین صلحی، صلح واقعی است و در قبال تروریستی یا تسلیم در مقابل دشمن تفاوتی ندارد.

س – می‌خواهید بگوئید که رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین کم و بیش در دست میانه روها است؟

ج – ما در راه آزادی مبارزه می‌کنیم.

س – آیا می‌توانید در راه آزادی مبارزه کنید و در عین حال میانه‌رو باشید؟

ج – اگر شما مبارزه مرا بخاطر ملتم حاکی از میانه‌روی بدانید در اینصورت من میانه‌روهستم من تنها از یک موضوع الهام میگیرم و آن منافع ملتم میباشد بدون اینکه امتیازی به اسرائیل دهم.

س – ظاهراً فلسطینی‌ها برای اثبات حقانیت خود نزد سایر ملل جهان دست به تعرض وسیعی زده‌اند؟

ج – من کلمه تعرض را نمی‌پسندم، باید به جای آن کلمه "ابتکار" را بکار برد.

س – چقدر دیگر برای نیل به این هدف باید تلاش کرد؟

ج – بسیار زیاد، ما امریکا را به تنگنا می‌کشانیم.

س – امریکا را به تنگنا می‌کشانید؟

ج – اجازه دهید بگویم از جمله آمریکا را به تنگنا می‌کشانیم.

کاش یك جو از غیرت گلیمیان ایران در وجود منحوس (ضدالدین یزیدی) بود

درتظاهراتی که بمناسبت اعتراض به فجایع عمال بیگانه برپا شد دیدیم که گلیمیان غیور وضداجنبی ایران با چه پکارچگی و خلوصی بحمایت از ارتش، پاسداران وبرادران مسلمان برخاسته و در راهپیمائی بی ریا و وسیع خود چگونه وفاداری خویش را بانقلاب اسلامی ایران اعلام نمودند.

برای هر بیننده و شنونده بلافاصله این موضوع تداعی میشد که ایکاش یک موی پوسیده یکی از این برادران گلیمی و یا یک جو از غیرت و جوانمردی او در وجود منحوس صدالدین یزیدی این روحانی نمای مطرود و این عامل جیره خوارساواک بود که اگرچنین بود صدها خانواده ایرانی داغدار دماسش این کرکس خونخوار نمیشدند.

توقیف نبردملت از طرف دولت انگلستان

بنابر گزارش خبرنگار نبرد ملت در لندن از تاریخ ۵۸/۴/۱۶ یعنی شماره ۲۵ تا کنون دولت انگلستان روزنامه های نبرد ملت ارسالی لندن را توقیف و از پخش آن جلوگیری کرده است.

ما از وزارت ارشاد ملی سئوال میکنیم با وجود آنکه مطبوعات انگلیسی با آنهمه تحریف حقایق و خلاف‌گوئی در ایران منتشر میشوند چرا باید نبرد ملت در انگلستان حق انتشار نداشته و توقیف شود؟ و آیا حال که کار بدین منوال است این حق ملت ایران و وزارت ارشاد ملی نیست که در مقام مقابله بمثل از انتشار نشریات دروغ پرداز و مزدور انگلیسی در ایران جلوگیری کند؟

ما تعقیب جدی موضوع وپاسخ لازم را از وزارت ارشاد ملی خواستاریم چون مرجع دیگری رابرای تظلم ورسیدگی سراغ نداریم.

مسئول حروفچینی کتیبه است

حروفچینی و صفحه بندی و نظارت بر مقدمات چاپ شماره گذشته روزنامه بر عهده موسسه بنام کتیبه بود که مسئول این موسسه بر اثر اغراضی خاص و یا لاابالیگری روزنامه را بوضعی درآورد که موجب نهایت شرمندگی ما نزد خوانندگان و تاسف خوانندگان عزیز و وفادارمان گردید.

خطاها و حدود خرابکاری نه آنچنان بوده است که بتوان توضیح داد یا معذرت خواست فقط موضوع مهمتر و همه اینکه یادآور شویم که تیتر مقاله اول این بوده است (ما دست از خونخواهی شهدایمان برنمیداریم) که بکلی (ما بالای صفحه حذف کرده بودند ولی در صفحه ۷ فقط (ما دست از خونخواهی ...) را آورده بودند.

این یک نمونه از وظیفه نشناسی و دخالت اغراض در حرفه و وظیفه و کار است و گناهیست که با هیچ آبی شسته نمیشود.

مجلس خبرگان امنیت ندارد

مثل هزاران حرف وتذکر و پیش بینی دیگر امروز ما میگوئیم ووظیفه خود راکه آن تذکر است انجام میدهیم.

این یکی دوماهین پلیس وچند پاسدار برای حفظ امنیت محیطی بوسعت مجلس سابق سناوحفظ جان و امنیت هفتاد و سه نفر نمایندگان این مجلس کافی نیست، در این مورد نخست سپاه پاسداران و سپس گارد مجلس و پلیس وظایفی سنگین برعهده دارند که متاسفانه آنطورکه از ظواهرامر پیداست باین وظیفه عمل نشده و نمونه‌اش هم وضع رفت وآمد نمایندگان وظفل عجیب تعداد پاسداران و نگهبانانست واگر گوش شنوائی باشد یکباردیگر میگوئیم (علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد).

دولت باید فوراً استرداد قاسملو خائن را ازدولت شوروی بخواهد

درانحاء آمده بودکه قاسملو خائن ضدانقلاب سردسته آدمکشان و راهزنان دموکرات بشوروی فرار کرده است.

با توجه بقرارداد استرداد مجرمین که بین ایران و دولت شوروی وجود دارد و بارها هم از طرف دولت ایران اجراء گردیده است دولت ایران باید فوراً استرداد این راهزن آدمکش خائن را از دولت شوروی خواستار شود

روش دولت شوروی در استرداد این جنایتکار نشان‌دهنده میزان ادعاهای او در مورد حسن نیت های‌ادعائی است.

آیا وزارت ارشاد ملی اتهام وارده از طرف حسن نزیه را میپذیرد؟

آقای حسن نزیه رئیس شرکت ملی نفت ایران درمقام پاسخگوئی اعتراض بحق نبرد ملت در مورد دادن آگهی بروزنامه آیندگان اظهارداشته است که هرچه آگهی با یندگان داده شده (حتی از زمانیکه امام اظهار داشتند من دیگر روزنامه آیندگان را نمیخوانم) از طرف وزارت ارشاد ملی بوده و شرکت نفت هیچ نظر و دخالتی در تقویت آیندگان از راه پرداخت میلیونها ریال حق‌الدرج آگهی باین‌روزنامه را نداشته است.

از وزارت (ارشاد ملی) سئوال میکنیم آیا این اتهام وارده آقای نزیه را میپذیرد یا آنرا رد میکند؟

چون پاسخ به پاسخگوئی آقای نزیه موکول است به جواب وزارت ارشادملی دراین مسئله که لااقل برای‌بسیاری از مردم واجد کمال اهمیت میباشد. منتظر جواب صریح و سریع وزارت ارشاد ملی هستیم.

وظیفه سنگین آیت اله اشراقی در شرکت نفت

هفته گذشته به امر امام خمینی آیت‌اله اشراقی برای نظارت ورسیدگی بامور مختلف شرکت نفت منصوب گردیدند.

باتوجه بفعل وانفعالات سرسام‌آور دوران طاغوت در این دستگاه ودرآمدسیل‌آسای آن و دستاندازیهای بعدی آقای نزیه که بهتر است روساء و کارکنان مسلمان و شریف و (غیروابسته) به تشریح درد های خود وبی‌سروسامانی‌های موجود بپردازند.

جناب آقای اشراقی مسئولیتی خطیر و وظیفه‌ای بس سنگین نسبت به سروسامان دادن باین دستگاه‌غول آسا به عهده دارند که امیدواریم با قدرت ایمان، کفایت ذاتی و اجراء یک برنامه قاطع مسیر این ثروت خدادادی را بسوی ملک وملت بازگردانند وببینند این آقای نزیه در این مدت و بااین سرگرمیهای شور وشیرین سیاسی چه گلی به سر این دستگاه زده و اصولاً این‌روزی ۸۶ میلیون دلار و ۶۰۰ میلیون تومان درآمد در چه حالست؟ نزدیکه کسی است بکدام حساب واریزیا (بلوکه) میشود؟

مجلس خبرگان وداد گاههای اختصاصی

در این روزها که مجلس خبرگان بکار تنظیم و تدوین قانون اساسی پرداخته است باید تمام نیروی خود را درپاك کردن آثار شوم حاکم در رژیم گذشته بکار برد.

یکی از این لکه‌های ننگ وجود محاکم اختصاصی بنامها وعناوین مختلف است که نتیجه بارز و بلکه بدترین نمونه آن محاکم صندوق تامین اجتماعی است که بمیل خود هر تصمیمی را که نغفشان اقتضا کند اتخاذ و بچین و چرا بعنوان (حکم لازم‌الاجراء) بضرب قدرت قوه مجریه عملی میکنند در حالیکه این دخالت علنی قوه مجریه در وظایف قوه قضائیه است و باید اصولاً کنتیجه دادگاههای‌استبدادی که‌دادگار رژیم منفور معدوم است وبرای حفظ ظاهر باسم (هیئت!!) باعمال ظلم و ستم میپردازند پکیره از صحنه زندگی ایران اسلامی محو و نابود شود.

یك متخصص علوم احکام و ایدئولژی اسلامی باید هیئتهائی راکه بخارج اعزام میشوند همراهی نماید

وزیر خارجه هفته گذشته بکشور کوبا بمنظور شرکت در کنفرانس کشورهای غیر متعهد رهسپار گردید.

در این هنگام که انظار تمام جهانیان متوجه ایران و انقلاب اسلامی ملت ایران است ونیزهامنظور که وزیرخارجه در مصاحبه رادیوئی خود اظهار داشت که یکی از اهداف ما تشریح ایدئولوژی اسلامی است باید ازدولت و ایشان سئوال کرد در این هیئت چه کسی صلاحیت تشریح ایدئولوژی اسلامی را با آن وسعت و عظمت بی انتها دارد؟ آیا آقای دکتر یزدی یا دیگر اعضاء هیئت چنین صلاحیت خطیری را دارند؟ که تصور نمیکنیم بتوانند چنین ادعائی بنمایند

درانیصورت رهبری وشورایعالی انقلاب باید دستوری صادر کنند که هر هیئتی نظیر هیئت نمایندگی فوق که به خارج میرود دانشمندی آشنا بعلوم اسلامی را در هیئت‌خود قرار دهند که چهره واقعی اسلام اصیل و ماهیت انقلاب اسلامی ایران را آنطورکه شایسته است بجهانیان نشان‌دهد.

برادران! دعوت ارتش خودتان را لبیك گوئید

هفته گذشته رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی‌ایران طی اعلامیه از افراد ذخیره دعوت کرد که برای خدمت به جمهوری اسلامی بارتش بپیوندند.

گرچه دعوت ایشان مسلماً تاکنون باجابت رسیده ولی ما از نظر وظیفه خاصی که بر عهده داریم لازم میدانیم بگوئیم لبیك بدعوت رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام یک وظیفه مسلم شرعی، دینی، اسلامی و ملی است که موجب خوشنودی خدای بزرگ و توانا واجراء فرامین سعادت آمیزرهبری انقلاب ونجات مملکت از چنگال دزدان مسلح، راهزنان خائن و آدمکشان بی‌سروپاست.

برادران غیور! فرزندان شریف و دلاور اسلام و ایران هرچه زودتر آنچنان دعوت ارتش اسلامی خود را لبیک گوئیدکه اجنبی بداند باملتی بیدار، فداکار و تسلیم‌ناپذیر سروکار دارد نه با ملتی ترسوی خانه نشین.

درحاشیه

بقیه از صفحه اول

شد و با پیش کشیدن بمبورد و غلطه آمیز مسئله خاوپار و دریای خزرازدولت مامسئول کرد که: چرا خاویار در قسمت ایران بیشتر از شوروی است؟ رفیق مسلمان که اطلاعات ولو مختصر نسبت به این مسئله و فرصت طلبان حرفه‌ای و سودجو که از ضم روانشناسی خوبی برخوردارند و اتفاقاً همیشه‌هم درکار خود موفق بوده‌اند این روزها هم وارد میدان شده‌اند تا با تحریک احساسات مردم حیب مبارکشان را از اسکناس‌های ساد آورده انباشته نمایند و سپس به‌ریش مردم ساده لوح قاه قاه‌بخندند و نوشتن شعه‌ای از حقه‌های این شیادان حرفه‌ای برای خوانندگان گرامی به تنهاخالی از لطف نیست بلکه هشداری است برای آنهائی که دوغ را از دوغاب تمیز نمیدهند هامنطور که آگاهی دارید این روزهاهمه حاصحیت از انقلاب و مجاهدین هامنطوریکه ملیت، فرهنگ، ارزشهای اصیل ایرانی، اسلامی را در برابر ایلغار تکرار تاتاروغول پاسداری کرد، هامنطوریکه‌در برابر مطامع و آزمندیهای کشور گشایان عثمانی استقلال و تمامیت ارضی ما را محافظت نمود توانائی آنرا هم داردکه ما را از زیرسطوره نفوذ فرهنگ بواستعماری غرب نجات داده در برابر امپریالیسم جهانخوار صهیونیسم نژاد پرست، کوتوپیسم بین الملل و هرایسم دیگری پاسدار روبزگیهای قومی و استقلال و تمامیت ارضی و فرهنگی ما باشد ولی متاسفانه چهارصد سال نفوذ نامرئی و مستراستعمار و پنجاه سال سلطنت خاندان منحوس پهلوی و بیست و پنجسال سلطه مستقیم آمریکا بویژه پانزده ساله اخیر دوران انقلاب سیاه چنان برخی را از خویشتن همچنین جعرافی نداشت سعی بکردند طرف را قانع کنند اماطرف هم با لبخند استهزاء آمیزی او را نگاه می‌کرد خوشبختانه‌دو سه جوان دانشجو که داخل اتوبوس بودند بیاری دوستان آمدند و طرف را ساکت کردند صادقانه به شما عزیزان یاد آوری می‌کنم احساسات شما برادران همه قابل ستایش و احترام است اماخواهش میکنیم تازمانیکه پیرامون هر مسئله‌ای اطلاعاتی ولو مختصر ندارید وارد بحث نشوید زیرا حریفان همیشه مترصد فرصتند وباطرح سئوالاتی پیرامون مسائل مختلف بروزی نقاط ضعف شما را پیدا می‌کنند چه اشکالی دارد صادقانه بگوئید از بحث کردن معذورم و یا آنها را که طالب پاسخ منطقی می‌باشند به‌اشخاصی فهیم‌و مطلع معرفی کنید.

این اهانت بانقلاب و شهدای انقلابست

فرا یادگذاشت "تخمه‌شکنی" زیرا کاری به متن نمایشنامه ندارند و از اول تا انتهای نمایشنامه کاری غیر از شکستن تخمه‌و احیاناً بستن شیشکی و گاه گاهی هم خندیدن ندارند این نمایشنامه که‌در یکی از تاترهای لاله‌زار به‌روی صحنه آمده‌است فداکاری یکی از مجاهدین را برکو می‌کند و مسئله‌ایکه‌باعث نگارش این سطور شد این است که‌عکس‌بزرگ یکی‌از هم‌رزمان را در حالیکه با شال‌سبزی کمر و عمامه‌ای به همین رنگ برسر دارند نصب کرده‌اند وقتی که این عکس را دیدم آنقدر ناراحت شدم که حد نداشت زیرا این آقای هنرمند که‌در قالب سید بزرگواری فرو رفته همان کسی است که‌درزمان رژیم گذشته ایفاگر نقش‌های باجگیر کافه‌ها و محله‌های بدنام و رل‌های دیگری‌در همین‌ردیف بوده است. وقتی سوابق این هنرمندان وهم پالکی‌هایش را در دهن مرور کردم به حال آن مجاهدین گلگون کفنی که‌برای آبیاری درخت انقلاب ارباب‌ار خون خود دریغ نورزیدند افسوس خوردم و با خود گفتم اگر آن مجاهدین میدانستندکه پس از شکوفائی انقلاب منتی دلقک وامانده در قالبشان‌مرو میرودوباد شان‌راگرامی میدارند هرگزسینه بسته خود را آماج گلوله‌های داغ‌وزخیم نمی‌کردند باد آن مجاهد شهیدی‌افتادم‌که وقتی که در محاصره مامورین بود متوجه شد که طفل چهار ساله‌ای درتررس مامورین است و بی‌پروا خودش را به وسط خیابان پرتاب کرد و کودک را نجات داد اما خودش شربت شهادت نوشید.

کار این شهید و هزاران شهید مسلماً برای رضای خدا و هموطنانش بوده است وهدفی غیر از کسب آزادی مطلق‌برای وطنشان نداشته‌اند آیا سزاوار است امروزه گروهی سودجوی فرصت طلب به مستحمن‌ترین صورت یاد آنها را زنده نمایند؟ وظیفه مسئولین و اگر آن مجاهدین میدانستندکه پس از شکوفائی انقلاب منتی دلقک وامانده در قالبشان‌مرو میرودوباد شان‌راگرامی میدارند شهیدان را نمیگذاشتند که‌ارزش‌های انقلابمون جان شعار دیگر که انقلابمون جان برکف در زیر رگبار مسلسلها نفیر گلوله‌های دژخیمان‌دد منش شاهی بهپهرلس از مرگ سرمیدادند نمایانگر خواستهای اصیل و قلبی آنان بود که با آگاهی کامل راه خویش را برگزیدند و با دستهای خالی در برابر تانکها و زره پوشها قدعلم نمودند و خون پاکشان کف اسفالت خیابانها و سنگ فرش کوچه پس کوچه را گلگون و سرخ فام ساخت و اکنون که به یمن انقلاب ظفرنمون اسلامی در برتو پاسداریها و پایمردیهای شهدای بخون تپیده‌مان تمامی نهادهای پیشین درهم ریخته یا در حال ریزش است و حامعه انقلابی و متحول ما در ترف ساختن حامعه‌بی‌طبقه‌توحیدی می‌کنیم حکومت علی‌راوصدها و مقدسات ملی و مذهبی‌ی‌ـ تفاوت و بی اعتنا ساخته که حتی منکر تاریخ شده و قرنها مبارزات قهرآمیز و حق‌طلبانه خلق خودرا در زیر لوای‌تشیع سرخ علوی انکار می‌نمایند ایمان باید بدانند که چه‌در گذشته‌وچه‌درانقلاب شکوهمند و ظفر نمون کنونی،خلق‌ما به ندای اسلام حرکت‌کرده‌وبرای برقراری حکومت عدل‌الهی اسفالت خیابانها و سنگ فرش کوچه پس کوچه را گلگون‌و سرخ فام ساخت و اکنون که به یمن انقلاب ظفرنمون اسلامی در برتو پاسداریها و پایمردیهای شهدای بخون‌تپیده‌مان تمامی نهادهای‌پیشین درهم ریخته یا در حال ریزش است و حامعه انقلابی و متحول ما در ترف ساختن حامعه‌بی‌طبقه‌توحیدی است این خواست اکثریت قاطع خلقهای ایران در عین نهایت احترام نسبت بحقوق برادران اهل تسنن و دیگر اقلیتهای هموطن است که به تنها شیعه مذهب رسمی ایران باشد بل رئیس جمهوری نخست‌وزیرهم‌باید حتماً شیعه مذهب‌باشند لازم به یادآوری است‌که ما شیعیان هیچگاه برادران اهل سنت و همچنین دیگر اقلیتهای مذهبی و حتی مسلکی راحدا از خود ندانسته و نخواهیم دانست ولی هرگز پذیرای حذف مذهب شیعه از قانون اساسی‌نخواهیم بود فلذا بپیشنهاد میشود برای تحقق بخشیدن به خواست اکثریت خلق‌مسلمان ایران باصول‌ذیل توجه جدی و کامل بشود.

۱ – باراگراف‌اول‌اصل ۱۳ پیش نویس‌قانون اساسی بصورت زیر اصلاح شود

دین رسمی‌ایران اسلام‌ومذهب رسمی شیعه اثنی‌عشری که مذهب اکثریت مسلمانان‌ایران است میباشد

۲ – اصل ۷۶ پیش نویس‌قانون اساسی بصورت زیر اصلاح‌شود رئیس جمهور و نخست‌وزیر بایدمسلمان وپیرو مذهب‌شیعه اثنی‌عشری بوده ایرانی‌الاصل و تابع ایران باشند بعلاوه‌چون رئیس جمهور اولوالامر است باید واجد تمامی شرایط امام باشدبحرآنکه‌نمی‌تواند معصوم باشد.

والسلام علیکم

عبدالعلی معظمی

استقبال عمومی جهان اسلام از دعوت امام خمینی

صفحه اول

که نتیجه فساد در رژیم آنها است، رژیمهائی که مانند نوشر در خدمت بیگانگان بوده‌وملت خود را به آنها فروخته‌اند، شکایت کرده است. مرده ۷۹ ساله هشدارهای جدید خود را متوجه‌روشنفکران مملکت ساخت زیرا آنها از رژیم انقلابی خمینی درخواست آزادی مطبوعات و برقراری قوانین دموکراتیکی را دارند.

خمینی افزود، اگر آنها دست از توطئه‌ها بر ندارند‌واوحرف تصمیم آخر خود را اعلام خواهد داشت. خمینی اضافه کرد که هیچکس نباید فکر کند که طبقات فاسد و چپ‌نماها می‌توانند در ایران نفوذی داشته باشند از ناحیه سآآرام کردستان بازهم خبرهای جدیدی راجع به بحران به تهران رسیده است در شهر کوچک مرزی پاوه که‌درمرزعراق واقع است کردهای تورش‌پس ازحمله به پاسداران‌و سربازان دفتر روزنامه کیهان را بستند همچنین راههای ورودی‌به‌شهر در کنترل کردها بوده و جلوی نیروهای‌تقویتی که‌از کرمانشاه به آنجا اعزام شده بود گرفته شده است.

امام خمینی تنها کسی است‌که می‌تواند اتحاد را در میان همشهریانش به‌وجود آورد‌ویک رژیم قدرتمند برقرار سازد‌ولی او نشستن بر مسند قدرت را نمی‌خواهد زیرا آیت‌اله وارث رسومات آن شیعه‌ای می‌باشد که هزار سال نسبت به فرمانروایان بی‌اعتنا‌و دیدگمان بوده است. او هرگونه‌قدرت را فاسد می‌داند ولی امام‌تنها کسی است که قادر است وباید اصول اجتماعی را که منطبق‌بر اصول‌خدائی است‌تشریح‌نماید این جمهوری بر اساس آموزش قرآن، همبستگی ملل مسلمان مبارز بر علیه مستکبر، طرد سیستم‌های سرمایه‌داری و مارکسیستی شرق و غرب‌پایه‌ریزی شده است بدون تنگ "امام‌خمینی" می‌تواند و باید تصمیمات مهم سیاسی بگیرد، تصمیماتی از قبیل قطع روابط‌سیاسی با سادات خائن به اسلام امام نشده کسی است که‌بایددر مورد زد وخوردهای مهم داوری نماید.

تشیع سرخ علوی....

از صفحه اول

وپناهگاه مستمدیدگان و مستضعفان بوده و هامنطوریکه توانسته ما را از زیر سیطره و سلطه شوم نیسم غرب که به دست خلفهای اموی و عباسی زیر پوشش‌تسنن باشدت‌وحدت تمام احرا میشد نجات دهد. هامنطوریکه ملیت، فرهنگ، ارزشهای‌اصیل ایرانی، اسلامی را در برابر ایلغار تکرار تاتاروغول پاسداری کرد، هامنطوریکه‌در برابر مطامع و آزمندیهای‌کشور گشایان عثمانی استقلال و تمامیت ارضی ما را محافظت نمود توانائی آنرا هم داردکه ما را از زیرسطوره نفوذ فرهنگ بواستعماری غرب نجات داده در برابر امپریالیسم جهانخوار صهیونیسم نژاد پرست، کوتوپیسم بین‌الملل و هرایسم دیگری‌پاسدار روبزگیهای‌قومی و استقلال و تمامیت ارضی و فرهنگی ما باشد ولی متاسفانه چهارصد سال نفوذ نامرئی و مستراستعمار و پنجاه سال سلطنت‌خاندان منحوس‌پهلوی‌و پهلوی بیست و پنجسال‌سلطه مستقیم آمریکا بویژه پانزده ساله اخیر دوران انقلاب‌سیاه چنان برخی را از خویشتن خویش‌بیگانه و نسبت‌به شعائر و مقدسات ملی و مذهبی‌ی‌ـ تفاوت و بی اعتنا ساخته که حتی منکر تاریخ شده و قرنها مبارزات قهرآمیز و حق‌طلبانه خلق خودرا در زیر لوای‌تشیع سرخ علوی انکار می‌نمایند ایمان باید بدانند که چه‌در گذشته‌وچه‌درانقلاب شکوهمند و ظفر نمون کنونی،خلق‌ما به ندای اسلام حرکت‌کرده‌وبرای برقراری حکومت عدل‌الهی که خلافت پنجساله علی‌بن‌ابیطالب امیرمومنان (ع) الگو قرار داده‌است و نمونه عینی و بسازآنست قیام نمونه‌و شعارها و سرودهائی همانند (برای‌حفظ قرآن ارتش به ما بپیوندد) یا (سکوت هر مسلمان خیانت است‌به قرآن)، سرنگون‌میکنیم سلطنت پهلوی را – برقرار